



نوروز پیروز مردم در راه است



سال ۹۸ خورشیدی برای مردم و
نظام با دو چشم انداز کاملا متفاوت
از راه می رسد:
بیم نظام و امید مردم!

«اسکوبار»های حکومتی با یقه سفید!



با بلوز و شلوار سرمه‌ای جلوی دوربین رسانه‌ها پز می‌گیرند تا روی جلد روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها با تیترهایی داغ از فساد مالی و اختلاس‌هایشان مغموم به نظر برسند. این سلبریتی‌های اقتصادی پیشتر ناشناس که فردا روزی در خیابان هم با یقه سفید و ریش، در عکس‌های

دستجمعی حکومتی‌ها لبخند می‌زدند و برای فلان فیلم و سریال خاصه خرجی می‌کردند. عده‌ای شان اسم و رسم ندارند مثلا محمدرضا حکمی یا قاسم ممتاز نام‌هایی آنقدر ناشناس که فردا روزی در خیابان هم آنها را نخواهید شناخت! در صفحه ۲

چهل سال پس از انقلاب اسلامی؛ موانع، چالش‌ها، دستاوردها و چشم‌انداز آینده مبارزات زنان ایران

صفحه ۲۴

Happy New Year
زمان تحویل سال ۱۳۹۸ به وقت ایران.
روز پنجشنبه
۱ فروردین ماه ۱۳۹۸
۰۱:۲۸:۲۷
زمان تحویل سال ۱۳۹۷ به وقت GMT.
روز چهارشنبه
۲۰ ماه مارس ۲۰۱۹
۲۱:۵۸:۲۷

زن روز مرد روز

صفحات ۸ و ۹

بهاریه
ویژه نوروز
در صفحه ۱۹

صفحات ۱۶ و ۱۷

به یاد ماندگان

از «بگو مرگ بر شاه» تا «بگو برگرد شاه»

هر تعریفی که از «انقلاب» به دست داده می‌شود، هر تلاشی که از سوی جامعه و افرادی برای تغییر و تحول صورت می‌گیرد، و ما هر برداشتی که از همه اینها داشته باشیم، اصلا پذیرفتنی نیست که جوامعی به دنبال تغییرات بروند و مردمی «انقلاب» کنند تا وضع‌شان بدتر از قبل شود! اما این را می‌توان پذیرفت که برخی با انقلاب و تحولات اجتماعی همراهی می‌کنند و حتی ممکن است در رأس آن نیز قرار بگیرند، با این هدف که با فشار و تحمیل بر دیگران، افکار خودشان را پیش ببرند؛ وگرنه هیچ فرد عاقلی از هیچ انقلاب و تغییری دفاع نمی‌کند برای اینکه وضع‌شان بدتر شود! به همین دلیل نیز وقتی ایران در چهل سال پیش دچار آشوب شد، آن رهبری که برای «انقلاب» تراشیده شد، از زیر درخت سیب در حومه پاریس مرتب وعده‌های خوب می‌داد ولی وقتی پایش به ایران رسید، اعدام‌ها را از بام محل اقامت خود شروع کرد تا رسید به بلعیدن فرزندان انقلاب! اما در این مدت علاوه بر اینکه شرایط جهان از همه نظر تغییر کرده (فروپاشی بلوک شرق، تکنولوژی ارتباطات، جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، برآمدن قطب‌های اقتصادی جدید و...) شرایط ایران نیز با وجود فشارهای اراده‌گرایانه زمامداران، ایستا و ثابت نمانده. راه جامعه و حکومت که از آغاز نیز جدا بود، پس از پایان جنگ هشت ساله بیش از پیش از هم فاصله گرفت. ناتوانی و فساد فراگیر همه جناحین حکومت همراه با انزوای جهانی و منطقه‌ای، شرایط را بر جامعه چنان سخت کرده که از دی‌ماه ۹۶ مردم و حکومت را آشکارتر از همیشه در برابر هم قرار داده است. مردم امیدواری که بر آوردن یک استبداد دینی از «انقلاب» را در هیچ جای ذهن خود نمی‌داشتند و ساده‌لوحانه شعار می‌دادند «به کوری چشم شاه، زمستونم بهاره» حالا از زیر فشار بهمنی که بر سر آنها آوار شد تا یک چله‌ی تاریخی از ۵۷ تا ۹۷ را برایشان رقم بزند، بجای «بگو مرگ بر شاه» شعار می‌دهند: «بگو برگرد شاه»

روشن است که منظور از این شعار مخالفت با نظام حاکم و یادآوری همه‌ی آن حقوق و موقعیت‌هایی است که پس از انقلاب از دست رفت. «شاه» که گفته بود اینها بجای «تمدن بزرگ» به شما «وحشت بزرگ» را وعده می‌دهند، در خاک آرمیده است. گذشته به تاریخ پیوسته و جمهوری اسلامی که آمد تا راه ایران را به سوی آینده مسدود کند، خود به انسداد دچار شده و به گذشته می‌پیوندد. اما کسانی که پهلوی‌ها را ندا می‌دهند، برای عبور از این نظام باید که پای خود را برای پرش بر سکویی از تاریخ معاصر ایران محکم کنند. این سکوی پرش همان دوران پهلوی‌هاست که جامعه جوان ایران با ایستادن بر آن و پرواز به سوی آینده، حکومت کنونی را زیر پای خود پشت سر می‌گذارد. آیا نهاد پادشاهی به ایران بازمی‌گردد؟ کسی نمی‌داند. اما آساکوی پرش دوران پادشاهی پهلوی می‌تواند یک بار دیگر به مردم ایران برای عبور از نکبت و فلاکت قجری کمک کند؟ بی‌تردید چنین است.

سقوط بهشت

کیهان منتشر کرد:

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضاتی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست

www.kayhan.london Email: info@kayhan.london Tel: +44 20 3633 3634



آمریکا و اروپا به دنبال «مهار برنامه موشکی» جمهوری اسلامی



رزمایش «پیامبر اعظم ۷»

● **سفیر موقت آمریکا در سازمان ملل در نامه‌ای گفته ایران با سه پرتاب موشک همچنان به اقدامات تحریک‌آمیز خود در خاورمیانه ادامه می‌دهد.**

● **جاناناتان کوهن خواستار شدیدتر علیه جمهوری اسلامی جهت مهار برنامه موشکی رژیم شده است.**

● **مصباحی‌مقدم: ما فریب آنان را نمی‌خوریم که در ازای ایجاد این کانال، لویج FATF را تصویب کنیم چرا که ما مصلحت نظام را در نظر می‌گیریم نه هوی و هوس‌ها را.**

امنیت رژیم ایران از آزمایش موشک بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی منع شده است. پرتاب هر دو ماهواره‌ای که ایران در ماه‌های اخیر تلاش کرد آنها را با موشک‌های ماهواره‌بر متعلق به سپاه در مدار زمین قرار دهد شکست خورد.

آمریکا می‌گوید جمهوری اسلامی با برنامه موشکی و همچنین حمایت از شبه‌نظامیان شیعه عامل اصلی بی‌ثباتی در خاورمیانه است. واشنگتن از یکسو دولت‌ها به ویژه اروپایی‌ها و شرکت‌ها و موسسات خصوصی بین‌المللی را زیر فشار گذاشته تا حلقه تحریم‌های جمهوری اسلامی را تنگ‌تر کنند و از سوی دیگر تلاش می‌کند شورای امنیت سازمان ملل را نیز در مورد فعالیت‌های مخرب رژیم ایران به تحرک وادارد.

این در حالیست که کارگزاران نظام ادعا می‌کنند تحت هیچ شرایطی با آمریکا مذاکره نخواهند کرد اما اعلام آشکار وجود دارد که محافظی از درون رژیم برای بازکردن کانال مذاکره با دولت دونالد ترامپ در تکاپو هستند.

مسئله‌ای که تنگناهای جمهوری اسلامی را بیشتر کرده فشار اروپایی‌ها برای الحاق ایران به گروه اقدام مالی FATF است و حتی آغاز به کار کانال مالی اینستکس را که صرفاً شرایط تجارت تهرانی یا مبادله‌ی کالا را تسهیل می‌کنند نیز منوط به آن کرده‌اند افزون بر این، شرط گذاشته‌اند که سپاه موشک‌پرانی‌ها و حمایت از گروه‌های

آمریکا از شورای امنیت سازمان ملل خواسته تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم ایران را به دلیل نقض قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه ۲۲۳۱ و ادامه فعالیت‌های موشکی بار دیگر اعمال کند.

جاناناتان کوهن سرپرست فعلی نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد، در نامه‌ای به دبیرکل این سازمان و اعضای شورای امنیت نوشته رژیم ایران یک موشک میانبرد بالستیک در اول دسامبر ۲۰۱۸ (۱۰ آذر ۹۷) آزمایش کرد و در ۱۵ ژانویه (۲۵ دی) و پنجم فوریه ۲۰۱۹ (۱۶ بهمن) نیز تلاش کرد دو ماهواره را در مدار زمین قرار دهد. کوهن گفته «ایران با انجام این سه آزمایش موشکی عملاً قطعنامه شورای امنیت را نقض کرده و چنین اقدام تحریک‌آمیزی موجب تداوم بی‌ثباتی در کل خاورمیانه شده است.» وی خواستار «محدودیت‌های شدید بین‌المللی» علیه جمهوری اسلامی شد.

سفیر آمریکا در سازمان ملل در این نامه که، جمعه ۱۷ اسفند، منتشر شد، نوشته «برای تسهیل تسلیحات واقعی به ایران بابت سرپیچی آشکار از مطالبات شورای امنیت و بازگرداندن محدودیت‌های شدید علیه این کشور جهت مهار برنامه موشکی آن به ما ملحق شوید.»

بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای

سازمان ملل در مورد مراد تسلیحاتی و موشکی کره شمالی و رژیم ایران تحقیق می‌کند



یکی از دیدارهای مقام‌های نظامی ارتش جمهوری اسلامی و کره شمالی که تصاویر آن رسانه‌ای شد

نیاز موشک‌های بالستیک و دیگر تسلیحات را صادر می‌کند و شرکت «گرین پاین» (کاج سبز) که تسلیحات نظامی معامله می‌کند اخیراً به ایران سفر کرده‌اند.

هاف‌گریفیث هماهنگ کننده هیأت ارزیاب تحریم‌های کره شمالی در سازمان ملل می‌گوید یک عضو این سازمان به این هیأت اطلاع داده که دو شرکت تسلیحاتی کره شمالی که هر دو در لیست سپاه سازمان ملل قرار دارند، در حال حاضر به شدت در ایران فعال‌اند. او به شبکه تلویزیونی NBC می‌گوید، تحقیقات بطور مشخص نشان داده که چه کسانی در سفارت کره شمالی در تهران حضور دارند و آنجا چه می‌کنند.

این هیأت پیش از این نحوه فعالیت شرکت «کومید» در ایران را که با کمک دیپلمات‌های کره شمالی تا سال ۲۰۱۶ انجام می‌شد مستند کرده است و در نهایت با ارائه این گزارش رژیم ایران دیپلمات‌های کره‌شمالی را اخراج کرد. طبق گزارش‌های قبلی دو نماینده کره شمالی به نام‌های کیم یونگ چول و جانگ جونگ سون، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ بیش از ۲۶۲ بار در مسیر تهران به دوی رفت و آمد کرده بودند. این افراد مظنون به انتقال پول نقد برای اجتناب از تحریم‌های کره شمالی هستند.

سازمان ملل بررسی می‌کند که آیا شهروندان کره شمالی که برای شرکت‌های تسلیحاتی نام‌برده در

نیاز موشک‌های بالستیک و دیگر تسلیحات را صادر می‌کند و شرکت «گرین پاین» (کاج سبز) که تسلیحات نظامی معامله می‌کند اخیراً به ایران سفر کرده‌اند.

هاف‌گریفیث هماهنگ کننده هیأت ارزیاب تحریم‌های کره شمالی در سازمان ملل می‌گوید یک عضو این سازمان به این هیأت اطلاع داده که دو شرکت تسلیحاتی کره شمالی که هر دو در لیست سپاه سازمان ملل قرار دارند، در حال حاضر به شدت در ایران فعال‌اند. او به شبکه تلویزیونی NBC می‌گوید، تحقیقات بطور مشخص نشان داده که چه کسانی در سفارت کره شمالی در تهران حضور دارند و آنجا چه می‌کنند.

این هیأت پیش از این نحوه فعالیت شرکت «کومید» در ایران را که با کمک دیپلمات‌های کره شمالی تا سال ۲۰۱۶ انجام می‌شد مستند کرده است و در نهایت با ارائه این گزارش رژیم ایران دیپلمات‌های کره‌شمالی را اخراج کرد. طبق گزارش‌های قبلی دو نماینده کره شمالی به نام‌های کیم یونگ چول و جانگ جونگ سون، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ بیش از ۲۶۲ بار در مسیر تهران به دوی رفت و آمد کرده بودند. این افراد مظنون به انتقال پول نقد برای اجتناب از تحریم‌های کره شمالی هستند.

سازمان ملل بررسی می‌کند که آیا شهروندان کره شمالی که برای شرکت‌های تسلیحاتی نام‌برده در

● **رژیم ایران با مسئولان دو شرکت تسلیحاتی کره شمالی که هر دو در لیست سپاه سازمان ملل قرار دارند در ارتباط است.**

● **گزارش‌ها حاکیست رؤسای دو شرکت «کومید» و «گرین پاین» که در زمینه ساخت موشک و اسلحه فعال‌اند به تهران رفت و آمد دارند.**

● **هیأت ملل از ایران خواسته تا کپی پاسپورت تمام دیپلمات‌های کره شمالی در تهران را ارائه کند، اما تهران تا کنون به این درخواست پاسخ نداده است.**

هیأت کارشناسی سازمان ملل متحد گزارش داده این سازمان در حال بررسی دو شرکت موشکی و تسلیحاتی کره شمالی به فعالیت در ایران و نقض تحریم‌های بین‌المللی است.

به گزارش NBC بر اساس مدارک مسافران هوایی که در گزارش هیأت کارشناسی سازمان ملل آمده، رؤسای دو شرکت اسلحه‌سازی کره‌شمالی به نام «کومید» که تجهیزات مورد

نامه ۵۰ ژنرال و دیپلمات بازنشسته آمریکا به ترامپ برای بازگشت به برجام

سابق آمریکا از امضاکنندگان این نامه هستند که گفته می‌شود بسیاری از آنها به حزب دموکرات و چپ‌های آمریکا نزدیک‌اند.

پنجم مه ۲۰۱۸ (۱۵ اردیبهشت) روزنامه آمریکایی بوستون گلوب از لابی سنگین و مخفی جان کری وزیر خارجه پیشین آمریکا در دولت باراک اوباما برای حفظ برجام گزارش داده بود که این نامه را نیز می‌توان در همان چارچوب ارزیابی کرد. انجام این لابیگری بدون صرف هزینه‌های سرسام‌آور که احتمالاً بخشی از آن توسط خود جمهوری اسلامی تأمین می‌شود امکان‌پذیر نیست.

در این گزارش آمده بود جان کری برای حفظ برجام با فدریکا مومرینی، فرانک والتر اشتاین‌مایر، امانوئل ماکرون، پل رایان و تعدادی از ماموران امنیتی و نظامی اسرائیل و ده‌ها نماینده و سناتور آمریکایی دیدار یا گفتگوی تلفنی داشته است. منابع موثق خود نوشته که گروه مشورتی جان کری بطور هماهنگ در دفاع از برجام ۱۰۰ مقاله، ۳۴ برنامه تلویزیونی و رادیویی و ۳۷ متن تحلیلی تهیه و منتشر کرده

سابق آمریکا از امضاکنندگان این نامه هستند که گفته می‌شود بسیاری از آنها به حزب دموکرات و چپ‌های آمریکا نزدیک‌اند.

پنجم مه ۲۰۱۸ (۱۵ اردیبهشت) روزنامه آمریکایی بوستون گلوب از لابی سنگین و مخفی جان کری وزیر خارجه پیشین آمریکا در دولت باراک اوباما برای حفظ برجام گزارش داده بود که این نامه را نیز می‌توان در همان چارچوب ارزیابی کرد. انجام این لابیگری بدون صرف هزینه‌های سرسام‌آور که احتمالاً بخشی از آن توسط خود جمهوری اسلامی تأمین می‌شود امکان‌پذیر نیست.

در این گزارش آمده بود جان کری برای حفظ برجام با فدریکا مومرینی، فرانک والتر اشتاین‌مایر، امانوئل ماکرون، پل رایان و تعدادی از ماموران امنیتی و نظامی اسرائیل و ده‌ها نماینده و سناتور آمریکایی دیدار یا گفتگوی تلفنی داشته است. منابع موثق خود نوشته که گروه مشورتی جان کری بطور هماهنگ در دفاع از برجام ۱۰۰ مقاله، ۳۴ برنامه تلویزیونی و رادیویی و ۳۷ متن تحلیلی تهیه و منتشر کرده



به آتش کشیدن نمادین برجام توسط حزب‌اللهی‌ها در ایران

به گزارش پایگاه خبری نشنال اینترست، بیش از ۵۰ ژنرال بازنشسته و دیپلمات پیشین آمریکایی در نامه‌ای به دونالد ترامپ با اشاره به مزایای توافق اتمی (برجام) برای آمریکا از او خواستار اقدامات لازم را برای بازگشت به برجام و لغو تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی شدند.

امضاکنندگان این نامه که، ۱۱ مارس ۲۰۱۹ (۲۰ اسفند) منتشر شد، پنج دلیل برای لزوم بازگشت ایالات متحده به برجام عنوان کرده‌اند:

● **فعالیت‌های موشکی ایران، نقض حقوق بشر در این کشور و حمایت آن از تروریسم را محکوم می‌کنیم اما جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی خود پایبند بوده!**

● **به ادعای این نمایندگان، رفع تحریم‌ها توانایی آمریکا در مذاکره با ایران را به میزان چشمگیری بهبود خواهد بخشید.**

● **بسیاری از امضاکنندگان نامه به حزب دموکرات و چپ‌های آمریکا نزدیک هستند.**

● **پیشتر روزنامه آمریکایی بوستون گلوب از لابی سنگین و مخفی جان کری وزیر خارجه پیشین آمریکا در دولت باراک اوباما برای حفظ برجام گزارش داده بود که این نامه را نیز می‌توان در همان چارچوب ارزیابی کرد. انجام این لابیگری بدون صرف هزینه‌های سرسام‌آور که احتمالاً بخشی از آن توسط خود جمهوری اسلامی تأمین می‌شود امکان‌پذیر نیست.**

دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

نیز یک دستاورد چندجانبه در حوزه دیپلماسی خوانده است.

- بازگشت به توافق هسته‌ای کمک خواهد کرد تا آمریکا راهبرد ملی گسترده‌تری را برای خود در خاورمیانه پی‌ریزی کند. ما فعالیت‌های موشکی ایران، نقض حقوق بشر در این کشور و حمایت آن از تروریسم را محکوم می‌کنیم زیرا آنها تهدیدی برای آمریکا و منطقه هستند. ما همچنین بار دیگر می‌گوییم که رهبری [آمریکا] در این منطقه توانایی آمریکا برای شکل‌دهی و هدایت تلاشی چندجانبه برای کنترل ایران را بهبود خواهد بخشید. - باید به خاطر داشته باشیم که توافق اولیه در واقع یک تلاش راهبردی، بلندمدت و متمرکز بر یک هدف بود: جلوگیری از برنامه ایران برای ساخت سلاح اتمی. بازگشت

ایران با وجود خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های اقتصادی همچنان به تعهدات خود در برجام پایبند بوده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در گزارش اخیر خود این مسئله را تأیید کرده است. تداوم رعایت مفاد برجام از سوی ایران نشان می‌دهد که ایران کماکان به تعهدات اولیه خود پایبند است.

تحت مقررات تصریح شده در برجام، ایران نمی‌تواند فعالیت‌های لازم برای ساخت سلاح‌های اتمی را دنبال کند و این کشور تحت نظارت بی‌سابقه بین‌المللی قرار دارد.

- متحدان اروپایی ما با جدیت به برجام متعهد هستند. اتحادیه اروپا در بیانیه اخیرش تعهد قاطعانه خود به برجام و تداوم حمایت از این توافق را ابراز داشته و برجام را یک مؤلفه کلیدی در ساز و کار منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و

ایران با وجود خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های اقتصادی همچنان به تعهدات خود در برجام پایبند بوده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در گزارش اخیر خود این مسئله را تأیید کرده است. تداوم رعایت مفاد برجام از سوی ایران نشان می‌دهد که ایران کماکان به تعهدات اولیه خود پایبند است.

تحت مقررات تصریح شده در برجام، ایران نمی‌تواند فعالیت‌های لازم برای ساخت سلاح‌های اتمی را دنبال کند و این کشور تحت نظارت بی‌سابقه بین‌المللی قرار دارد.

- متحدان اروپایی ما با جدیت به برجام متعهد هستند. اتحادیه اروپا در بیانیه اخیرش تعهد قاطعانه خود به برجام و تداوم حمایت از این توافق را ابراز داشته و برجام را یک مؤلفه کلیدی در ساز و کار منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و

«LetterForIran#»؛ کارزار واقعی «ربوت‌ها» و «دلک‌ها» علیه سپاه و کارچاق‌کن‌های «نظام مقدس» در آمریکا



«میدان میلیونی» از کمپین‌های فرسگرد که در ایران با استقبال زیادی روبرو شده

او می‌گوید، «استقبال خوبی از این کارزار شده و پیشرفت قابل توجهی داشته و از واکنش مردم و پیام‌هایی که می‌رسد پیداست بسیاری از آنان نامه پیشنهادی را از وبسایت دائلود کرده و به نماینده‌های خود در ایالت محل سکونت‌شان ارسال کرده‌اند و حتی در کنار آن جالب است که تعداد زیادی از کاربران که مقیم آمریکا نیستند نیز به نوعی در این کمپین مشارکت کرده و پیام خود را به شیوه‌های مختلف به سیاستمداران کشورهایی که در آن زندگی می‌کنند فرستاده‌اند.»

میترا جشنی در ادامه می‌گوید، «با وجود سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۹۶ توسط رژیم، همچنان اعتراض‌ها به صورت پراکنده ادامه دارد. به همین دلیل فرسگرد تصمیم گرفت گام موثرتری برای مشارکت ایرانیان ساکن آمریکا در همراهی با مردم بردارد تا آنها نیز بتوانند بازتاب صدای معترضان داخل ایران باشند و آن را به گوش مقامات سیاسی ایالات متحده برسانند.»

این فعال سیاسی با اشاره به اینکه «کمپین اخیر گام موثری است برای مردمی که ممکن است سیاسی نباشند اما دغدغه ایران را داشته باشند و



میترا جشنی

می‌توانند از این طریق به نوعی همیاری و همدلی خود را با مردمی که در داخل ایران تحت ستم هستند یاری کنند» به توضیح در مورد متن نامه پیشنهادی فرسگرد پرداخت و گفت که «این متن شش بند دارد:

در بند اول از سناتورهای نمایندگان کنگره خواسته شده توجه کنند که رژیم ایران به‌خصوص سپاه پاسداران، منابع مالی و ثروت داخل ایران را از بین می‌برد و با تکیه بر سرمایه‌های ملی از یکسو مردم را سرکوب می‌کند و از سوی دیگر به جنگ‌های نیابتی دامن می‌زند و از تروریسم حمایت می‌کند.

در بند دوم از مقامات سیاسی آمریکا خواسته شده ارگان‌ها و نهادهایی که با سپاه پاسداران و افرادی که در فهرست سپاه قرار دارند، همکاری و روابط مالی دارند شناسایی شوند. آنها شامل افرادی هستند که ثروت مردم را به یغما می‌برند و برخی از آنها نیز از کشور فرار می‌کنند.

در بند سوم از نماینده‌ها یا سناتورهای خواسته شده افزایش اعدام‌ها و نقض حقوق بشر توسط کارگزاران رژیم را مورد توجه قرار دهند. محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی مدعی است در ایران هیچکس به خاطر عقیده‌اش زندانی نمی‌شود.

در بند چهارم از دولت آمریکا خواسته شده روزنامه‌نگاران واجد شرایط که از ایران آزاد حمایت می‌کنند را در شبکه‌هایی مثل صدای آمریکا و رادیو فردا به کار گرفته شوند و

می‌خواهیم ایران در تولید علم جهان شریک باشد



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و بایه سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

دکتر آرماند اشرف‌زاده مدیریتی گروه پژوهشی «اطلاعات و فناوری» و «گردشگری» را در «پروژه ققنوس ایران» بر عهده دارد. وی از دانش‌آموختگان دانشگاهی دوران پهلوی است که برای ادامه تحصیل به کشور آمریکا رفت ولی پس از انقلاب امکان بازگشت به سرزمین خود را پیدا نکرد. دکتر اشرف‌زاده می‌گوید: ما اینجا با هدف «جهان‌سومی» صحبت نمی‌کنیم بلکه از جهش و پیشرفت حرف می‌زنیم.

ما نمی‌خواهیم هدف کشورهای قدرتمند و یا دارندگان سرمایه باشیم. ما می‌خواهیم مشارکت داشته باشیم تا کشورهای دیگر نتوانند به ما دیکته کنند. ما نمی‌خواهیم فقط مصرف‌کننده باشیم که بعد مرتب گله کنیم که کشورهای دیگر به ما زور می‌گویند!

ما می‌خواهیم از ظرفیت‌هایی که مردم با هوش ایران دارند استفاده کامل بشود. دکتر آرماند اشرف‌زاده مدیریتی گروه پژوهشی «اطلاعات

هدیه‌ی خامنه‌ای به سلیمانی؛ اعطای نشان «ذوالفقار» به فرمانده «سپاه قدس»

نشان‌های قوای مسلح جمهوری اسلامی باقی ماند اما در میان تمام نظامی‌هایی که زیر پرچم جمهوری اسلامی، از جمله در جنگ هشت ساله ایران و عراق، خدمت کردند، حالا به قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» که بازوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه است، اعطا شد. سلیمانی پیش از این ۳ نشان «فتح» دریافت کرده بود. خبر اعطای نشان «ذوالفقار» به سلیمانی پس از پیام تبریک حجت‌الاسلام علی شیرازی نماینده ولی فقیه در نیروی «قدس» سپاه به او رسانه‌ای شد.

در متن این پیام آمده: «دریافت نشان ذوالفقار، بالاترین مدال افتخار جمهوری اسلامی ایران از دست فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای عزیز را به جنابعالی، ملت شریف ایران، فرماندهان و پرسنل نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت و به تمامی دستداران سردار تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و به علت رضایت مولا و مقتدا ایمان از جناب عالی و خدمات صادقانه و خالصانه‌تان بر خود می‌بالم و از خداوند عزیز و مهربان عزت بیش از پیش شما را خواهانم. موفق و پیروز و سربلند باشید.»

قاسم سلیمانی متولد ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ است و اعطای این نشان آنهم در شب سالگرد تولدش می‌تواند ارزشمندترین هدیه‌ای باشد که از عالی‌ترین مقام نظام مورد حمایت‌اش دریافت کرده است. این موضوع مورد توجه هواداران سلیمانی نیز قرار گرفته است. آنها در شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص در اینستاگرام و توئیتر در عباراتی پرطمطراق تولد

● نماینده ولی فقیه در «سپاه قدس» در پیامی به قاسم سلیمانی دریافت نشان «ذوالفقار» را به او تبریک گفته است.

● وقتی در آینده رویدادهای میدانی جنگ خانمانسوز سوریه و نقش سپاه در آن آشکار شود و پرده از فجایع برداشته شود، دریافت این نشان برای سلیمانی دیگر نه افتخار بلکه مسئولیت قضائی سنگینی خواهد بود.

علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا به قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نشان «ذوالفقار» داد. نشان «ذوالفقار» عالی‌ترین مدال جنگی نظامیان ایران بود و از سال ۱۳۰۱ که مورد تصویب قرار گرفت به نظامیانی اعطا می‌شد که در میدان جنگ از خود رشادت و فداکاری‌های فوق‌العاده نشان می‌دادند. سال‌ها بعد، نشان «سپه» جایگزین آن شد و نشان «ذوالفقار» به موارد مربوط به جنگ با «دشمنان خارجی» اختصاص یافت.

این نشان برای نخستین بار در دوران رضاشاه به چند امیرلشکر جنگ «شکرپازی» اعطا شد. پیش از انقلاب ۱۰ فرمانده نظامی ارتش شاهنشاهی از جمله امان‌الله میرزا جهانبانی و فضل‌الله زاهدی (پس از وقایع ۲۸ مرداد) نشان «ذوالفقار» دریافت کردند. پس از انقلاب ۵۷ نشان «ذوالفقار» همچنان در فهرست

پی‌نوشت؛ تکرار چی‌های نظام: به عقب بر نمی‌گردیم، به عقب‌تر برگشته‌ایم

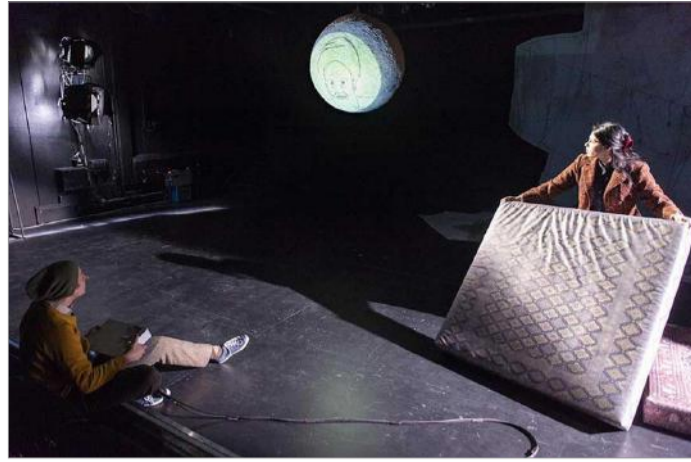


ویدئو

در اینجا اهمیت پی‌نوشت بیش از متن است

پی‌نوشت یا همان پ.ن. معروف، سری جدید گزارش‌های کوتاه و ویدیویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می‌گذارد. این بار: تکرار چی‌های نظام: به عقب بر نمی‌گردیم، به عقب‌تر برگشته‌ایم

بازنمایی انقلاب ایران بر صحنه تئاتر آلمان



بهجت امید - نزدیک به ۴۰ سال از فاجعه‌ای به نام استقرار جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد. به این مناسبت رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی مستقل آلمان برنامه‌های ویژه‌ای تنظیم کرده و به مرحله اجرا گذاشته‌اند.

هدف از پیاده کردن این طرح‌های اغلب ادبی- هنری، نه بزرگداشت انقلاب و نه افشاکاری درباره‌ی ماهیت ضدحقوق بشر حکومت آخوندها، بلکه روشننگری درباره‌ی رویدادهای تاریخی و پیامدهای آن برای انسان‌هایی است که بطور تصادفی در کوران آنها قرار گرفته‌اند. نمایشنامه‌ای که با الهام از رمان «سی و سه پل و یک چایخانه» به قلم مهرنوش زائری اصفهانی تنظیم شده و از روز ۲۱ فوریه در «کارگاه نمایش» شهر بُن به روی صحنه رفته است، یکی از این برنامه‌هاست.

در این نمایشنامه که هنرمند آلمانی کارینا ابرله، کارگردانی آن را به عهده داشته، تریا بطحی هنرنویس جوان آلمانی ایران‌تبار، نقش مهرنوش را بازی کرده است.

مهاجرت در مسیر رودها

مهرنوش زائری اصفهانی که به نویسندگان ایرانی نسل دوم ساکن آلمان تعلق دارد، در رمان ۱۴۶ صفحه‌ای خود داستان مهاجرت اجباری خانواده‌اش از اصفهان تا هایدلبرگ آلمان را در ۳ بخش و موازی با مسیر جریان رودخانه‌ها و راه‌های آبی سر راه بازگو می‌کند: «زاینده‌رود» در اصفهان، «دریای مرمره» در استانبول، «رود اشپری» در مرز میان بخش شرقی و غربی برلین، «رود هول» در برلین غربی و سر آخر «رود نکر» در هایدلبرگ، مسیر کوچ ناخواسته‌ی این خانواده را رقم می‌زنند. این بخش‌ها که همگی از نگاه یک دختر خردسال بازگو می‌شوند، در قالب ۲ فصل مستقل گنجانده شده‌اند که با رود و شهر «پریپیت» در اوکراین پیوند می‌خورند. این دو فصل از زاویه‌ی دید مهرنوش نویسنده که بیش از سه دهه است در آلمان زندگی می‌کند، تصویر می‌شوند. زائری اصفهانی در پاسخ به این پرسش که چرا «ساختاری غیرثابت و جاری» برای رمان خود برگزیده، در مصاحبه‌ای با کیهان لندن می‌گوید: «رودخانه برای من نماد آزادی است. در پایان داستانم به این موضوع اشاره می‌کنم که من و خانواده‌ام در جستجوی صلح و آزادی مثل زائر از اصفهان راه افتادیم. از آن گذشته رودخانه برای من نماد حرکت هم هست.»

درون‌مایه‌ی رمان

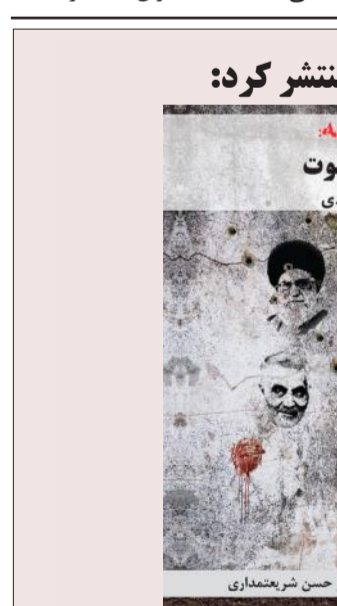
در «سی و سه پل و یک چایخانه»، پدر پزشک مهرنوش (حسین) و مادر پرستار (مهری) در سال ۱۹۸۵ تصمیم می‌گیرند همراه او و برادرش



مهرنوش زائری اصفهانی

و راه دیار غرب را در پیش می‌گیرد. **ساختار و اجرای نمایشنامه**
کارینا ابرله برای نمایش ۱۴ ماه آوارگی این انسان‌ها، ساختاری مستقل از چارچوب رمان برگزیده است. او در اجرای خود ابتدا به رابطه‌ی عاشقانه حسین و مهری که به تشکیل خانواده و تولد فرزندان منتهی می‌انجامد، می‌پردازد و سپس وقوع انقلاب، ترک زادگاه، زندگی در ترکیه و رسیدن به آلمان را به نمایش در می‌آورد. ابرله در بازنمایی این روند که با رعایت تواتر زمانی بازگو می‌شود، بر رویدادهای تعیین‌کننده‌ی پیش و پس از انقلاب به عنوان دلایل اصلی کوچ اجباری خانواده، تاکید می‌کند و آنها را به گونه‌ای چشمگیر برجسته می‌سازد. در این چارچوب وسایل مختصری که بخشی از دکور صحنه را می‌سازند، کاربردی چندگانه می‌یابند: به عنوان مثال چهار پستی با نقش و نگارهای سنتی، گاه به عنوان سنگر علیه

راه دیار غرب را در پیش می‌گیرد. **ساختار و اجرای نمایشنامه**
کارینا ابرله برای نمایش ۱۴ ماه آوارگی این انسان‌ها، ساختاری مستقل از چارچوب رمان برگزیده است. او در اجرای خود ابتدا به رابطه‌ی عاشقانه حسین و مهری که به تشکیل خانواده و تولد فرزندان منتهی می‌انجامد، می‌پردازد و سپس وقوع انقلاب، ترک زادگاه، زندگی در ترکیه و رسیدن به آلمان را به نمایش در می‌آورد. ابرله در بازنمایی این روند که با رعایت تواتر زمانی بازگو می‌شود، بر رویدادهای تعیین‌کننده‌ی پیش و پس از انقلاب به عنوان دلایل اصلی کوچ اجباری خانواده، تاکید می‌کند و آنها را به گونه‌ای چشمگیر برجسته می‌سازد. در این چارچوب وسایل مختصری که بخشی از دکور صحنه را می‌سازند، کاربردی چندگانه می‌یابند: به عنوان مثال چهار پستی با نقش و نگارهای سنتی، گاه به عنوان سنگر علیه



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان)

برای نخستین بار ابعاد حضور نظامی و ناگفته‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و ویوز هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

نمایش «خاله سوسکه» از شاهرخ مشکین قلم؛ یادی از بیژن مفید و «شهرقصه»



فیروزه خطیبی - سومین اجرای موفق نمایش «خاله سوسکه»، برداشت آزادی از نمایش «شهرقصه» - پرواوزه‌ترین اثر زنده‌یاد بیژن مفید که برای نخستین بار در سال ۱۳۴۷ در «جشن هنر شیراز» به اجرا درآمد - روز یکشنبه ۳ مارس در تئاتر «گیندی» با حضور جمعی از هنرمندان و چهره‌های سرشناس ساکن لس‌آنجلس از جمله اردوان مفید برادر و شیما مفید دختر بیژن مفید بر روی صحنه آمد.

نمایش ریتمیک و موزیکال «خاله سوسکه» که بر محور دو شخصیت اصلی زن، راوی (با بازی بُشری دستورنژاد) و خاله سوسکه (با بازی ترگس جاجرمی) می‌گردد را بازیگر، نمایشنامه‌نویس، طراح صحنه و کارگردان تئاتر، شاهرخ مشکین قلم باآفرینی کرده است.

این اثر از دیدگاهی پسامدرن به «شهرقصه» که خود نمونه‌ای مدرن در شیوه‌های اجرایی تئاتر معاصر ایران است نگاه می‌کند. نگاهی نو که سنت‌های نفی‌کننده و انتقادی مدرنیته را در مورد خود این پدیده به کار می‌گیرد و یک بار دیگر، بازم این شخصیت‌ها هستند که حوادث را به جلو می‌رانند. اجراهای بازیگران این برداشت تازه از نمایش کلاسیک «شهرقصه» توسط شاهرخ مشکین قلم، که خود بازیگر و رقصنده‌ی تواناست، بیش از هر چیز از ابعاد «پرفورمانس» برخوردار است. این اثر ضمن تاثیرپذیری از شیوه‌های نمایشی آثار بیژن مفید، از جمله بداهه‌پردازی، روایتگری، فرهنگ تئاترهای روحی و استفاده از صورتک‌ها و لعبت‌بازی، از طنزی مدرن و به‌روز نیز برخوردار است.

در نمایش «خاله سوسکه» شاهرخ مشکین قلم همچون نمایش «شهرقصه» بیژن مفید، اساس کار بر تجربه‌های گوناگون کار با بازیگر گذاشته شده، با این تفاوت که این بار نمایش بیش از همیشه در تنخیز شخصیت «راوی» است که با استعداد شگرف بُشری دستورنژاد، حتی شخصیت‌های اصلی دیگر نمایش چون «ملا»، «خر» و «شتر» را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. برخلاف نمایش «شهرقصه» که با (پلی بک) اجرا می‌شود، اینجا شاهد اجرای زنده و چندصدایی بُشری دستورنژاد هستیم که با مهارتی خارق‌العاده و به همراهی دفنوازی نسیم گرگانی، چندنقش مختلف را برای لپزنی بازیگران دیگر، لعبت‌باز (شاهرخ مشکین قلم)، خاله سوسکه (ترگس جاجرمی) و آقا موشه (شایان خوش مقام) اجرا می‌کند.

بُشری دستورنژاد، بازیگر و مدل ایرانی که می‌گوید از کودکی به بازیگری علاقمند بوده پیش از این هم در اولین نقش سینمایی خود، «روایه‌های رادیویی» ساخته بابک جلالی کارگردان ایرانی ساکن سانفرانسیسکو، در کنار محسن نامجو ایفای نقش کرده است: «از وقتی که یادم می‌آید عاشق و مجذوب هنرها بوده‌ام».

بُشری که پدر و مادر بزرگش او را به ادبیات کلاسیک فارسی و ادبیات سینه به سینه، به ویژه قصه‌گویی علاقمند کرده‌اند از نوجوانی به شعرنویسی هم گرایش داشته: «در ایران چون در خانواده‌ای از اقلیت‌های مذهبی بزرگ شده بودم اجازه تحصیل نداشتم و دردانشگاه به‌بایان در رشته تئاتر کودک تحصیل کردم و نمایشنامه‌هایی هم برای کودکان نوشتم و قصه‌گویی هم می‌کردم».

او مدتی در کارگاه‌های تئاتری با بچه‌های بهایی که در ایران در کلاس‌های بهرام بیضایی شرکت می‌کردند همکاری داشت و چندی هم به عنوان مدل زیرزمینی و مدل نقاشی کار می‌کرد. پس از ترک ایران در کشور ترکیه به عنوان مدل عکاسی مشغول به کار شد و بعدها در آمریکا شاهرخ مشکین قلم از او دعوت کرد تا در پروژه تئاتری «زهره و منوچهر» با او همکاری کند: «در این نمایش من در نقش منوچهر بازی کردم».

آن بودید. در نمایش «خاله سوسکه» زیبایی قضیه در این است که اینها با یک برداشت کاملاً خاص با یک فاصله زمانی ۵۰ ساله یعنی نیم قرن به کاری پرداخته‌اند که در واقع تلنگری است برای ادامه حیات و زنده ماندن اصل کار بیژن مفید. مثل این می‌ماند که ما بعد از ۸۰ سال با یک ویژگی خاص و موسیقی امروز، ترانه مولانا را بخوانیم. امروز از آن چیزی که مولانا در آن زمان گفته با استفاده از دف و سه‌تار تعبیر تازه‌ای می‌شود. نهایتاً این مولاناست که زنده می‌ماند. چگونه اثری از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود در حالی که نه حکومتی هست نه فشاری هست نه فرمان و چک و لگدی! چگونه حافظ یا فردوسی همینطور دارد ادامه پیدا می‌کند؟ چطور می‌تواند زنده ماند؟ اینها با نگاه جدید و آدم‌های جدید حرف روز را با حرف‌ها قدیمی‌ها می‌زنند. بیژن بخصوص با «شهرقصه» اش به مرحله رسیده که در واقع حافظ فردوسی و مولانا رسیده‌اند. حرف او حرف زمان ماست. بخصوص روی صحنه، «شهرقصه» یک تصویر کلی از آثار دیوانی، آثار بزمی، آثار رزمی و آثار قصه‌ای ایران است. من همیشه این ریشه را از صادق هدایت می‌گیرم تا به زنده‌یاد صبحی می‌رسم و بعد به بیژن مفید. می‌بینم ما با این قصه‌ها زندگی کرده‌ایم؛ اما بیژن آن ویژگی را دارد که حافظ داشته، که مولانا داشته. یعنی نسل بعدی خودش دارد از این آثار برداشت می‌کند. اینها امشب از من خواستند که بیایم و کار خود را با شیوه‌های نسل قبلی روی صحنه اجرا کنم، نه کار اینها را. در واقع، اینها به من می‌گویند صد سال دیگر باز یک گروه تئاتری دیگری می‌آید و نمایش «شهرقصه» را به شکل تازه‌ای روی صحنه می‌آورد و زیبایی قضیه هم در همین است.»

شیما مفید دخترزنده‌یاد بیژن مفید هم برای دومین بار به تماشای نمایش «خاله سوسکه» آمده است. او به کیهان لندن می‌گوید: «شاهرخ مشکین قلم کار زیبایی خلق کرده که نه تنها طنزآمیز و سرگرم‌کننده است بلکه به نظر من داستان «شهرقصه» را امروزی کرده. بخصوص برای تماشاگران جوان‌تر در اینجا؛ نسلی که در ایران بزرگ نشده‌اند و با قصه‌های قدیمی و فولکلوریک ایرانی آشنایی ندارند. بُشری، بازیگر نقش راوی هم به نظر من استعداد منحصر به فردی است که واقعا تماشاگر را تحت تاثیر هنرش قرار می‌دهد. فکر می‌کنم اگر پدرم اینجا می‌بود از این کار خوب و تلاش‌هایی که برای ساختن آن انجام شده خیلی استقبال می‌کرد. بخصوص فکر می‌کنم اجرای ماهرانه بُشری و استعدادهای چندگانه او حتماً خیلی مورد توجه او قرار می‌گرفت. شاید از این هنرمند می‌خواست که در نمایشنامه‌های دیگرش مثل «ماه و پلنگ» و یا «شاپرک خانم» هم بازی کند. به نظر من بُشری می‌تواند بازیگر برگزیده‌ای برای نقش اول زن بسیاری از نمایش‌های پدرم باشد.»

ماموریت روحانی و همراهان در عراق؛ «التماس دعا» برای دور زدن تحریم‌ها



سیستانی در تمام سال‌هایی که عراق جولانگاه قاسم سلیمانی است با او دیدار نکرده. این مرجع تقلید با نفوذ در خواست ملاقات برخی از مسئولان بلندپایه نظام را نیز در سال‌های اخیر نپذیرفت و بر همین اساس رسانه‌های حامی روحانی برای پراهمیت جلوه دادن این دیدار انگیزه مضاعف دارند

● **بلومبرگ: بغداد اکنون در میانه مواجهه میان ایران و آمریکا قرار گرفته است و گویا مجبور است میان این دو کشور یکی را انتخاب کند.**
● **شرق الاوسط نوشته سفر سه روزه روحانی به به عراق برای فرار از انزوا بود.**

حسن روحانی به همراه محمدجواد ظریف و محمود واعظی از، دوشنبه ۲۰ اسفند، به عراق رفته‌اند و گروهی از تاجران و فعالین اقتصادی را نیز با خود برده‌اند تا شاید بتوانند در سایه سیاست «تقویت روابط با همسایگان» راهی برای کاستن از فشار تحریم‌ها پیدا کنند. در حال حاضر عراق برای دور زدن تحریم‌ها توسط حکومت ایران نقش بسیار حساسی بازی می‌کند.

تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی، که مرحله دوم آن از نیمه آبان‌ماه ۹۷ آغاز شد، به سرعت در حال ویران کردن اقتصاد در هر حال بیمار ایران است که از درون آلوده به سوء مدیریت، ناکارآمدی، فساد، رانت، اختلاس و پولشویی است.

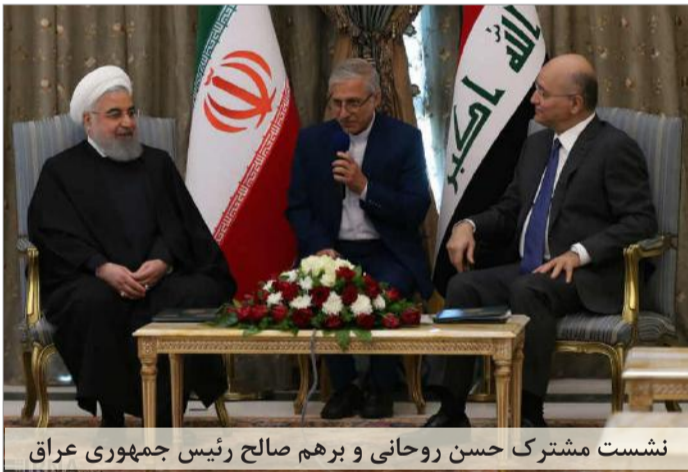
این روزها شرایط نظام سخت‌تر از ماه‌های پیش شده و رژیم برای مقاومت در برابر فشارهای شدید اقتصادی روی عراق حساب باز کرده است. کارگزاران رژیم برای باورند که باید در این مقطع از همسایگی با عراق استفاده کرد تا از یکسو در پیچه‌های هر چند محدود برای نفس کشیدن اقتصاد تحریمی را باز نگه داشت و از سوی دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی در منطقه به‌خصوص در جغرافیای سرزمینی آنچه خودش «محور مقاومت» می‌خواند، در انزوا قرار ندارد.

تبلیغات زیادی روی سفر روحانی و همراهان او به عراق شده است. حتی رسانه‌های وابسته به جناح اصولگرا و حزب‌اللهی‌های منتقد روحانی نیز انتقاد از دولت را تا حدود زیادی کم کرده‌اند تا تصویری مثبت و موفق از ماموریت روحانی به خورد افکار عمومی بدهند.

روزنامه کیهان چاپ تهران که در ماه‌های اخیر بر سر برجام، FATF و اینستکس دمار از روزگار دولت روحانی در آورده، روزهای چهارشنبه و پنجشنبه تیتراژ خود را به سفر روحانی به عراق اختصاص داد آنها هم بیانی متفاوت و مضمون مانند همیشه ضد امریکایی: «توافق ۲۰ میلیارد دلاری تودهنی مشترک ایران و عراق به آمریکا» و «خشیم آمریکا و نفوذی‌ها از سفر پربار رئیس جمهور به عراق»!

بخشی از تبلیغات جمهوری اسلامی درباره دیدار روحانی و همراهانش با علی سیستانی مرجع شیعه ساکن نجف متمرکز شد. آیت‌الله سیستانی از سال ۲۰۱۵ با هیچ مقام سیاسی بطور رسمی ملاقاتی نداشت و در عین حال نخستین بار بود که در خانه خود میزبان یکی از رؤسای جمهوری ایران می‌شد. علی اکبر هاشمی رفسنجانی، در اردیبهشت سال ۹۲ آخرین مقام جمهوری اسلامی بود که با سیستانی دیدار کرد. روزنامه ایران ارگان رسمی دولت، روز پنجشنبه ۲۳ اسفند در گزارشی با عنوان «غوش باز نجف برای روحانی» در این زمینه نوشت، «هاوردی‌های سفر روحانی به عراق با حضور حسن

روحانی در بیت سیستانی در نجف و دیدار و گفتگو با این مرجع عالیقدر تکمیل شد.»
مانور تبلیغاتی دیگری که در مورد سفر روحانی به عراق شد و دامنه‌ی آن علاوه بر صدا و سیما جمهوری اسلامی و مطبوعات و خبرگزاری‌ها به شبکه‌های اجتماعی هم کشیده شد، تشریفات و بدرقه رسمی مقامات عراقی از روحانی است. از نمایندگان مجلس و دولتی‌ها گرفته تا رسانه‌ها مانور داده‌اند که دونالد ترامپ با میلیاردها دلار هزینه‌ای که کرد مجبور شد شبانه مخفیانه به عراق سفر کند، اما حسن روحانی و همراهان او رسمی، در روز روشن و در امنیت کامل به عراق رفتند و استقبال رسمی از آنها صورت گرفته است. این در حالیست که سفر ترامپ یک سفر غیردیپلماتیک برای دیدار با نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در عراق بوده است. جمهوری اسلامی اما تلاش کرد با کمک صدا و سیما خود



نشست مشترک حسن روحانی و برهم صالح رئیس جمهوری عراق

و دیگر رسانه‌ها برای نشان دادن عمق نفوذ رژیم ایران در عراق سفر ترامپ و روحانی را با هم مقایسه کند!

از دیگر رویدادهایی که مورد تبلیغات قرار گرفت، اسکورت هیات ایرانی توسط نیروهای نظامی عراق از جمله حشدالشعبی بود. تعدادی خبرنگار در این سفر هیات ایرانی را همراهی می‌کردند که کارشان داغ کردن تنور تبلیغات این‌چنینی بود که معلوم نیست چه سودی برای مردم ایران دارد! یکی از این خبرنگاران که وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی بود با دوربین موبایل خود از حاشیه این سفر فیلم می‌گرفت و بلافاصله در اینستاگرام خود قرار می‌داد.

در این میان، بلمبرگ با انتشار گزارشی درباره سفر روحانی به عراق، می‌نویسد: «در مقوله وفاداری، جغرافیا

موضوع مهمی است. بغداد اکنون در میانه مواجهه میان ایران و آمریکا قرار گرفته است و گویا مجبور است میان این دو کشور یکی را انتخاب کند.» این پایگاه خبری نیز با مقایسه سفر رسمی روحانی او با سفر غیردیپلماتیک ترامپ به عراق نوشته در این زمینه روحانی موفق‌تر بوده است. در مقابل اما روزنامه شرق الاوسط سفر سه روزه روحانی به به عراق را تلاش برای فرار از انزوا توصیف کرده است. به نوشته این روزنامه برخی از ناظران سیاسی و کارشناسان می‌گویند «به نظر می‌رسد که بغداد وارد نزاع تهران و واشنگتن نمی‌شود و تهران نمی‌تواند عراق را به دنبال خود بکشد.»

عبدالله الخریبط یکی از نمایندگان پارلمان عراق توضیح می‌دهد: «سیاست عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق [

● **در بیانیه خبرگان از مسئولان کشور خواسته شده به نقش بسیار مؤثر معنویت و اخلاق و سبک زندگی اسلامی در پیشرفت همه‌جانبه جامعه توجه کنند.**

● **اعضای مجلس خبرگان به قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به خطر نفوذ بیگانگان در حوزه استراتژیک مالی و غیرمالی جمهوری اسلامی هشدار داده و گفته‌اند که**

باید مراقب توطئه‌های دشمنان انقلاب و «نظام مقدس» بود.

● **«باید کشور را در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر نمود.»**

● **«مسئله قدس شریف همچنان مسئله اول جهان اسلام است.»**

● **بیانیه مجلس خبرگان ثابت می‌کند تمام تبلیغات دولت حسن روحانی و اصلاح‌طلبان روی «لیست امید خبرگان» پوچ بوده است.**

مجلس خبرگان، چهارشنبه شب ۲۲ اسفند، در بیانیه پایانی ششمین اجلاس دوره پنجم خود (آخرین اجلاس سال ۱۳۹۷) با دفاع از کارنامه چهل ساله نظام جمهوری اسلامی، به نقش «بسیار مؤثر» معنویت و سبک زندگی اسلامی برای مقابله با فساد و تنزل فرهنگ دینی تاکید کرد.

اعضای خبرگان باردل‌زوم «برونگرایی» برای بهبود وضعیت اقتصادی پیوستن جمهوری اسلامی به پارلمو و CFT را خطای استراتژیک دانستند. به گزارش خبرگزاری مهر، در این بیانیه هفت‌بندی با اشاره به اینکه «کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم توطئه‌های گسترده دشمنان،

«یاران اعتدال» در خبرگان گل کاشتند: پیوستن ایران به پارلمو خطای استراتژیک است!



جلسه مجلس خبرگان، روزهای ۲۱ و ۲۲ اسفند به ریاست احمد جنتی رئیس ۹۲ ساله‌ی خبرگان برگزار شد، جنتی از رئیس قوه قضائیه با غارتگران برخورد قاطع کند

بند ششم این بیانیه نیز هشدار نسبت به پیوستن احتمالی ایران به گروه ویژه اقدام مالی FATF است. اعضای خبرگان اعلام کرده‌اند، پیوستن جمهوری اسلامی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند پارلمو، CFT و غیره اگر به قصد گرفتن بهانه از دشمن باشد، خطای استراتژیک محسوب می‌شود، مجلس خبرگان رهبری، با تاکید بر لزوم «عدم انفعال و رعایت اصول عزت، حکمت، مصلحت و تهدیدزدایی در عرصه تعامل بین‌المللی»، از قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌خواهد نسبت به «نفی سلطه و خطر نفوذ بیگانگان در حوزه تعاملات استراتژیک مالی و غیرمالی» جمهوری اسلامی با هم‌پیمانان خود «دقت لازم را مبذول دارند و مراقب توطئه‌های دشمنان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشند.»

● **«قدس» مسئله اول جهان اسلام**
در آخرین بند این بیانیه نیز تاکید شده، «مسئله قدس شریف همچنان مسئله اول جهان اسلام است و توطئه‌ها و جنگ‌آفرینی آمریکای جانیکتار در کشورهای مسلمان عراق، سوریه، افغانستان، یمن، بحرین و لبنان را محکوم کرده بر تحکیم روابط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و کشور عراق و سایر همسایگان تاکید می‌کنیم.»

بسیار درخشان، با برکت، امید بخش و موفق می‌باشد»، تاکید شده «لازم است تمام مسئولان امر و آحاد مردم به نقش بسیار مؤثر معنویت و اخلاق و سبک زندگی اسلامی در پیشرفت همه‌جانبه جامعه توجه کنند و برای مقابله با تلاش دشمن جهت ترویج فساد و تنزل فرهنگ دینی و آسیب‌های اجتماعی اهتمام جدی مبذول نمایند.»

نمایندگان مجلس خبرگان همچنین بدون اشاره به مشکلات معیشتی مردم و بدون اشاره به گرانی‌های سرسام‌آور، بیکاری و تورم روزافزون بر اقتصاد مقاومتی و بی‌نیازی از برونگرایی تاکید کرده‌اند. در بیانیه آنها آمده «هم‌اکنون در اقتصاد ایران مشکلاتی وجود دارد که با تقویت نگاه به درون، مدیریت جهادی و خودباوری، همسو با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بدون داشتن رویکرد برونگرایی، می‌توانیم آنها را حل کنیم و با مدیریت صحیح نظام توزیع و نظارت و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی متوسط و خرد، تقویت بخش تعاون و مهمتر از همه فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی علی‌الخصوص نسبت به همسایگان، باید کشور را در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر نموده و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی را ارتقاء بخشیم.»

● **مراقب توطئه‌های دشمنان انقلاب و نظام باشید**
مجلس خبرگان، چهارشنبه شب ۲۲ اسفند، در بیانیه پایانی ششمین اجلاس دوره پنجم خود (آخرین اجلاس سال ۱۳۹۷) با دفاع از کارنامه چهل ساله نظام جمهوری اسلامی، به نقش «بسیار مؤثر» معنویت و سبک زندگی اسلامی برای مقابله با فساد و تنزل فرهنگ دینی تاکید کرد.

اعتراض میرزابنویس خامنه‌ای به مطالعه اجباری کتابش به عنوان مجازات برای ابوالفضل قدیانی!



رضا امیرخانی

وی نوشته که «اگر قرار است کتاب به فهرست مجازات‌های تکمیلی افزوده شود، بهتر است از مؤلفان برای این کار اجازه بگیرند.»

امیرخانی با بیان اینکه «کتاب را به حکم قاضی نمی‌خوانند؛ کتابی درست خوانده می‌شود که مخاطب، خود، آن را انتخاب کند» نوشته است: «بهتر است پیش از آن، تغییراتی در قانون حقوق مؤلفان و مصنفان انجام پذیرد و در آن پیش‌بینی شود تا از مؤلفان برای این کار اجازه بگیرند...»

وی اضافه کرده است که «فقط فراموش نکنیم که با انتشار این سیاهه کتب، مشکلی خواهیم داشت مثل مشکل سیاهه شهرهای محل تبعید» رضای امیرخانی بر مواضع خود در جانب‌داری از علی خامنه‌ای تأکید کرده است.

«تبلیغ علیه نظام» به سه سال زندان محکوم شده در حکم تکمیلی دادگاه به مطالعه اجباری و رونویسی از کتاب‌های «حکایت زمستان» نوشته سعید عاکف، «داستان سیستان» (۱۰ روز با رهبر) نوشته رضا امیرخانی و «دشمن شناسی» (از مجموعه سخنرانی‌های خامنه‌ای) شده است. در واقع خواندن این آثار برای قدیانی به عنوان «مجازات» در نظر گرفته شده است!

بر همین اساس، محکومیت ابوالفضل قدیانی به مطالعه اجباری و رونویسی از مجموعه کتاب‌هایی که در مدح و ثنای علی خامنه‌ای نوشته شده، واکنش یکی از نویسندگان آنها و همچنین دفتر نشر آثار علی خامنه‌ای را به دنبال داشت. دفتر نشر آثار خامنه‌ای حکم تکمیلی دادگاه را «بدسلیقگی و مغایر با ادب‌بخشی و روح فرهنگی کار» خوانده است.

رضا امیرخانی نویسنده نزدیک به حکومت و از «کاتبان رهبری» که «داستان سیستان» را درباره سفر خامنه‌ای به سیستان و بلوچستان نوشته، نسبت به خواندن و رونویسی کتابش به عنوان مجازات و یک محکومیت قضایی انتقاد کرده است. رضا امیرخانی از میرزابنویسان بیت خامنه‌ای و نزدیکان اوست که اغلب در ملاقات‌های فرهنگی و سفرهایش حضور دارد و به عنوان یکی از «کاتبان رهبری» از وی نام برده می‌شود.

روایتی تلگرامی‌اش نسبت به ناراضایی کرده و نوشته که اگر در حکم تکمیلی این پرونده، «معرفی کتاب برای مطالعه بود»، اعتراضی نمی‌داشت.

● **حکم تکمیلی دادگاه ابوالفضل قدیانی فعال سیاسی را محکوم به مطالعه اجباری و رونویسی از کتاب‌های «حکایت زمستان» نوشته سعید عاکف، «داستان سیستان» نوشته رضا امیرخانی و «دشمن شناسی» (از مجموعه سخنرانی‌های خامنه‌ای) کرده است!**

● **امیرخانی در اعتراض به خواندن کتابش به عنوان «کیفر» و «مجازات» اعلام کرده: بهتر است پیش از آن، تغییراتی در قانون حقوق مؤلفان و مصنفان انجام پذیرد و در آن پیش‌بینی شود تا از مؤلفان برای این کار اجازه بگیرند.**

رضا امیرخانی نویسنده نزدیک به حکومت و از میرزابنویسان و «کاتبان رهبری» به صدور حکم مطالعه اجباری و رونویسی از کتابش «داستان سیستان» (۱۰ روز با رهبر) توسط ابوالفضل قدیانی فعال سیاسی منتقد علی خامنه‌ای انتقاد کرد. امیرخانی «داستان سیستان» را بر مبنای وقایع سفر علی خامنه‌ای در سال ۸۱ به سیستان و بلوچستان که وی یکی از همراهان او بود نوشته است.

ابوالفضل قدیانی فعال سیاسی منتقد علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که به اتهام «توهین به رهبری» و

نظام جمهوری اسلامی؛ لجنزار «چندزیستان»ها ...



مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا

مهدی خلجی در ادامه‌ی این یادداشت، دوباره بر شخصیت مستقل خود تأکید کرده و اهمیت این حملات علیه خود را چنین تکرار می‌کند: «به ویژه در پانزده سال گذشته من آماج حملات سیاسی همه گروه‌های سیاسی بودم. اصولگرا و اصلاح‌طلب به یکسان از گفته‌ها و نوشته‌های من به خشم آمده‌اند. سلطنت‌طلب‌ها، مجاهدین خلق و بسیاری از فعالان چپ همواره مرا در صف دشمنان خود تعریف کرده‌اند و بی‌دریغ به تخریب شخصیت و تبلیغات مسموم علیه من برخاسته‌اند. بی‌دینان به همان اندازه از آثار من آزرده‌اند که دین‌داران. در ماجرای اخیر هم، جوانان پرشور فرشگرد در مقاله «چرا در ایران انقلاب نمی‌شود؟» برآشفته‌اند، با چپ‌های مدافع پابرهنگان و رسانه‌های دولتی و غیردولتی جناح‌های مختلف در ایران، همه دست در دست هم دادند و توفانی رسانه‌ای علیه من به راه انداختند. هر گروهی در این محاکمه صحرائی و انقلابی، از اثبات «فساد مالی» من، نتیجه دلخواه خود را می‌گیرد.

اجماع عجیب و نادر گروه‌های متضاد برای ترور شخصیت من را بهای استقلالی می‌دانم که در نظر و عمل داشته‌ام و کار فکری خود را به طلب و طمع این و آن نیالوده‌ام. اگر با گروهی دادوستدی داشته‌ام، چنین جذبتی در توافق همگانی طرفداران جمهوری اسلامی و مخالفان آن‌ها برای هدف گرفتن من پدید نمی‌آید.

به هر حال، واقعیت این است که بیش از مهدی خلجی، همسر وی، مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا بهتر از هر فرد دیگری می‌تواند درباره نقش خود در این میان، یادداشتی کوتاه به نام روح‌الله خلجی برادر مهدی خلجی که حقوقدان و ساکن ایران است در روز ۱۸ اسفند در یک کانال تلگرامی به اسم «مدرسه وکالت و تجارت» به این شرح منتشر شد: «این روزها که باز هم مهدی و همسر چهارمش، مرجان شیخ‌الاسلامی شلوغ‌کاری کرده‌اند یاد این حرف پدرم افتادم. پدرم می‌گفت مهدی هشت سال داشت که او را نزد امام خمینی بردم ایشان دستی بر سر مهدی کشید. هیچ حرفی برای گفتن ندارم... فقط از مردم ایران عذرخواهی می‌کنم بابت اینکه اسم من و اسم مهدی در شناسنامه پدر و مادرم درج شده است. بیشتر شبیه یک ترازوی است.»

این در حالیست که مهدی خلجی در همان روز در یادداشتی در وبسایت شخصی خود نوشت: «در روزهای اخیر، خبری منتشر شد که انعکاس آن به شکل غریبی بهانه‌ای بود، چون بهترین بهانه را به دست می‌داد برای حمله به شخصی که مدت‌ها از هر جهت در تیررس تیراندازان قرار داشت. خبر این بود: «دادگاه ویژه رسیدگی به مفساد اقتصادی، پرونده پتروشیمی را با چهارده متهم بررسی می‌کند.» اما خبر مهم‌تر چیزی خارج از پرونده است: «متهم ردیف ششم، مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا، همسر مهدی خلجی است.»

وی سپس به دفاع از خود در برابر حملاتی پرداخته که علیه وی در رسانه‌های داخلی و همچنین شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده است. خلجی همه جریان‌ات موافق و مخالف جمهوری اسلامی را علیه خود قلمداد کرده و دلیل آن را چنین عنوان کرده است: «چون در قالب دل‌خواه هیچ‌کدام از این گروه‌ها قرار نگرفتم. همواره کوشیده‌ام با خودم صادق و با دیگران صریح باشم و نظرم را در زمینه دین و سیاست، بدون ملاحظاتی فرقه‌ای و گروهی، بی‌پروا بیان کنم. به هیچ جناح و طیفی تعلق عاطفی و فکری و سازمانی نداشته‌ام.»

مهدی خلجی در این یادداشت خود را بی‌ارتباط با پرونده همسرش معرفی کرده و «وجاهت قانونی» دادگاه را نیز «زیر سؤال» می‌برد و می‌نویسد: «حال یک طرف من هستم که هیچ ارتباطی با پرونده پتروشیمی ندارم، و متهم ردیف ششم آن که به لطف رسانه‌ها نام وی از همه متهمان برجسته‌تر شده و بر آنان سایه انداخته است. طرف دیگر هم دادگاهی است که نه تنها به سرانجام نرسیده که اصل وجاهت قانونی آن زیر سؤال است.» خلجی در میان همه جریان‌اتی که آنها را مخالف خود معرفی می‌کند به «جوانان جویای نام و پهلوی پرست فرشگرد» حمله می‌کند.

همچنین آقازاده‌های جمهوری اسلامی را، داشت. وی در آنجا با مهدی خلجی ازدواج کرد.

در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، وابستگان به نظام تلاش کرده‌اند بیش از آنکه اصل ماجرا یعنی اختلاس و فساد فراگیر و سیستماتیک نظام در افکار عمومی مورد توجه قرار بگیرد، ارتباط شخصی شیخ‌الاسلامی و خلجی برجسته شود!

در این میان، یادداشتی کوتاه به نام روح‌الله خلجی برادر مهدی خلجی که حقوقدان و ساکن ایران است در روز ۱۸ اسفند در یک کانال تلگرامی به اسم «مدرسه وکالت و تجارت» به این شرح منتشر شد: «این روزها که باز هم مهدی و همسر چهارمش، مرجان شیخ‌الاسلامی شلوغ‌کاری کرده‌اند یاد این حرف پدرم افتادم. پدرم می‌گفت مهدی هشت سال داشت که او را نزد امام خمینی بردم ایشان دستی بر سر مهدی کشید. هیچ حرفی برای گفتن ندارم... فقط از مردم ایران عذرخواهی می‌کنم بابت اینکه اسم من و اسم مهدی در شناسنامه پدر و مادرم درج شده است. بیشتر شبیه یک ترازوی است.»

این در حالیست که مهدی خلجی در همان روز در یادداشتی در وبسایت شخصی خود نوشت: «در روزهای اخیر، خبری منتشر شد که انعکاس آن به شکل غریبی بهانه‌ای بود، چون بهترین بهانه را به دست می‌داد برای حمله به شخصی که مدت‌ها از هر جهت در تیررس تیراندازان قرار داشت. خبر این بود: «دادگاه ویژه رسیدگی به مفساد اقتصادی، پرونده پتروشیمی را با چهارده متهم بررسی می‌کند.» اما خبر مهم‌تر چیزی خارج از پرونده است: «متهم ردیف ششم، مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا، همسر مهدی خلجی است.»

وی سپس به دفاع از خود در برابر حملاتی پرداخته که علیه وی در رسانه‌های داخلی و همچنین شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده است. خلجی همه جریان‌ات موافق و مخالف جمهوری اسلامی را علیه خود قلمداد کرده و دلیل آن را چنین عنوان کرده است: «چون در قالب دل‌خواه هیچ‌کدام از این گروه‌ها قرار نگرفتم. همواره کوشیده‌ام با خودم صادق و با دیگران صریح باشم و نظرم را در زمینه دین و سیاست، بدون ملاحظاتی فرقه‌ای و گروهی، بی‌پروا بیان کنم. به هیچ جناح و طیفی تعلق عاطفی و فکری و سازمانی نداشته‌ام.»

مهدی خلجی در این یادداشت خود را بی‌ارتباط با پرونده همسرش معرفی کرده و «وجاهت قانونی» دادگاه را نیز «زیر سؤال» می‌برد و می‌نویسد: «حال یک طرف من هستم که هیچ ارتباطی با پرونده پتروشیمی ندارم، و متهم ردیف ششم آن که به لطف رسانه‌ها نام وی از همه متهمان برجسته‌تر شده و بر آنان سایه انداخته است. طرف دیگر هم دادگاهی است که نه تنها به سرانجام نرسیده که اصل وجاهت قانونی آن زیر سؤال است.» خلجی در میان همه جریان‌اتی که آنها را مخالف خود معرفی می‌کند به «جوانان جویای نام و پهلوی پرست فرشگرد» حمله می‌کند.

شیخ‌الاسلامی به «پیوند اختلاسگران با بعضی افراد اپوزیسیون خارج از کشور» پرداخته است! «اعتماد» در این گزارش امنیتی خود، از هشتگ «#خلجی‌گیت» نیز استفاده کرده و کاربران توییتر با این هشتگ به ابراز نظر در مورد این ماجرای اقتصادی-امنیتی می‌پردازند.

بیان حقیقت؛ بهترین روش علیه دروغ و فریب

مهدی خلجی که سابقا در حوزه علمیه قم طلبه بوده، پس از آنکه به خارج کشور آمد با تحلیل‌های سیاسی و فعالیت‌های رسانه‌ای در زمره منتقدان جمهوری اسلامی قرار گرفت. وی طی سال‌های گذشته در شبکه‌ها و رسانه‌های فارسی‌زبان و غیرفارسی خارج از کشور به عنوان کارشناس سیاسی و همچنین پژوهشگر دینی و اجتماعی ابراز نظر می‌کرده است. خلجی اخیرا در مقاله‌ای طولانی تحت عنوان «چرا در ایران انقلاب نمی‌شود» برای وبسایت «رادیو فردا» تلاش کرد ثابت کند که اعتراضات اجتماعی موجود در ایران به تغییر نظام منجر نمی‌شود و جمهوری اسلامی نه تنها در مدیریت بحران‌ها «کارآمد» است بلکه برخی از این «بحران‌ها» توسط خود وی ایجاد می‌شود. وی در این مقاله چنین توضیح داده است که «قرائن گواهی می‌کنند که از یکسو، بخش تأثیرگذاری از مردم براندازی جمهوری اسلامی را تنها گزینه ناگزیر پیش روی خود نمی‌بینند، و از سوی دیگر، ساز و کار پیچیده اعمال قدرت در جمهوری اسلامی در مهار جامعه و مدیریت سیال ناراضی‌ها کارآمد است.» وی تأکید کرده «فراموش نباید کرد که- مثل مورد خاص جمهوری اسلامی- بحران‌های پیاپی همیشه تهدیدی برای ثبات نظام سیاسی نیست. می‌توان گفت بقای رژیم به بقای بحران‌ها و نوکردن آنهاست. بحران‌های ۴۰ ساله اخیر در ایران، همواره، تصادفی و ناخواسته نبوده، بلکه در بسیاری از موارد، عمدانه و با برنامه تولید شده‌اند.»

شاید به دلیل همین مواضع است که رسانه‌های داخلی و امنیتی‌ها «می‌توانند» او را جزو «اپوزیسیون» معرفی کنند اما برخی مخالفان جمهوری اسلامی دارندگان چنین مواضعی را جزو «اپوزیسیون صادراتی» به شمار می‌آورند.

خلجی در جریان سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در «انستیتو واشنگتن» که جمعه، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۸ (۲۳ آذر)، برگزار شد، به عنوان کارمند ایرانی این مؤسسه، اجرای برنامه‌ی پرسش و پاسخ را بر عهده داشت و همین ظاهرا کافیست تا پیاده‌نظام تبلیغاتی دو جناح حکومت در شبکه‌های اجتماعی با تمام توان تلاش کنند او را به رضا پهلوی متصل کنند. در حالی که با مواضع مهدی خلجی، از جمله در مقاله «چرا در ایران انقلاب نمی‌شود»، چسباندن چنین وصله‌ای به رضا پهلوی ممکن نیست.

یادآوری می‌شود که در امرداد سال ۹۶ مرجان شیخ‌الاسلامی از ایران به ترکیه فرار کرد. او به لحاظ مالی، قدرت رساندن خود به کانادا، بهشت اختلاسگران و فاسدان اقتصادی و

خودشان و مرجان شیخ‌الاسلامی خط‌کشی کرده و به اشکال گوناگون او را به اپوزیسیون وصل کند!

موجود چندزیستان

در همین رابطه روزنامه جوان وابسته به سپاه، ۱۸ اسفند، در مورد مرجان شیخ‌الاسلامی می‌نویسد: «نگاهی به سابقه سیاسی این زن، دگردیسی و «چندزیست بودن» این زن را نشان می‌دهد، به همین نسبت هم تصاویر متفاوت و متضادی از او در فضای مجازی موجود است، با مقنعه و چادر و محجبه، با مانتو و بعد بدون حجاب در خارج از کشور.»

این روزنامه اشاره‌ای به ارتباط او و دیگر متهمان پرونده با سپاه نمی‌کند اما روی سابقه همکاری او با حزب اصلاح‌طلب «جبهه مشارکت ایران اسلامی» دست می‌گذارد. جوان در ادامه نوشته «او اکنون همسر مهدی خلجی کارمند مؤسسه مطالعاتی انستیتو واشنگتن و از حامیان تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است» و تأکید می‌کند، «نکته جالب توجه آنکه روشن نیست درون گروه‌های اپوزیسیون چه خبر است و چه اختلافاتی بروز کرده که این اطلاعات به بیرون درز کرده است!» «جوان» توضیح نمی‌دهد که این نکات و این دو نفر چه ربطی به اپوزیسیون و مخالفان جمهوری اسلامی دارند!

همچنین این روزنامه در «فشارگی» خود به این نکته مهم اشاره نمی‌کند که مرجان شیخ‌الاسلامی از رانتی که در دولت احمدی‌نژاد در اختیار او قرار گرفت توانست از طریق شرکت‌هایی که به نام وی بود با سپاه قراردادهای نان و آبدار ببندد. او از این روابط چنان پولدار شد که گفته می‌شود در ترکیه کانال تلویزیونی خرید.

تلاش مذبحخانه برای پیوند زدن اختلاسگران و کلاهبرداران با اپوزیسیون

روزنامه اعتماد که مدیرمسئول آن الیاس حضرتی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو «فراکسیون امید»، صاحب رستوران «ماهی سفید» و قائم مقام «حزب اعتماد ملی» است، روز شنبه ۱۸ اسفند، در مواضعی شبیه روزنامه «جوان» تلاش کرد که برجسب اپوزیسیون به مرجان شیخ‌الاسلامی بزند! چرا که روزنامه الیاس حضرتی که خود سردار سپاه است نمی‌تواند به نقش «برادران قاچاقچی» در این پرونده بپردازد؛ از سوی دیگر، خود مدیرمسئول «اعتماد» درگیر مسائل مالی و زد و بندهای اقتصادی است؛ پس روی مفتخواری‌ها و رانت‌ها نیز نمی‌تواند مانور بدهد.

بر همین اساس، «اعتماد» در گزارش خود تلاش کرده مرجان شیخ‌الاسلامی را که سابقه‌اش کاملا مشخص است، بی‌ربط با اصلاح‌طلبان قلمداد کند! تیتیر مذبحخانه‌ی روزنامه «اعتماد» بیش از آن بیانگر این تلاش است که بتوان بر آن تفسیری نوشت: «پیوند اختلاسگران با بعضی افراد اپوزیسیون خارج از کشور؛ پول را بردار و فرار کن!»

این روزنامه مانند برخی رسانه‌های دیگر وابسته به جناحین حکومت بدون اشاره به سابقه همکاری و رفاقت مشارکتی‌ها و سپاهی‌ها با مرجان

در تازه‌ترین تلاش‌ها برای منحرف کردن افکار عمومی از ماجرای فساد و اختلاس در صنایع پتروشیمی، تبلیغات نظام برای آپوشانی نقش دولت و سپاه و مهره‌های خود دست به کار شده است.

مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا، یکی از ۱۴ متهم پرونده ۶۶ میلیارد یورویی پتروشیمی است. او متهم به مشارکت در اخلاص در نظام اقتصادی کشور و دو فقره تحصیل مال نامشروع، یکی حدود هفت میلیون و ۶۶ هزار یورو و دیگری حدود هشت میلیون و ۷۱۱ دلار شده است. وی مدیرعامل چند شرکت بازرگانی از جمله آرام، دنیز و هنرا تجارت است که بعضی از این شرکت‌ها در ترکیه ثبت شده‌اند.

سابقه سیاسی این فرد نشان می‌دهد که او برآمده از جناح اصلاح‌طلب است و زمانی در «جبهه مشارکت ایران اسلامی» مورد حمایت حجت‌الاسلام محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات، عضویت داشت و در جریان انتخابات مجلس ششم به عنوان یکی از کاندیداهای این حزب وارد رقابت‌های انتخاباتی شد. مرجان شیخ‌الاسلامی گرچه در آغاز مسیر فعالیت‌های سیاسی‌اش از سوی مشارکتی‌ها حمایت می‌شد اما طی شش سال در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای به ائتلاف اصولگرایان پیوست و در مجلس هشتم با قدرت گرفتن جریان احمدی‌نژاد به تیم او نزدیک شد.

مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا از قرار معلوم چند سال در باند امنیتی‌های اصلاح‌طلب نظام فعالیت می‌کرد و چند سال هم دست در دست نظامی‌ها و پاسداران داشت.

از تحریریه روزنامه حجاریان تا قرار دادهای نفتی سپاه

شیخ‌الاسلامی روزگاری عضو تحریریه روزنامه «صبح» به مدیرمسئولی سعید حجاریان بود و در دوره‌ای خبرنگار پارلمانی و دبیر سیاسی روزنامه «همبستگی» شد. گرچه او آرزوهای خود را زیر چتر اصلاح‌طلبان جستجو می‌کرد اما از قرار معلوم سقف این آرزوها خیلی بالاتر از آن بود که بتوان با ایستادن در کنار اصلاح‌طلبان که به تناوب به حاشیه رانده می‌شدند به آنها رسید.

او پس از پیوستن به تیم احمدی‌نژاد مسئول وبسایتی به نام میراث فرهنگی شد و با حمایت‌های حمید بقایی در کنار «دولت بهار»ی‌ها سر سفره انقلاب نشست و به تدریج خود را به مدیران اقتصادی سپاه نیز نزدیک کرد. یک سر پرونده فساد پتروشیمی به سپاه پاسداران می‌رسد. مدیران شرکت نفت و گاز «سپاتیز» وابسته به قرارگاه خاتم الانبیا سپاه با مرجان شیخ‌الاسلامی قرارداد می‌بندد و او پول‌ها را می‌گیرد و از ایران فرار می‌کند و به کانادا می‌رود. در رابطه با این پرونده فردی که به اسم «خ.ع» در رسانه‌های ایران معرفی شده، نماینده سپاه برای قرارداد با شیخ‌الاسلامی بوده که در حال حاضر در بازداشت بسر می‌برد.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های داخلی، اینطور به نظر می‌رسد که دستگاه اطلاعات و امنیت و جناحین نظام تلاش می‌کنند بین

● مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا، یکی از ۱۴ متهم پرونده ۶۶ میلیارد یورویی پتروشیمی است که در سال ۹۶ به کانادا فرار کرد.

● در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، وابستگان به نظام تلاش کرده‌اند بیش از آنکه اصل ماجرا یعنی اختلاس و فساد فراگیر و سیستماتیک در افکار عمومی مورد توجه قرار بگیرد، ارتباط شخصی شیخ‌الاسلامی و خلجی برجسته شود!

● پرونده‌های اقتصادی نیز مانند پرونده‌های سیاسی باید توسط دادگاه‌های صالح مورد بررسی قرار بگیرند و نه اینکه جناحین نظام برای نجات خود به قربانی کردن یکدیگر بپردازند و چرخه‌ی فساد همچنان بگردد.

● یادداشتی کوتاه به نام روح‌الله خلجی برادر مهدی خلجی در یک کانال تلگرامی به اسم «مدرسه وکالت و تجارت» علیه وی منتشر شده است.

● مهدی خلجی در یادداشتی در حالی که مخالفان خود را مسبب «انعکاس غریب و غیرعادی» این خبر می‌داند، خود را بی‌ارتباط با پرونده همسرش معرفی کرده و «وجاهت قانونی» دادگاه را نیز «زیر سؤال» برده است. وی در میان همه جریان‌اتی که آنها را مخالف خود معرفی می‌کند به «جوانان جویای نام و پهلوی پرست فرشگرد» حمله کرده است.

● واقعیت این است که بیش از مهدی خلجی، همسر وی، مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا بهتر از هر فرد دیگری می‌تواند درباره نقش خود در پرونده «اختلاس» پتروشیمی یا «اختلال در نظام اقتصادی» توضیح بدهد.

● مرجان شیخ‌الاسلامی در خارج از ایران و دور از دسترس نیروهای قضائی جمهوری اسلامی زندگی می‌کند و می‌تواند آزادانه هم اطلاعات خود را درباره پرونده پتروشیمی برملا کرده و هم بهانه را از دست جریان‌اتی که می‌خواهند همسر وی را تخریب کنند بگیرد!

حامد محمدی، الهه بقراط - رسیدگی به پرونده ۱۴ متهم فساد در صنعت پتروشیمی ایران از، ۱۵ اسفند ماه ۱۳۹۷، در شعبه سوم دادگاه انقلاب ویژه رسیدگی به جرائم اختلاسگران و مفسدان اقتصادی آغاز شده است.

اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهام مدیرعامل سابق شرکت بازرگانی پتروشیمی و ۱۳ متهم دیگر جمهوری اسلامی گرچه مجبور به مقابله با اقیانوسی از فساد سیستماتیک و اختلاس‌های چندهزار میلیارد دلاری شده اما در برابر پیامدها و بازتاب منفی ناشی از دادگاهی کردن دزدان گردن‌گلفت در افکار عمومی و ضربه‌ای که علنی شدن این فسادها به مشروعیت نظام می‌زند آسیب‌پذیری نشان داده و بر همین اساس باندهای مختلف رژیم با روش‌ها مختلف تلاش می‌کنند دامان خود را از این آلودگی‌ها پاک نشان دهند.

در پرونده فساد در پتروشیمی طبق معمول پای دانه‌درشت‌های نظام و چند سازمان و ارگان از جمله سپاه پاسداران در میان است و باندهای رژیم هر کدام به دنبال آن هستند که طوق لعنت فساد و چپاول را از گردن خود باز و به گردن دیگران ببندازند و برای این منظور از هیچ دروغ و دغلکاری فروگذار نمی‌کنند.

زنان شاخص

فرناز عبدلی (شیراز-۱۳۶۶)



فرناز و گروهش با مشکلاتی از سوی حکومت اسلامی ایران مواجه شدند. همچنین در مقاله‌های مختلف از این جنبش به عنوان انقلاب ساکت ایران یا تلاش برای آزادی‌های مدنی با روش‌های هنری-فرهنگی به عنوان بیانیهای ساختارشکنانه در ایران اشاره شده است. فرناز عبدلی در فهرست ۷۰ طراح برتر نام دار ایرانی در سراسر دنیا به گزارش سایت مد و پوشاک به پوشی و همچنین جزو ۱۰ زن رؤیایی جهان در سال ۲۰۱۳ به گزارش CNN دیده می‌شود.

فرناز عبدلی، طراح لباس و مد، طراح گرافیک، منتقد هنری و بازیگر تئاتر، کارشناسی طراحی گرافیک، ارشد MBA از دانشگاه بهشتی تهران و دارای مدرک از مدرسه مد و فشن IED پارسلونا، به خاطر ایجاد برند معروف «پوش/POOSH» که بعدتر به «پوش ما/POOSHema» تغییر نام داد و طراحی‌های غیرمتعارف و آغازگر سبک مدرن پوشش جوانان در ایران شناخته می‌شود. فرناز در سال ۲۰۱۳ میلادی بعد از چند سال فعالیت در زمینه طراحی لباس با ارائه مجموعه بهار و تابستان برند پوش و عکاسی از مدل‌ها در خیابان‌های شیراز و مکان‌های عمومی با لباس‌های طراحی شده عجیب برای عرف جامعه اسلامی و انتشار آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی و شیوع سریع و باز نشر آن‌ها توسط معتبرترین رسانه‌ها و خبرگزاری‌های دنیا به سرعت از معروف‌ترین و محبوب‌ترین طراحان ایرانی در سراسر دنیا شناخته شد. پس از آن

راه‌های موثر و طبیعی برای کوچک کردن سینه‌ها

میزان توده چربی بدن شما را کم کند، قطعاً اندازه سینه را نیز کاهش خواهد داد. یکی از این روش‌ها، ورزش منظم است.

ورزش‌های هوازی

همان‌طور که گفتیم، ورزش یکی از راه‌های کوچک کردن سینه‌ها است. اما میان تمام ورزش‌ها، بهترین ورزش، ورزش‌هایی است که موجب افزایش متابولیسم بدن می‌شوند. بنابراین، ورزش‌هایی مانند پیاده روی سریع، دویدن و دوچرخه سواری به افزایش برون ده قلبی کمک کرده و برای رسیدن به کاهش وزن مفید هستند.

ورزش‌های قدرتی

تنها آب کردن چربی سینه نمی‌تواند موجب شکل‌گیری و فرم دهی به آن شود. بلکه باید در کنار آب کردن چربی‌ها کاری کنیم که سینه‌ها فرم مناسبی داشته باشند. ورزش‌های قدرتی همان چیزی است که به دنبال

داشتن سینه‌های بزرگ برای برخی از زنان همواره یک مشکل اساسی محسوب می‌شود. این دست از زنان حتی گاهی برای پیدا کردن لباس مناسب خودشان نیز مشکل دارند. به همین دلیل ممکن است به فکر کوچک کردن سینه به روش‌های تهاجمی مانند جراحی باشند. قبل از این که این روش‌ها را امتحان کنید به شما پیشنهاد می‌کنیم ادامه این مطلب مجله پیام سلامت را مطالعه کنید تا از روش‌های طبیعی و موثر برای کوچک کردن سینه با خبر شوید. درست است که این روش‌ها در دراز مدت موثر است اما حداقل عوارضی برای بدن شما ندارند.

جالب است بدانید که بزرگ بودن سینه در زنان می‌تواند مانع بزرگی برای انجام دادن فعالیت‌هایشان شود. در گزارشی که در مجله Physical Activity & Health به چاپ رسیده است آمده است که بزرگ بودن سینه در طی ورزش می‌تواند موجب درد، شرم و ایجاد یک مانع باشد. در واقع اکثر زنان به دلیل بزرگی سینه کمتر تمایل دارند که ورزش کنند.

دلیل دیگری که علت تمایل زنان را برای کوچک کردن سینه نشان می‌دهد، افزایش سایز سینه بعد از سن یائسگی است. مطالعه منتشر شده در مجله Maturitas نشان می‌دهد که به طور متوسط، ۲۰ درصد از زنان پس از یائسگی به طور ناگهانی تجربه افزایش اندازه پستان را دارند. پژوهش فوق‌همچنین نشان داد که افزایش وزن نیز با بزرگ شدن سینه در ارتباط است. بنابراین، کاهش وزن بدن، رژیم غذایی مناسب و ورزش می‌تواند وزن پستان را کم کند.

البته گاهی بزرگ بودن سینه در کنار داشتن فرم مناسب از نظر جنسی جذابیت ایجاد می‌کند. اما سینه‌های بزرگی که افتادگی دارند، شل هستند و فرم خاصی ندارند، می‌توانند مشکل ساز باشند.

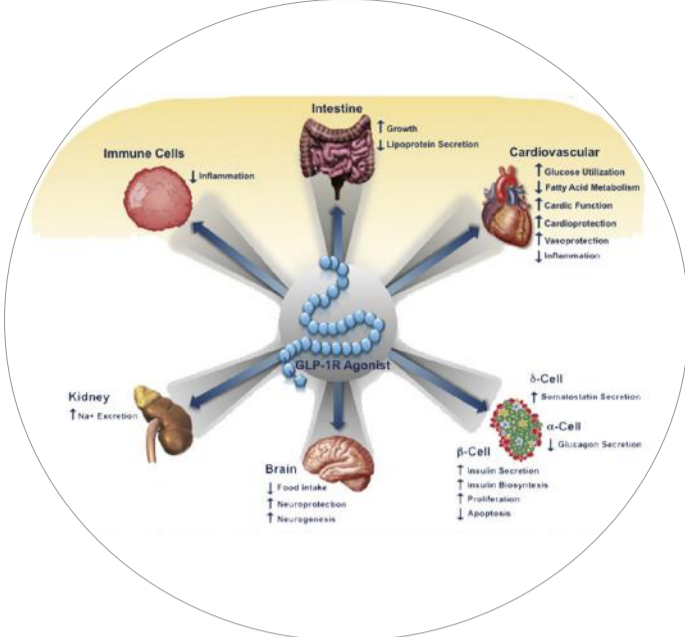
روش‌های کوچک کردن سینه‌ها

قبل از این که به راه‌های طبیعی برای کوچک کردن سینه‌ها اشاره کنیم مهم است که بدانید، شکل و اندازه پستان تا حدود زیادی توسط ژن‌ها بدن تعیین می‌شوند. مطالعه منتشر شده در مجله BMC Medical Genetics نشان داد که حدود ۷ عامل ژنتیکی با اندازه پستان در ارتباط است.

به همین دلیل شاید برخی از روش‌های ذکر شده در ادامه این مطلب برای همه افراد مناسب نباشد.

ورزش برای کاهش اندازه پستان

شکل و اندازه سینه تا حدود زیادی به اندازه چربی در پستان بستگی دارد. بنابراین هر راهی که بتواند



لاغری پایدار در افراد چاق

محققان دانشگاه کپنهاگ مکانیزم‌های جدیدی را در مورد عملکرد دو هورمون اینکرتین یافتند که می‌تواند روش موثری برای کاهش وزن طولانی مدت باشد. در این مطالعه ی جدید گروهی از محققان کپنهاگ به بررسی نقش هورمون GLP-1 و پپتید YY (دو هورمون اینکرتین) در تنظیم هموستازی گلوکز و ترشح انسولین در افراد مبتلا به دیابت نوع ۲ پرداختند. در این مطالعه ۲۰ فرد چاق به مدت ۸ هفته تحت رژیم کم کالری پودری قرار گرفتند، نتیجه آن ۱۳ درصد کاهش وزن این افراد بطور متوسط بود. برنامه‌ی کاهش وزن اولیه سپس توسط یک پروتکل نگهدارنده به مدت ۵۲ هفته با رژیم غذایی محدودیت خفیف کالری جایگزین شد. دکتر Torekov از بیمارستان علوم بیوشیمیایی و همکارانش سه نمونه ی خونی از افراد شرکت کننده قبل از کاهش وزن، بلافاصله پس از کاهش وزن و در انتهای هفته ی ۵۲ تهیه کرده و مقدار دوهورمون مهار کننده ی اشتها "GLP-1" و "PYY" را در حالت ناشتا و سپس از غذا بررسی کردند. پس از گذشت یکسال از کاهش وزن پایدار، نتایج این مطالعه نشان داد که یک تغییر متناسب معکوس در سطح GLP-1 (که غالباً در افراد چاق بسیار پایین است) و هورمون گرسنگی گرلین اتفاق افتاده است. Iepsen نویسنده ی اول این مقاله و دانشجوی دکتر اعلام کرد که مقدار GLP-1 از قبل از کاهش وزن در مقابل گرلین افزایش می‌یابد، گرلین بلافاصله پس از کاهش وزن افزایش می‌یابد و پس از یکسال به مقدار طبیعی خود باز می‌گردد (علامت کاهش احساس گرسنگی). تغییر در این دو هورمون نشان می‌دهد بدن قادر است

ظاهری پستان‌ها پس از یکسال خود را با مصرف انرژی کمتر چرا که چربی را کوچکتر نشان دهد.

این سوتین‌ها هم سایز سینه شما را کم نمی‌کنند. اما در عوض موجب می‌شوند که طرح پستان از روی لباس خیلی برجسته به نظر نرسد. این نوع از سوتین‌ها میزان پایداری پستان را نیز افزایش می‌دهد. زیرا از نظر فیزیکی دیگر پستان به خودش متکی نیست، بلکه کل قفسه سینه از آن حمایت می‌کند.

تغییر قرص‌های ضد بارداری

رابطه ای بین مصرف قرص‌های پیشگیری از بارداری و اندازه پستان وجود دارد. با توجه به عملکرد

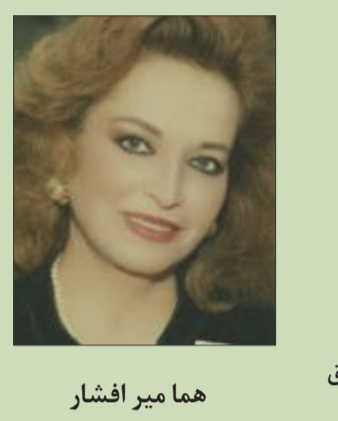


هورمونی قرص‌های ضد بارداری، بافت‌های بدن، که شامل بافت پستان نیز می‌شود، می‌توانند طیف گسترده‌ای از عوارض جانبی را تجربه کنند. از جمله رایج‌ترین این عوارض، حساسیت به لمس پستان و یا بزرگ شدن آن است.

مطالعه که توسط مجله اپیدمیولوژی آمریکا (American Journal of Epidemiology) انجام شده است نشان می‌دهد که سطوح استروژن در قرص‌های جلوگیری از بارداری می‌تواند باعث شود سینه‌ها بیشتر رشد کرده و بزرگتر شوند. البته، یکی از عوامل بزرگ شدن دوره‌ای سینه‌ها، چرخه قاعدگی است. یعنی در طول دوره چرخه قاعدگی اندازه سینه نیز متفاوت است.

بنابراین توصیه می‌کنیم اگر به تازگی از قرص‌های جلوگیری از بارداری استفاده می‌کنید و متوجه تغییر سایز سینه خود شده‌اید از پزشک خود درخواست کنید تا یا دوز و نوع قرص شما را عوض کند یا روش جلوگیری دیگری را به شما معرفی کند.

ماه باید یک شبی مهمونی کنه پیشتون مهتابو قرونی کنه آخه چشمای قشنگت می‌تونه که بگیره شبو زندونی کنه بذارین خورشید صورت شما ابری خونه مو آفتابی کنه چشمای روشنتون دوباره باز شب تاریکمو مهتابی کنه روز باید تو آینه ی صورتتون چشماشو به روی دنیا وا کنه وقتی که خورشید خانوم میاد بیرون خورشید تو چشمتون پیدا کنه نازنینم نازنینم وای آگه خورشید عشق توی چشمای شما غروب کنه



هما میر افشار

تغییر وزن نامحسوس در کودکان

قرار گرفته و اگر دراز کشیده اند، سر کودک باید اندکی بالاتر از بدن باشد. فرزند خود را تشویق کنید تا خودش غذا بخورد.

تمیزکاری

تا زمانی که فرزند شما وعده غذایی خود را به طور کامل بخورد، صبر کنید و پس از آن جمع کردن و تمیز کردن را آغاز کنید. اجازه دهید کودک ریخت و پاش کند، زیرا آنها کم سن و سال هستند. شما می‌توانید این کثیف کاری‌ها را پس از تمام شدن وعده غذایی وی تمیز کنید. عجله ای نداشته باشید.

محبط غذا خوردن

گاهی اوقات این که کودک خود را با چه چیزی تغذیه می‌کنید یا چگونه این کار را انجام می‌دهید، عامل تأثیر گذار محسوب نمی‌شود، بلکه مکان غذا خوردن عامل مهم است. مکان غذا خوردن کودک خود را تغییر دهید و نتایج را بررسی کنید.

آرامش

هنگامی که با یک کودک دو ساله سر و کار داریم که وزن اضافه نمی‌کند باید یک قانون مهم را به یاد داشته باشید. هنگامی که در اطراف کودک غذا می‌خورید باید آرام و راحت باشید. بحث و جدل‌ها را از وی دور نگه دارید. غذا خوردن را به یک تجربه مثبت برای آنها تبدیل کنید. افزون بر این، عادات غذا خوردن خوب به رشد کودک کمک می‌کنند.

بدون حواس پرتی

تلویزیون، رادیو، بازی‌ها، تلفن‌های همراه، موسیقی یا بلند یا هر عامل حواس پرتی را هنگام غذا خوردن از کودک دور نگه دارید. این اقدام بزرگ و دشواری نیست، به ویژه زمانی که در نظر داشته باشید سلامت کودک در معرض خطر قرار دارد.

صبر؛ عاملی کلیدی

کودکان به طور معمول از غذاهای جدید خوششان نمی‌آید. این شرایط نباید موجب دلسردی شما شود. در طول یک دوره زمانی تلاش اقداماتی مشخص وجود دارند که می‌توانید برای حصول اطمینان از رشد سالم کودک خود مد نظر قرار دهید.

حفظ یک روتین

اگر کودک را در دوره‌های زمانی نامنظم تغذیه کنید، بدن وی قادر به تنظیم و سازگار کردن خود نخواهد بود. یک حفظ یک برنامه مناسب بر اساس نیاز فرزندتان و نه نیاز خودتان می‌توانید به رشد سالم وی کمک کنید.

تغذیه درست

اگر از طریق بطری فرزند خود را تغذیه می‌کنید، اطمینان حاصل کنید که بدن وی در وضعیت درست قرار دارد. آنها باید در وضعیتی راحت

اداری، انگل‌ها) که بدن را مجبور به مصرف مواد مغذی بیشتر در مقایسه با مواد مغذی مصرف شده طی روزهای عادی می‌کنند -عدم مصرف نسبتی درست از چربی، کربوهیدرات و پروتئین -عدم مصرف کالری به میزان کافی -عدم تحمل برخی غذاهای خاص (با آلرژی غذایی تفاوت دارد) -بیماری یا عفونت

آیا عدم افزایش وزن موضوعی جدی است؟

به طور خلاصه، بله. اگر کودک شما گرفتار سوء تغذیه باقی بماند، در نهایت شرایط زیر را تجربه خواهد کرد: - بی حال می‌شود. - ایرادگیر می‌شود. - به اندازه پتانسیل کامل خود رشد نمی‌کند. - از نظر جسمانی ضعیف می‌شود. - برای همیشه از رشد قدی باز می‌ماند.



هنگامی که بزرگ می‌شود با بیماری‌های مبتنی بر تغذیه مانند دیابت و چاقی مواجه می‌شود.

- از رشد و توسعه عاطفی و فکری باز می‌ماند.

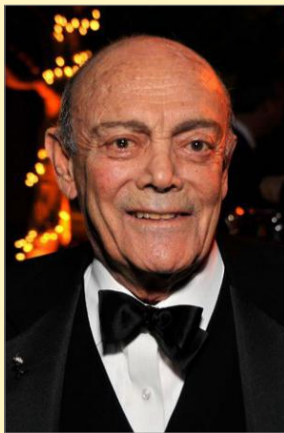
اینها برخی از بسیاری از شرایطی جدی هستند که در صورت عدم افزایش وزن کودک دو ساله شما رخ می‌دهند. هنگامی که موضوع رشد مبتنی بر تغذیه مطرح می‌شود، اقداماتی مشخص وجود دارند که می‌توانید برای حصول اطمینان از رشد سالم کودک خود مد نظر قرار دهید.

نظر قرار دهید. اگرچه عدم برخورداری از وزن مناسب وضعیتی غیر طبیعی در نظر گرفته نمی‌شود، اما بسیاری از پدر و مادرها زمانی که فرزندشان به آن اندازه که باید وزن اضافه نمی‌کنند، این مساله را جدی می‌گیرند. به گزارش "تیو هلت ادوایزر"، عدم افزایش وزن برای کودکان دو ساله به طور معمول وضعیتی خطرناک در نظر گرفته نمی‌شود، زیرا ممکن است قادر به دریافت یا حفظ کالری‌های مصرفی خود نباشند، که به رشد جسمانی آنها کمک می‌کند. با این وجود، عدم افزایش وزن می‌تواند نشان دهنده برخی مشکلات سلامت نیز باشد.

چرا عدم افزایش وزن رخ می‌دهد؟

به این نکته توجه داشته باشید که عدم افزایش وزن به نوبه خود یک بیماری نیست. در عوض، این شرایط به دلایل زمینه‌ای خاص اشاره دارد، که ممکن است به عدم افزایش وزن کودک منجر شوند. از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: -یک اختلال سوخت و ساز -عفونت‌ها (مانند عفونت دستگاه

مردان شاخص



ری آقایان
(تهران-۱۹۲۸)

«گورگن ری آقایان» در یک خانواده مرفه ارمنی به دنیا آمد. او پدر خود را در سنین کودکی از دست داد. در نوجوانی به خاطر عشق و علاقه خاصی که به فیلم ها و ستارگان هالیوود داشت از مادرش «یاسمین» خواست که برای تحصیل در رشته طراحی بجای پاریس او را به کالیفرنیا بفرستد. مادر با این کار موافقت کرد و خود او نیز در اوائل دهه هفتاد میلادی راهی لس آنجلس شد و به او پیوست. «ری آقایان» علاوه بر لباس ستارگان و خوانندگان معروف هالیوود در سال ۱۹۸۴ لباس های ورزشکاران المپیک تابستانی لس آنجلس در مراسم رژه گشایش را طراحی کرد و اغلب لباس های اهدا کنندگان جوایز اسکار از اواخر دهه شصت میلادی تا سال ۲۰۰۱ از آثار طراحی او بوده است. «ری آقایان» سیزده ساله بود که نخستین لباس خود را برای یکی از اعضای خاندان سلطنتی پهلوی طراحی کرد. در آن زمان مادر

«ری» به عنوان خیاط سرخانه در قصر محمدرضا شاه پهلوی به دوخت و دوز البسه و اجناس مورد نیاز دربار اشتغال داشت. «آقایان» در طول زندگی پر بار حرفه ای خود برای ستارگانی چون «جودی گارلند»، «باربارا اسکراپس»، «دایانا راس» و «جولی اندروز» برخی از زیباترین و چشمگیرترین لباس هایی را که این هنرمندان در فیلم ها و با هنگام اجرای برنامه بر روی صحنه به تن داشتند را برای آن ها طراحی کرد.



کفی های حاوی نقره
مانع قطع پای دیابتی ها

دانشمندان دانشگاه پلی تکنیک مکزیک روشی را برای درمان سندرم پای دیابتی با کفی مخصوص حاوی نانو ذرات نقره ابداع کردند. این تکنیک به مقابله با زخم های پای دیابتی کمک کرده و بهبود آنرا تسهیل و موجب ضدعفونی شدن آن و کاهش خطر قطع عضو می گردد. این تحقیق نشان داد خواص ضد باکتریایی نقره، موجب تسهیل بهبود زخم و جلوگیری از ابتلا این افراد به سندرم پای دیابتی می شود. محققان کفی های خاصی را برای افراد دیابتی ابداع کرده اند که آزمایشات بالینی خود را گذرانده است. پرفسور Pestryakov می گوید: در بیماری که از این کفی های آغشته به نانو ذرات نقره استفاده کردند زخم یا ترمیم شده و خطر قطع عضو به طور قابل توجهی کاهش یافت سندرم پای دیابتی آخرین و جدی ترین عارضه ی دیابت است. به دلیل وجود مقادیر زیاد قند در خون تغییراتی در اعصاب محیطی، عروق خونی، پوست و بافت های نرم و بافت استخوان و مفاصل در بیماران ایجاد می شود. عفونت زخم و خروج و تراوش چرک از مشخصات سندرم پای دیابتی است. تا ۱۵ درصد از افراد مبتلا به دیابت در معرض خطر بروز زخم در پاها هستند که در فرم پیشرفته ی آن می تواند به قطع عضو منجر شود. گروهی از دانشمندان، دارویی را بر اساس نانو ذرات نقره ابداع کردند که دارای تأثیر جامع بر ویروس ها، باکتریها و قارچ ها است. دانشمندان به مدت بیش از ده سال با همکاری مکزیک خود بروی این دارو یکی بدترین دردهایی که تا به حال بشر آن را تجربه کرده است، دندان درد است. به خصوص اگر شب ها رخ دهد. درد دندان در شب می تواند خوابیدن را برای شما دشوار کند و باعث خواب آلودگی در روز بعد شود. درمان درد دندان در خانه معمولاً شامل کنترل درد است. در ادامه به چند راه ساده برای کاهش این درد اشاره می کنیم. از داروهای ضد درد استفاده کنید. استفاده از داروهای مانند ایبوپروفن (Advil, Motrin)، استامینوفن (تیلنول) و اسپرین می تواند درد جزئی دندان ها را کاهش دهد. استفاده از خمیر دندان های پلاستیکی یا ژله



مرد روز



سهراب سپهری

در آ که کران را برچیدم خاک زمان رفتم آب نگر پاشیدم در سفالینه چشم صدبرگ نگه بنشاندم بنشستم آینه شکستم تا سرشار تو من باشم و من جامه نهادم رشته گسستم زبایان خندیدند خواب چرادامشان خوابیدند غوک می جست اندوهش دادم و نشست در کشت گمان هر سبزه لگد کردم از هر بیسه شوری به سبد کردم پوی تو می آمد به صدا نیرو به روان پر دادم آواز در آ سر دادم پژواک تو می پیچید چکه شدم از بام صدا لغزیدم و شنیدم یک هیچ ترا دیدم و دویدم آب تجلی تو نوشیدم و دمیدم

عروش برای افزایش حجم مغز!

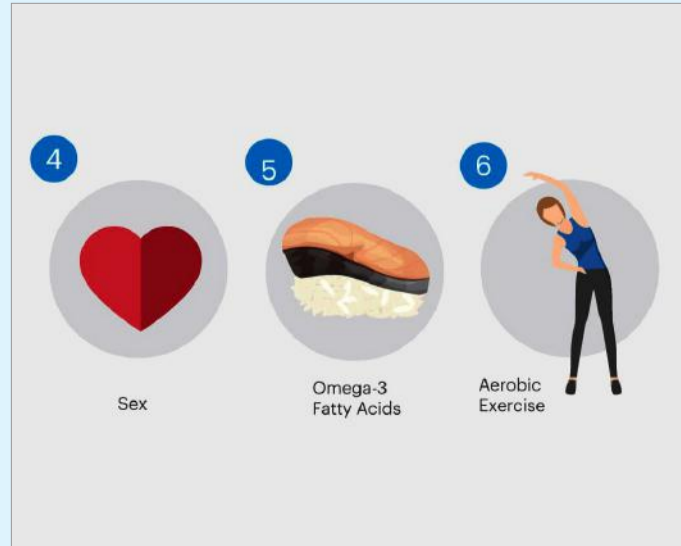
چندین پیشرفت شگفت انگیز درباره مغز در چندین سال گذشته نشان می دهد که انسان ها واقعا قدرت افزایش اندازه مغز خود را دارند. این مسئله می تواند زندگی شما را به طرق مختلف تغییر دهد، از افزایش حافظه گرفته تا استفاده از قدرت مغز برای ساخت نورو ن های جدید!

روش های افزایش حجم مغز
در حالت های مختلف قرار گرفتن؛ **یوگا** ترکیبی از تنفس، نگه داشتن حالت ها و مراقبه است، ورزشی که نه تنها باعث یکپارچگی مغز شما می شود بلکه باعث ضخیم تر شدن پوسته مغز شما نیز می شود. اسکن مغزی نشان می دهد که ورزش یوگا، فعالیت های مغزی را به شیوه های مثبت تغییر می دهد؛ این مسئله کمک می کند تا سطوح قوی تری از ماده خاکستری را در مغز ایجاد کند. حفاظت نورونی یوگا نه تنها باعث از دست دادن ماده خاکستری مغز نمی شود بلکه به نظر می رسد حجم ماده خاکستری را در برخی مناطق مغز نیز افزایش دهد. این مسئله مهم است زیرا از دست دادن سلول های خاکستری باعث آسیب به حافظه، مشکلات احساسی، آستانه درد کمتر و کاهش عملکرد روان شناختی می شود.

در سال ۲۰۱۵ محققان دانشگاه مک گیل و مؤسسات ملی سلامت متوجه شدند که ثبت در عملکرد شما مهم است. سال ها تمرین یوگا با تغییرات مثبت در افزایش سلول های خاکستری در نیمکره چپ مغز همراه است. موارد زیر در مغز درگیر این ماجرا هستند:

ادراک، کنترل محرک، خود آگاهی، عملکرد روان شناختی، تجربه ارتباط بین فردی، جلوگیری از بروز احساسات، کنترل انگیزه، رفتار اجتماعی، پردازش حافظه، هیجانان و یاداش تصمیم گیری

بخش های ترجم و محبت، یادگیری و حافظه را نسبت به تصاویر قبل از مدیتیشن، نشان داد. جلب توجه است که ماده خاکستری در آمیگدالا - مرکز استرس و اضطراب کاهش یافته بود. همه این ها با میانگین ۲۷ دقیقه تمرین مدیتیشن فقط هشت هفته طول کشید.



درد دندان در شب؛ علل و روش های درمان

برای بیماری های دهان و دندان از جمله درد دندان وجود دارد. بر اساس یک مطالعه که در سال ۲۰۱۵ انجام شد، برخی از راه های طبیعی که برای کاهای درد دندان در شب مورد استفاده قرار می گیرند عبارتند از: میخک، برگ گواوا، پوست انبه، دانه و پوست درخت گلابی، برگ سیب زمینی شیرین، برگ آفتابگردان، برگ توتون و تنباکو، سیر قبل از استفاده از روش های طبیعی، با پزشک و دندانپزشک مشورت کنید. زیرا ممکن است بدن شما به این درمان ها واکنش نشان دهد.

آب نمک: برای بسیاری از افراد، شستشوی دهان با آب گرم نمکی یک درمان موثر می باشد. آب نمک یک ماده ضد عفونی کننده طبیعی است و می تواند به کاهش ذرات مواد غذایی و آلودگی هایی که ممکن است بین دندان های شما گیر کرده باشند کمک کند. درمان دندان درد با آب نمک می تواند به کاهش التهاب و بهبود زخم های دهانی نیز کمک کند.

برای استفاده از این روش، ۲/۱ قاشق چای خوری نمک را به یک لیوان آب گرم اضافه کنید و آن را به عنوان دهانشویه استفاده کنید.

چمن گندم: چمن گندم دارای خواص درمانی بی شماری است و می تواند بدن را از داخل درمان کند. این ماده می تواند التهاب در دهان را از بین ببرد و از ایجاد عفونت جلوگیری کند. میزان کلروفیل زیاد آن نیز می تواند با باکتری مبارزه کند. برای استفاده از این روش، کافی است که از آب چمن گندم به عنوان دهانشویه استفاده کنید.

آب اکسیژنه: شستشوی دهان با پراکسید هیدروژن نیز ممکن است برای از بین بردن درد و التهاب مفید باشد. این ماده علاوه بر کشتن باکتری ها می تواند پلاک را کاهش داده و خونریزی لثه را بهبود بخشد. یادتان نرود که باید پراکسید هیدروژن را به درستی رقیق کنید. برای انجام این کار، پراکسید هیدروژن ۳ درصد را با آب مقطر مخلوط کرده و از آن به عنوان دهانشویه استفاده کنید. هرگز این محلول را نبلعید.

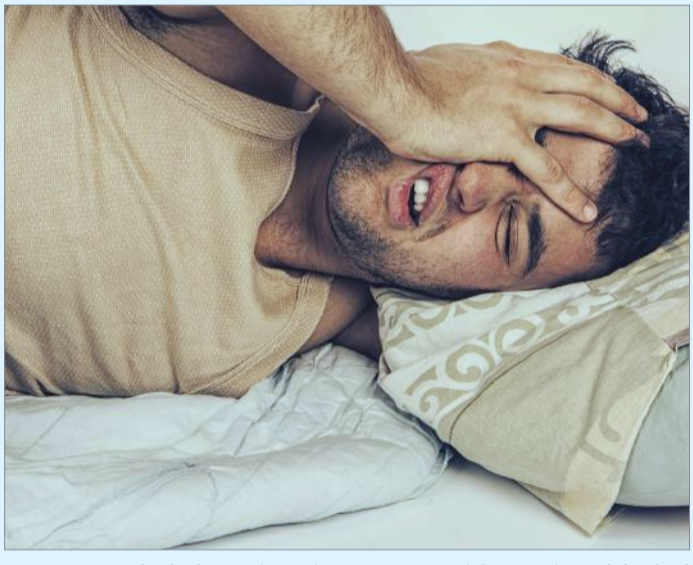
کمپرس سرد: وقتی روی صورت کمپرس سرد می گذارید، دمای پایین باعث می شود که رگ های خونی در این منطقه تنگ شوند. این روند باعث کاهش شدت درد شده و می تواند تورم و التهاب را از بین ببرد. برای استفاده از این روش، حوله را دورن فریزر گذاشته و بعد از ۲۰ دقیقه آن

سنین جوانی: یادگیری موسیقی به معنای واقعی کلمه حجم مغز شما را افزایش می دهد. بیشترین تأثیر را بر روی کودکان که تا سن ۷ سالگی موسیقی را فرا می گیرند دارد. در واقع دانشمندان قصد دارند با استفاده از موسیقی، ناتوانی در یادگیری را درمان کنند. جزئیات شگفت انگیز است! آموزش موسیقی سطح بالا و بلند مدت به نوازندگان کمک می کند تا اطلاعات احساسی را از شنوایی، لامسه و بینایی بهتر درک کنند. طبق یک مطالعه منتشر در ژورنال علوم اعصاب، یادگیری

قبل از سن ۷ سالگی، باعث ایجاد ارتباط بهتر در "جسم پنبه ای" می شود که وظیفه پیوند نیمکره راست و چپ مغز را بر عهده دارد. راه های طبیعی دیگر برای افزایش اندازه مغز خود را نیز امتحان کنید: **امگا ۳ با کیفیت بالا:** تحقیقاتی در سال ۲۰۱۴ منتشر شد که نشان داد، داشتن اسیدهای چرب امگا ۳ سالم در بدن با داشتن مغز بزرگتر ارتباط دارد.

رابطه جنسی: داشتن رابطه جنسی به طور منظم می تواند باعث ایجاد نورو ن های بیشتر به عنوان یک روش طبیعی باشد. تحقیقات دیگر نشان می دهد که رابطه جنسی می تواند به حفظ حافظه بلند مدت کمک کند و از آن در زمانهایی که استرس زیادی دارید، محافظت می کند.

تمرین هوازی منظم: یک تحقیق برجسته در سال ۲۰۰۶ نشان داد که تمرین هوازی منظم می تواند هر دو ماده خاکستری و سفید مغز را افزایش دهد. این نتایج در گروه های کشت و بدنسازی به دست نیامد!



تنیس استادان ایندیانا ولز؛ صعود فدرر، نادال و موگاروزا به دور بالاتر



آنجلیک کربر؛ ۱۱ مارس ۲۰۱۹



راجر فدرر؛ ۱۰ مارس ۲۰۱۹



گاربینه موگاروزا؛ ۱۱ مارس ۲۰۱۹



رافائل نادال؛ ۱۱ مارس ۲۰۱۹

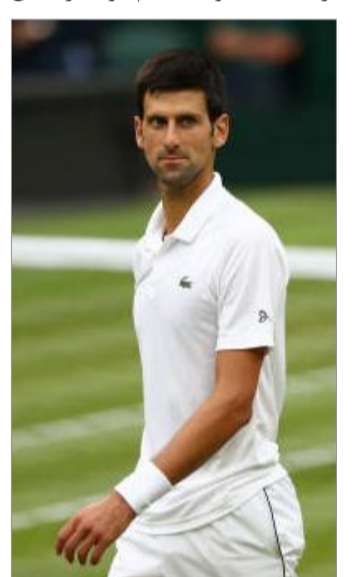
ساله سوئیسی تنیس جهان با غلبه بر استن واورینکا همبازی خود در تیم دیویس کاپ سوئیس ۶ بر ۳ و ۶ بر ۴ و شکست کارل ادموند تنیس باز انگلیسی ۶ بر یک و ۶ بر ۲ وارد دور چهارم این رقابت‌ها شد.

رافائل نادال تنیس‌باز ۳۲ ساله اسپانیایی و قهرمان ۱۷ گراند اسلم که روز سه شنبه از دید گو شوارتزمان تنیس‌باز اهل آرژانتین ۶ بر ۳ و ۶ بر یک برده بود روز چهارشنبه نیز فیلیپ کرانوویچ تنیس‌باز صرب ۶ بر ۳ و ۶ بر ۴ شکست داد و مسابقه بعدی او با ایسنر یا خاچنوف خواهد بود.

در بخش دختران در بازی‌های ایندیانا ولز، گاربینه موگاروزا تنیس‌باز ۲۳ ساله اسپانیایی، بارتنز تنیس‌باز اهل هلند را ۵ بر ۶، ۷ بر یک و ۶ بر ۳ مغلوب کرد اما به بیانکا آندرسکو تنیس‌باز ۱۸ ساله اهل کانادا ۶ بر صفر و ۶ بر یک باخت. سیمونا هالپ تنیس‌باز اهل رومانی و نفر اول پیشین رده‌بندی تنیس زنان جهان روز چهارشنبه در بازی‌های ایندیانا ولز ۶ بر ۳، ۲ بر ۶ و ۶ بر ۲ از مارکتا وندروسوا تنیس‌باز چک شکست خورد.

بخت نومی اوزاکا تنیس‌باز ۱۹ ساله ژاپنی و قهرمان گراند اسلم نیویورک ۶ بر ۳ و ۶ بر یک به هم به بنچیک تنیس‌باز سوئیسی خلاف انتظار بود. بنچیک در دور بعد به مصاف کارولینا پلیسکوا از جمهوری چک خواهد رفت. پلیسکوا در دور قبل ۷ بر ۶، ۶ بر ۴ و ۶ بر ۲ بر آنت کونتویت پیروز شده بود. در همین حال راجر فدرر ستاره ۳۷

رقابت‌ها را که به دور چهارم رسیده است حساس‌تر و تماشایی‌تر کرده است. باخت نوک جاکوویچ نفر اول رده‌بندی تنیس مردان جهان و برنده ۱۶ گراند اسلم از صربستان



نوک جاکوویچ

روز چهارشنبه به فلیپ کهل‌شرابیر تنیس‌باز ۳۵ ساله آلمانی با حساب ۶ بر ۴ و ۴ بر ۶ کاملاً غیرمنتظره بود. جاکوویچ که این روزها در ۳۱ سالگی به شرایط ایده‌آل بازگشته، مطلقاً انتظار نداشت به این زودی از دور این تورنمنت پر امتیاز حذف شود.

● باخت قهرمانان، پیروزی ستاره‌ها

در دنباله رقابت‌های تنیس استادان ایندیانا ولز در کالیفرنیا آمریکا، رافائل نادال نفر دوم رده‌بندی مردان جهان و دارنده عنوان قهرمانی ۱۷ گراند اسلم تنیس، روز دوشنبه تنیس‌باز آمریکایی دونالدسون را ۶ بر یک و ۶ بر یک مغلوب نمود. مسابقه بعدی نادال مقابل شوارتزمان خواهد بود.

نوک جاکوویچ نفر اول رده‌بندی تنیس مردان جهان از فراتا تلگو تنیس‌باز آمریکایی ۷ بر ۶ و ۶ بر ۲ برد. راجر فدرر قهرمان ۲۰ گراند اسلم و نفر هفتم رده‌بندی کنونی مردان از سوئیس، گوجو وزیک را ۶ بر یک و ۷ بر ۵ از دور مسابقه‌ها حذف کرد.

در قسمت دختران، گاربینه موگاروزا تنیس‌باز درشت قامت اسپانیایی در مقابل سرینا ویلیامز برنده ۲۳ گراند اسلم، ست نخست را ۶ بر ۳ پیروز شد و در دومین ست هنگامی که ماگاروزا یک ست برنده بود، سرینا به بازی ادامه نداد و بازنده اعلام گردید.

آنجلیک کربر تنیس‌باز آلمانی، ویخلیان تسوارا ۳ بر ۶، ۶ بر یک و ۶ بر ۳ از دور بازی‌ها خارج کرد. نتایج غیرمنتظره مسابقات تنیس استادان ایندیانا ولز، حذف نوک جاکوویچ، نومی اوزاکا و سیمونا هالپ نفرات برتر رده‌بندی پسران و دختران تنیس جهان و پیروزی راجر فدرر و رافائل نادال و بیانکا آندرسکو، این

در دومین دیدار لیگ قهرمانان آسیا، استقلال و پرسپولیس از آخر اول شدند



فرشید باقری دقیقه ۵۳ گل استقلال را با ضربه سر روی سانتر زیبای پاتوسی ای به ثمر رساند



پرواز علیپور برای زدن توپ در میان بازیکنان بلندقامت السد

برگزار شد. به گزارش «ورزش سه»، السد قطر که بعد از شکست در هفته اول امیدوار به دستیابی به امتیازات خانگی مقابل پرسپولیس بود، با وجود شکل دادن فرصت‌های مناسب در سد دفاعی شاگردان برانکو ایوانکوویچ گرفتار آمد. پرسپولیسی‌ها اما در خط هجومی شرایط مناسبی برای رسیدن به دروازه حریف یافتند که بازیکنان این تیم موقعیت را از دست داده و مانع از رقم خوردن نتیجه به سود خود شدند.

در نهایت نیز آنها با گل آفساید بغداد بونجاح به بدترین شکل ممکن مجازات شدند تا با تنها یک امتیاز در

بازیکنان استقلال (تاج) فرصت‌های زیاد گل‌زنی را روی واکنش‌های فوق‌العاده دروازه‌بان العین از دست دادند. آنها در وقت اضافه نیز گل زدند اما کمک‌داور به اشتباه گل سالم استقلال (تاج) را آفساید اعلام کرد. حدود ۷۰ هزار تماشاگر به امید برد تیم‌شان به استادیوم آمده بودند اما در روزی که استقلال (تاج) شایسته پیروزی بود تنها یک امتیاز گرفت. آنها نگران از سخت‌تر شدن صعود باید چشم‌انتظار بازی‌های آینده و اما و اگرها باشند. در گروه (C) این رقابت‌ها الهلال عربستان با شش امتیاز در صدر، الدحیل قطر با سه امتیاز سوم و العین

● پرسپولیس گل آفساید خورد و گل سالم استقلال آفساید اعلام شد.

ناکامی تیم‌های استقلال (تاج) و پرسپولیس در دومین بازی از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا همچنان ادامه پیدا کرد. تیم فوتبال استقلال (تاج) که در بازی اول خود در قطر با سه گل مغلوب الدحیل شده بود بسیار امیدوار بود که سه‌شنبه ۲۱ اسفند در تهران و با حمایت تماشاگران در یک بازی خانگی تیم العین امارات نایب قهرمان



محمود احمدی‌نژاد برای تماشای این بازی به استادیوم رفت ولی برخی از تماشاگران او را هو کردند



گروهی از زنان برای تماشای این مسابقه به استادیوم آمدند اما نیروی انتظامی از ورود آنها جلوگیری کرد

انتهای جدول جا گیرند و کار سختی برای تکرار موفقیت‌های خود در فصل گذشته پیش رو داشته باشند. دریافت گل در ثانیه‌های پایانی و بهت سنگین نیمکت‌نشینان این تیم و خصوصاً کریم باقری از تصاویر ویژه این بازی کاملاً حساس بود. در گروه (D) رقابت‌ها تیم پاختاکور ازبکستان با ۴ امتیاز در صدر، الاهلی عربستان و السد قطر ۳ امتیاز در جایگاه دوم و سوم و تیم پرسپولیس با یک امتیاز در رده آخر قرار گرفته‌اند. در بین تیم‌های ایرانی فقط ذوب آهن اصفهان است که در گروه خود با چهار امتیاز در رده دوم قرار دارد.

امارات و استقلال ایران در رده‌های سوم و چهارم قرار دارند. پرسپولیس باز هم گل آفساید خورد تیم فوتبال پرسپولیس با علیرضا بیرانوند، سیدجلال حسینی، شجاع خلیل‌زاده، مهدی شیری، محمد نادری، کمال کامیابی‌نیا، احمد نوراللهی، بشار رسن (۹۰-سروش رفیعی)، مهدی ترابی (۹۳-محمد حسینی)، ماریو بودیمیر (۸۸-سیامک نعمتی) و علی علیپور به مصاف السد قطر رفت. این دیدار در جاسم بن حمد دوحه و در حضور حدود ۱۲ هزار تماشاگر

جام باشگاه جهان را شکست دهد. استقلال با مهدی رحمتی، پژمان منتظری، روزبه چشمی، وریا غفوری (۷۹- محمد دانشگر)، میلاد زکی‌پور، علی کریمی، فرشید باقری، آیندا پاتوسی، فرشید اسماعیلی (۸۲- محسن کریمی)، اسماعیل گونسالوس و گادوین منشا (۷۳- همام طارق) در این دیدار به میدان رفت. با وجود بازی خوبی که شاگردان وینفرید شفر ارائه دادند و با وجود اینکه گل اول را استقلال (تاج) به ثمر رساند و موقعیت‌های زیادی برای گل‌های بیشتر داشت اما در واپسین دقیقه مسابقه گل تساوی را دریافت کردند.

اعتراض شدید رئیس سازمان بسیج به مسئولان فدراسیون ژیمناستیک



کند، ابتدا باید بررسی شود که نماینده اسرائیل در آن برنامه حضور نداشته باشد و اصولاً رئیس فدراسیون که نتواند اینگونه امور را مدیریت کند چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ او اضافه کرد: زهر اینچنین درگاهی، رئیس فدراسیون ژیمناستیک در تماس تلفنی که با هم داشتیم توضیح درستی به من نداد و فقط گفت: به وزارت ورزش و جوانان در این مورد توضیح داده است. محمدرضا داورزنی معاون وزارت ورزش هم گفته، حضور نمایندگان ایران در دوره‌های آموزشی کنار فرستادگان اسرائیل اشکالی ندارد. در حالی که اینگونه اظهار نظر در چنین مواردی قابل قبول نیست.

نظر ما این اتفاق محکوم است. وی تاکید کرد، اصولاً دبیر فدراسیون نباید در این جمع حضور می‌یافت و اینکه مسئولان فدراسیون ژیمناستیک افراد حاضر در این دوره را با دقت رصد نکرده‌اند بخشودنی نیست و نشاندهنده سوء تدبیر و سوء مدیریت مسئولان فدراسیون ژیمناستیک است. سردار تاکید کرد: هیچ فردی در هیچ قد و قواره‌ای نمی‌تواند در این موضوع اظهار نظر کند زیرا که چارچوب اصلی نظام بر این مبنا قرار دارد و همه ملزم به رعایت آن هستند. مدیران فدراسیون ژیمناستیک باید در این مورد تذکر جدی بگیرند. وی ادامه داد: وقتی کسی قرار می‌شود در دوره‌ای شرکت

رئیس سازمان بسیج ورزشکاران، رئیس فدراسیون ژیمناستیک ایران را به شدت مورد انتقاد قرار داده که چرا دبیر این فدراسیون را به یک دوره آموزشی که نماینده اسرائیل نیز حضور داشته اعزام کرده است. سردار داود آذرنوش گفته، شرکت دبیر فدراسیون ژیمناستیک در یک دوره آموزشی که نماینده اسرائیل هم حضور داشته خطای ناخوشودنی است. بخصوص آنکه حاضران در این کلاس عکس یادگاری هم گرفته‌اند. زهر اینچنین درگاهی رئیس فدراسیون ژیمناستیک در تماس تلفنی «توضیح درستی» به سردار آذرنوش نداد او گفت: این کار دبیر فدراسیون مطلقاً قابل چشم‌پوشی نیست و از

ازدواج کاپیتان‌های دختر و پسر سپاهان



حسین پای



الهام فرهنگند

بود. او در بهترین سال‌های سپاهان در این باشگاه عضویت داشت. نام عروس، الهام فرهنگند است که سه سال سابقه عضویت در تیم ملی فوتبال بانوان ایران را دارد. الهام همراه تیم آینده سازان قهرمان لیگ باشگاه‌های دختران ایران شده است و کاپیتان این تیم نیز بوده است.

کاپیتان تیم‌های فوتبال مردان و زنان باشگاه سپاهان روز جمعه این هفته در شهر اصفهان پای سفره عقد نشسته و پیوند زناشویی بستند. داماد، حسین پای از سابقه ترین بازیکنان تیم سپاهان است که نزدیک به ۱۸ سال برای این تیم بازی کرده و در سال‌های آخر نیز کاپیتان این تیم

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۱۱)

(کیهان لندن شماره ۱۲۹۲)

احمد احرار

باز نشر

فرمانده نظامی کودتا سر تپ ریضاخان بود و کارگردان سیاسی آن - که دولت جدید را پس از ورود قزاقها به تهران تشکیل داد - سید ضیاءالدین طباطبائی.

درباره کودتا و مقدمات و موجبات آن بسیاری مطالب، و اغلب ناقص و نقیض یکدیگر، گفته و نوشته‌اند. سید ضیاءالدین شخصاً در گفت و گو با سید محمدعلی جمال‌زاده روایتی به دست داده که حاوی نکات و اطلاعات قابل توجهی است و می‌توان به‌عنوان یک سند معتبر از آن یاد کرد.

در ذیل می‌آید بنا به تقریر ایشان در دفتر یادداشت‌هایم تحریر شده است. در سال ۱۹۲۰ که از طرف وثوق‌الدوله مأمور بستن عهدنامه با دولت جدید آذربایجان (شوروی) شدم و همین کاظمی (مهدب‌الدوله، سید باقر) منشی مخصوص من بود و شاهزاده جلال میرزا هم بود، کاظم خان (کلنل) کاظم سیاح) هم آتاشه میلیترم بود. این کاظم خان را مدتی بود که می‌شناختم چون چند سال قبل با برادرش دکتر استوار و پروفیسور حسن خان هندی در تهران خیلی خیلی نزدیک بودیم و قرار



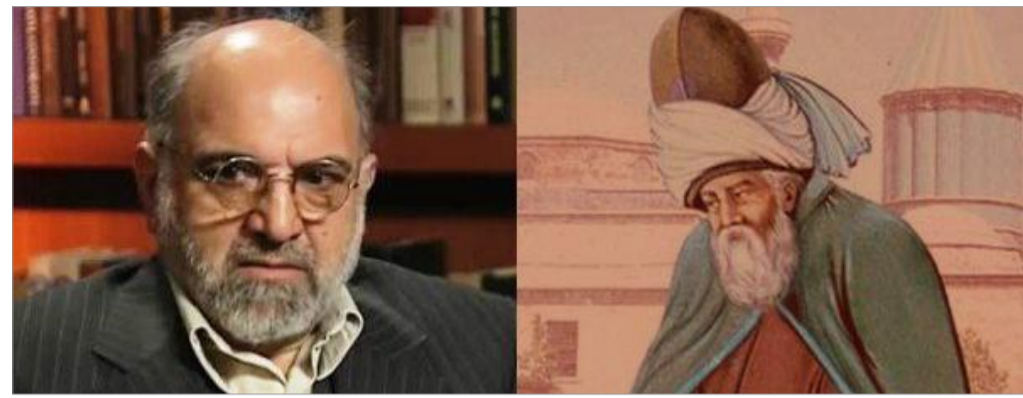
محمدعلی جمال‌زاده

گذاشته بودیم که برحسب پیشنهاد میرزا حسن خان هر سه نفر با هم به ژاپن برویم و در آنجا کمیته انقلاب آسیایی تأسیس کنیم. دکتر به‌عنوان طبیب و میرزا حسن خان به‌عنوان معلم و من هم به‌عنوان نویسنده و کارچاق کن آنها. ولی سفارت انگلیس از دولت ایران در همان اوقات تسلیم میرزا حسن خان را خواست و ما مجبور شدیم او را فرار بدهیم و خود من هم چندی بعد به پاریس رفتم و درس می‌خواندم. یک روز صبح دیدم

جمال‌زاده، که همکار نزدیک تقی‌زاده در تدوین و انتشار «کاو» بود دیگر به ایران بازنگشت و با همسر آلمانی خود خاطرات می‌نویسد: «در همان اوقاتی که آقا سید ضیاءالدین طباطبائی هنوز در سوئیس بودند و هنوز به فلسطین (در زمان سلطنت رضاشاه) و از آنجا به ایران (در سالهای بعد از شهریور ۲۰ و اوایل سلطنت محمدرضاشاه) نرفته بودند شبی از تریته (شهر کوچکی در کنار دریاچه لمان) به ژنو آمدند و به منزل ما تشریف‌فرما شدند و اوراقی به من نشان دادند و گفتند تصمیم گرفته‌ام خاطرات خود را درباره کودتا و وقایعی که پس از کودتا رخ داد بنویسم و چون هموطنانم دولت مرا «دولت سیاه» خوانده‌اند خیال دارم به این کتاب عنوان کتاب سیاه بدهم».

دولت کوتاه‌مدت سید ضیاءالدین را همان‌طور که خودش اشاره می‌کند مخالفان او «کابینه سیاه» لقب داده بودند و سقوط آن را جشن گرفتند در حالی که این کابینه در بین اهل شعر و اهل قلم موافقانی هم داشت، از آن جمله عارف قزوینی که تصنیف او در تأسف از رفتن سید و آرزوی بازآمدن شهرت یافت و بر سر زبانها افتاد:

تأملات بهنگام؛ راه حل مولانا برای علاج مدهوشی دباغان



● مولوی در دفتر چهارم «مثنوی معنوی»، حکایت از مرد دباغی می‌کند که گذارش به بازار عطر فروشان می‌افتد و از بوی خوش آن مکان از هوش می‌رود. علت بیهوشی دباغ، انس و عادت او به بوی گند و عفونت کارگاه دباغی و دوری و نرفتن از عطر و بوی خوش است!

شد که یادی از این جماعت در این مطلب بیاید، ضرورت نقل قول از یکی از آنهاست که گفته‌اش در عین عامیانه بودن، زبینه‌های احوال برخی خواص از جمله عبدالکریم سروش است.

روزی در همان ایام که ذکر آن رفت، نگارنده بنا به مقتضای سمتی که در شرکت کدایی داشت، در مزارع‌های میان دو نفر از کارگزاران شرکت، مجبور به داوری شد. این هر دو که از سابقون طایفه‌ی بنی‌هندل بودند، ضمن شرح ماجرای اختلافشان، یکدیگر را از نعمت دریافت فحش بی‌نصیب نمی‌گذاشتند

و در این راه هیچ امساک هم به خرج نمی‌دادند. وقتی کار از حد گذشت، صاحب این صفحه‌کلید به هر دو طرف دعوا تذکر داد که دشنام و ناسزا فضای مجازی منتشر شد - اهل نظر، مقالات و جوابیه‌های بسیار نوشته‌اند و هر یک از چشم‌انداز خود، این کاسب دکان معنویت را نواخته‌اند.

بیشتر این مقالات و جوابیه‌ها، نقد آن بخش از تراوشات ذهن «دکتر سروش» است که درباره وسعت سواد خمینی ایراد شده‌اند. صاحب‌نظران اغلب از مسائل پایین‌تنه‌ای و مفرح توضیح‌المسائل خمینی و شاهد مثال آوردن از سخنرانی‌های علمی و عمیق امام راحل، به درفشانی‌های شیخ عبدالکریم پاسخ‌های دندان‌شکن داده‌اند تا این حقیقت روشن‌تر از روز را به او ثابت کنند که خمینی نه تنها از فرط بی‌سوادی فرق میان گاو میش و کمانچه را نمی‌دانسته، بلکه ذهنی منحرف و بیمار هم داشته است. این مقالات و جوابیه‌ها، هر چند در نفس خود ارزشمند و روشنگر هستند اما به گمان نگارنده «حق مطلب» را در باب

یادآوری‌های اخیر سروش اذانی می‌کنند. نویسنده‌ی این سطور، هر چند همواره سروش را انسانی تباه می‌انگاشت اما تا پیش از این درفشانی متاخر، او را تا این حد بیگانه با خرد تصور نمی‌کرد. نشان آن نشان که نگارنده حدود دو سال پیش، در باب فیلم مستند منحنط و تبلیغاتی بی‌بی‌سی فارسی درباره عبدالکریم سروش، مقاله‌ای جدی و نقدانه نوشت که در کیهان لندن منتشر شد. از آن زمان تا کنون، سرعت سقوط سروش و حجم مهمل بافی‌های او، به مدد فضای مجازی و منبرهای خانگی چنان سیر صعودی گرفته که دیگر نمی‌شود او و فرقه‌ی هوادارش را جدی گرفت و در نقدشان به جد مطلبی نوشت. بنابراین و با این اوصاف، باید «حق مطلب» را به گونه‌ای دیگر درباره‌ی او ادا کرد. برای اینکه روشن شود غرض نگارنده از «حق مطلب» چیست، باید به اختصار خاطراتی نقل کنم.

در باب «حق مطلب»

قریب به پانزده سال پیش، صاحب این صفحه‌کلید در ابرشهر تهران کارآموز و کالت دادگستری بود. در همان ایام بود که چند صبحی به عنوان مشاور حقوقی گذارش به یک شرکت خصوصی افتاد که عمده مواجب‌گیرانش را طایفه‌ی بنی‌هندل و اصحاب کلچ و دنده تشکیل می‌دادند. بر ارباب تجربه پوشیده نیست که این جماعت خردفرهنگی را نمایندگی می‌کنند که بیانی متفاوت از عموم جامعه دارد. زینت کلام بسیاری از این طایفه در مرادات داخلی‌شان فحش‌های آبتکشیده و چارواداری است و میان خودشان، از باب تحجیب هم که شده، همدیگر را با صفات و القای رکیب خطاب می‌کنند.

حضور پاره‌وقت نگارنده در جمع این طایفه، سرشار از اتفاقات مضحک و گاهی عجیب بود که ذکر آنها در مجال این چند سطر نیست. آنچه اما باعث

یوسف مصدقی - این روزها، پس از انتشار بیانات اخیر عبدالکریم سروش (حسین حاج‌فرج‌الله دباغ) - که از منبر به‌اصطلاح «مدرسه مولانا» صادر و در فضای مجازی منتشر شد - اهل نظر، مقالات و جوابیه‌های بسیار نوشته‌اند و هر یک از چشم‌انداز خود، این کاسب دکان معنویت را نواخته‌اند.

بیشتر این مقالات و جوابیه‌ها، نقد آن بخش از تراوشات ذهن «دکتر سروش» است که درباره وسعت سواد خمینی ایراد شده‌اند. صاحب‌نظران اغلب از مسائل پایین‌تنه‌ای و مفرح توضیح‌المسائل خمینی و شاهد مثال آوردن از سخنرانی‌های علمی و عمیق امام راحل، به درفشانی‌های شیخ عبدالکریم پاسخ‌های دندان‌شکن داده‌اند تا این حقیقت روشن‌تر از روز را به او ثابت کنند که خمینی نه تنها از فرط بی‌سوادی فرق میان گاو میش و کمانچه را نمی‌دانسته، بلکه ذهنی منحرف و بیمار هم داشته است. این مقالات و جوابیه‌ها، هر چند در نفس خود ارزشمند و روشنگر هستند اما به گمان نگارنده «حق مطلب» را در باب

یادآوری‌های اخیر سروش اذانی می‌کنند. نویسنده‌ی این سطور، هر چند همواره سروش را انسانی تباه می‌انگاشت اما تا پیش از این درفشانی متاخر، او را تا این حد بیگانه با خرد تصور نمی‌کرد. نشان آن نشان که نگارنده حدود دو سال پیش، در باب فیلم مستند منحنط و تبلیغاتی بی‌بی‌سی فارسی درباره عبدالکریم سروش، مقاله‌ای جدی و نقدانه نوشت که در کیهان لندن منتشر شد. از آن زمان تا کنون، سرعت سقوط سروش و حجم مهمل بافی‌های او، به مدد فضای مجازی و منبرهای خانگی چنان سیر صعودی گرفته که دیگر نمی‌شود او و فرقه‌ی هوادارش را جدی گرفت و در نقدشان به جد مطلبی نوشت. بنابراین و با این اوصاف، باید «حق مطلب» را به گونه‌ای دیگر درباره‌ی او ادا کرد. برای اینکه روشن شود غرض نگارنده از «حق مطلب» چیست، باید به اختصار خاطراتی نقل کنم.

در مدام مرد دباغ است. پس، برادر دباغ پیش می‌آید و قدری سرگین سگ که در آستین پنهان کرده را زیر بینی دباغ مدهوش گرفته و او را به هوش می‌آورد: **هم از آن سرگین سگ داروی اوست که بدان او را همی معتاد و خوست** امثال حسین حاج‌فرج‌الله دباغ همچون دباغ قصه‌ی مولانا، نه تنها در باطن خود به بوی گند و عفونت انقلاب اسلامی دل بسته‌اند، بلکه معاش‌شان وابسته به گنداب و منبع این عفونت است. اگر فرقه تبهکار اشغالگر ایران ور بیفتد، دیگر نه هیچ بنیاد و دانشگاهی در غرب پول مفت و فرصت مطالعاتی فره تقدیم سروش و امثال او می‌کند تا هذیان‌هایی از قماش «وجه رحمانی اسلام» و «روشنگری دینی» را برای مشتی لایشعر نشخوار کنند و نه عقلای داخل کشور اجازه خواهند داد که این رمال معنویت دوباره بسط‌اش را در دانشگاه‌های ایران پهن کند. هم

چون نیک بنگریم، در تاریخ ادبیات فارسی، بسیاری از بزرگان فرهنگ ایرانی نیز در مواردی برای ادای حق مطلب، دست به دامن سرودن هجویه و نوشتن هزلیات شده‌اند تا خشم و رنجی را که در بیان متداول و معمول امکان بروز ندارد، به مدد هجو و هزل بیان کنند. از شیخ اجل سعدی تا مولانا عبید زاکانی، از سوزنی سمرقندی تا ایرج میرزا و ذبیح بهروز، بسیاری از اهل ادب و دانش ایران‌زمین، هرگاه از بیان حقیقت به زبان جد خسته شدند، زبان به هجو و هزل کسائی گشودند که تیره‌روانی خود را با زهد ریایی و نعل وارونه زدن، بزک می‌کردند. سخنان اخیر سروش، حجت را بر اهل خرد تمام کرد که او نیز از جمله همان تیره‌روانان ریاکار است و حق مطلب درباره‌ی او، تنها با هجو او ادا خواهد شد.

ابیات زیر را حدود صد سال پیش، زنده‌یاد ذبیح بهروز در هجو شخصی به مراتب بهتر از عبدالکریم سروش سروده است. برای حسن ختام، نقل بخشی از این هجویه خالی از لطف نیست:

گراز وی بپرسی که آلو، چه رنگ است؟ به قدری زنده‌ور که گردی پشیمان و یا اینکه پرسی تو اهل کجایی؟ کتابی بخواند چو تفسیر قرآن که اصلم چنین بود و فطلم چنان است عرب اینچنین گفته و فرس آنسان خلاصه یی هر سؤالی جوابی تراشد ز کذب و بی‌افاد ز بهتان همی گفت حل کرده‌ام آن مسائل که شیخ بهایی فهمیده بود آن غلط گیرد از گفته‌ی این سینا از آن رو که بوده ز اتباع یونان ز مهمل بسی گفته بر هم بی‌افاد به نام آن حکمت و علم عرفان - به تفسیر روح و به تعبیر «ثم» او بلاید دو صد گفته‌های پریشان دو صد اسم گوید که انسان نداند دو صد شعر سازد معما و چستان تو را «جیحکی» هجو کردن نخواهد که هجو خودی خود توای شیخ نادان*

*نقل شده از بخشی از مطایبات و هزلیات ذبیح بهروز با عنوان «هرات‌السرائر» و افتتاح‌الضامیر، نسخه برداری شده از دستنویس آقای اصلاص غفاری به تاریخ ماه ۱۳۵۳. صص ۹-۱۰.

گویا، «جیحکی» تخلص شعری ذبیح بهروز در اشعار طنز آمیز او بوده است. ذبیح بهروز از بزرگان دانش و فرهنگ ایران انتهای دوره قاجار و عصر پهلوی است. او منجم و ریاضیدانی برجسته و ایران‌شناسی وطن‌دوست بود. دانشمندی بود جامع‌الاطراف و مستقل. با اینکه مدتی در دانشگاه کمبریج دستیار ادوارد براون (ایران‌شناس نامی و مؤلف «تاریخ ادبیات ایران») بود، ولی از او برید و به منتقد سفت و سخت روش شرق‌شناسان فرنگی مبدل شد. بهروز نظامی نبود اما مدت‌ها استاد ریاضیات در دانشکده هوپیمایی و رئیس کتابخانه باشگاه افسران بود. طراحی بونیرم گارد جاویدان و بسیاری از نشان‌های دوران پهلوی، با مشورت و نظر او و با الهام از تاریخ ایران باستان انجام گرفت. بسیاری از واژگان رایج در علوم نظامی به کار می‌رود، به کوشش ذبیح بهروز ساخته شده یا دوباره در زبان فارسی رواج یافته‌اند.



کابینه سید ضیاءالدین طباطبائی

کسی با لگد به در می‌زند و معلوم شد دکتر است. آمد و گفت پیرم از من خواسته است که در نظمییه یا او کار کنم و بنابراین به ایران برمی‌گردم و برای بعضی کارها به پاریس آمده‌ام و می‌دانم که در مراجعت به ایران کس نام خواهم شد. از شما استدعا دارم دو برادر کوچک مرا که در استانبول در مدرسه نظامی هستند نگهداری کنید. بعدها، وقتی به ایران مراجعت می‌کردم این دو برادر را در استانبول دیدم. کوچک بودند. در برگشت به ایران و پیش آمدن جنگ (جهانی اول) کاظم و علی هر دو وارد قشون عثمانی شده بودند و در فورت بغداد جنگ می‌کردند. کاظم خیلی شجاعت کرده بود و دو بار از خط روسها در همدان و آن طرفها گذشته و برای بعضی مأموریت‌ها به تهران رسیده بود و به خواهرش عیال دکتر منوچهرخان گفته بود که این سید ضیاءالدین خادم روسهاست و اگر دستم می‌رسید او را می‌کشتم. در مراجعت به بغداد، در موقع جنگ و زد و خوردی که انگلیسی‌ها غالب شده و ترکها تسلیم شده بودند به او خبر رسید که برادرش علی گلوله خورده و کشته شده است. بنابراین با افرادش جلو رفته و اسیر شده بود. عاقبت او را به هندوستان برده بودند. من در تهران باه وثوق‌الدوله صحبت کردم و کاظم را به تهران آوردند ولی مشکل بود که برای او کاری پیدا کرد. عاقبت من کاری در ژاندارمری برای او پیدا کردم و همین

ای لطف حق پشت و پناهن، باز آ چشم آروموند نگاهت، باز آ وی توده ملت سپاهت، باز آ قربان کابینه سیاهت باز آ... به سخن جمال‌زاده بازگردیم و خاطرات سید ضیاءالدین: «گفتند مقداری از آن را هم تا کنون نوشته‌ام و آورده‌ام به تو نشان بدهم. با اظهار مسرت و امتنان استدعا کردم اوراق را به من بپسارند تا سر فرصت مطالعه کنم و اگر نظری داشته باشم بعداً به‌عرض برسنام ولی مانند همیشه صبر و حوصله نداشت و می‌خواست هر چه زودتر کار انجام یابد و فرار شد که خود ایشان در همان مجلس آنچه را نوشته و به‌روی کاغذ آورده‌اند بخوانند و در حقیقت تقریر و «دیگته» کنند و من تند و تیز به‌صورت یادداشت برای خودم بنویسم. دفتر یادداشت‌م حاضر بود و دست به‌کار شدیم. چندی پس از آن سید از سوئیس به‌دعوت مفتی فلسطین بدانجا مسافرت کرد و از فلسطین هم به ایران رفت و تا جایی که بر من معلوم است «کتاب سیاه» به‌چاپ نرسید و هیچ نمی‌دانم آیا نسخه آن در جایی مانده است یا نه...»

یادداشت‌های جمال‌زاده و تقریرات سید ضیاءالدین بدین گونه آغاز می‌شود:

«دیشب، دوشنبه بیستم ماه مه ۱۹۳۵ میلادی، آقای آقا سید ضیاءالدین در ژنو به منزل ما آمدند و صحبت از کودتا به میان آمد و آنچه

ما که می خواستیم زمین را مهربان کنیم، خود نتوانستیم مهربان باشیم

با «بهار» وداع کردیم زیرا در آنجا کرامت انسانی ارزشی نداشت!

را آزادانه مطرح کنم. با انتشار روزنامه جامعه، فضایی در عرصه مطبوعات به وجود آمد که حرفهایی را که نمی شد در رادیو و تلویزیون بزنیم، می توانستیم در روزنامه ها مطرح کنیم. اولین نوشته ام در روزنامه جامعه منتشر شد. مقاله ای درباره حقوق بشر بود. وقتی آقای عبدالله نوری روزنامه اش، خرداد را منتشر کرد مطالبم را به آنجا دادم. یادداشت ها و مقاله هایی که گاهی در صفحه سیاسی منتشر می شد و گاه در صفحه بین الملل. ابتدا به صورت پاره وقت با آنها همکاری می کردم. بعدها این همکاری تبدیل به تمام وقت شد. تمام وقتم را در خرداد می گذراندم. از صبح تا شب آنجا بودم. خرداد که تعطیل شد، فعالیت روزنامه نگاری ام را در «فتح» ادامه دادم. مدتی هم دبیر گروه سیاسی آفتاب امروز بودم و بعد...

سرش را پایین انداخت و سکوت کرد. من هم سکوت کردم. فکر کردم دارد فکر می کند تا جمله اش را کامل کند. سکوت که طولانی شد، گفت: - همین دیگر... بعدش را هم که خودتان می دانید. دیگر چه بگویم؟ - بعد از «فتح» چه کردید؟ - بعدش هم روزنامه ها را تعطیل کردند و من بیکار شدم.

- آقای کرمی! گفتید از بد حادثه روزنامه نگار شدید. چرا این حرف را زدید؟ از این که وارد این عرصه شدید پشیمانید؟ - نه! نه!... اصلا پشیمان نیستم. روزنامه نگاری بخشی از زندگی من است. اتفاقا بخش مهمی از زندگی ام هم هست. چرا باید پشیمان باشم؟ روزنامه عرصه ای است که هم با سیاست در ارتباط است و هم با فرهنگ. کمتر جایی را پیدا می کنید که این هر دو ویژگی را با هم داشته باشد.

- در ابتدای حرف هایتان گفتید چون نمی توانستید از طریق صدا و سیما حرف هایتان را بزنید به سراغ روزنامه نگاری رفتید. آیا معنایش این است که فقط به دنبال یک تریبون می گشتید و اگر تریبون بهتری از مطبوعات پیدا می کردید، ممکن بود اصلا روزنامه نگار نشوید؟

با همان خنده خجالتی اش گفت: - خانم بنی یعقوب! قرار نبود سئوال های سخت بپرسید و ما را اذیت کنید. من که کرباسچی نیستم که با سئوال های سخت مرا بیچانی.

- راحت باشید دوست عزیز! من اصلا قصد اذیت کردن شما را ندارم. من فقط سئوالی را که در ذهنم نقش بست بر زبان آوردم.

- مطبوعات رسانه هستند و رسانه یعنی یک ارتباط دو سویه. در واقع مطبوعات به عنوان یکی از ارکان جامعه مدنی این وظیفه را دارد که هم مطالبات مخاطبان خود را به سطوح قدرت منتقل کند و هم اطلاعاتی را از سطوح قدرت به مردم منتقل کند. مطبوعات به عنوان رکن چهارم چنین وظیفه ای دارد. مهم انجام این رسالت و رساندن پیام است. حالا ممکن است بهترین وسیله آن گاه مطبوعات باشد و گاه رسانه ای دیگر. من در صدا و سیما به عنوان کارشناس سیاست و حکومت آمریکا مشغول به کار بودم. احساس من همیشه این بود که در زمینه شناخت سیاست های آمریکا و تنظیم دیپلماسی مان نسبت به این کشور دچار کاستی های زیادی هستیم.

مردم حق دارند که از سیاست های آمریکا نسبت به خودشان مطلع باشند و دیپلماسی کشورشان را در برابر آن بشناسند. من که هم دغدغه این را داشتم که در این باره به مردم اطلاعات کافی بدهم و هم دغدغه منافع ملی مان را، قلم برداشتم تا به نیازهای مردم برای دانستن پاسخ بدهم. البته روزنامه خودش آنقدر جاذبه دارد که سوازی همه اینها دوست داشتنی باشد. من روزنامه نگاری را دوست دارم. خیلی هم دوست دارم.

تأسف من هرگز کافی نخواهد بود که نمی توانم حس عمیقی را که در واژه های مهران کرمی جاری بود به شما منتقل کنم. شما باید صدای آرام او را شنیدید تا می فهمیدید با همه سکوت و کم حرفی اش چقدر احساس و هیجان در جمله هایش وجود دارد.

«دنیاله دارد»



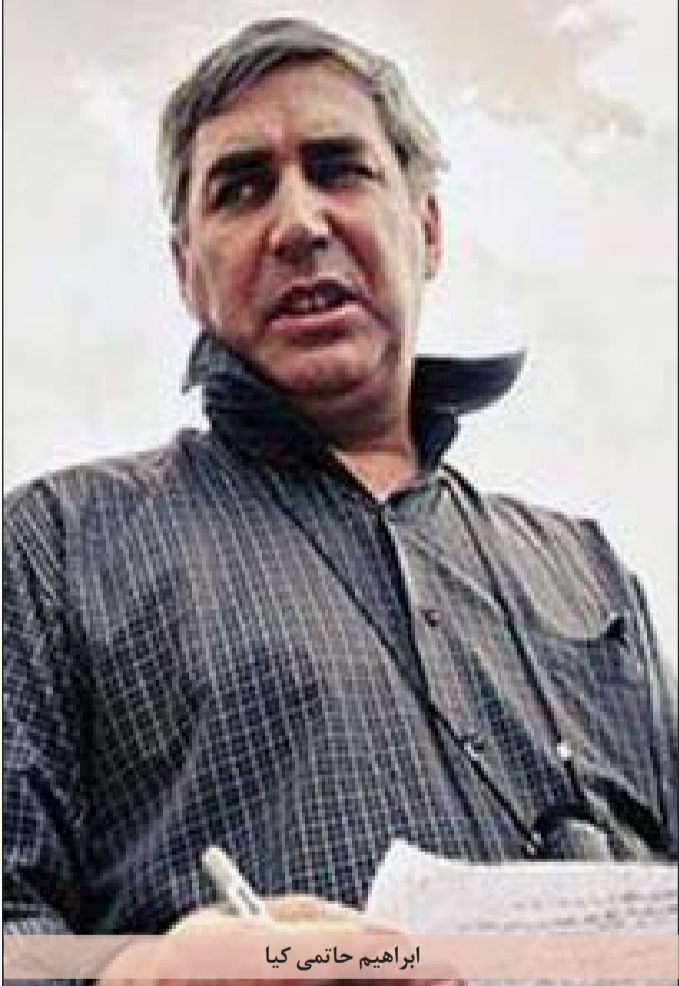
کمرویی شهرستانی اش را هنوز حفظ کرده است. مصاحبه کردن با او خیلی سخت بود. با آن سادگی و سکوتش جانم را به لب رساند تا به سئوالاتم پاسخ داد. هرچه بیشتر سعی کردم خودم را با او صمیمی نشان بدهم تا راحت حرف بزند، کمتر فایده داشت. شاید ضبط صوتم او را ناراحت می کرد. وقتی از اوضاع و احوالش پرسیدم، فقط گفت: «خیلی ممنون».

با این سئوال می خواستم سر صحبت را باز کنم. اما این سئوال به کمک من نیامد. یک کلمه گفت و سکوت کرد. من هم سکوت کردم. انگار کمرویی او روی من هم اثر گذاشته بود. من و من کردم و گفتم: - آقای کرمی! خیلی خوشحالم که با شما مصاحبه می کنم.

- من هم خوشحالم اما فکر نمی کنم حرف به درد بخوری برای شما داشته

با صد دروغ و افسوس از روزنامه های تعطیل شده حرف زد و بعد هم به بهار رسید و گفت: - اگر من مستندساز بودم حتما از تلاش این بچه ها که در شرایطی به این دشواری روزنامه منتشر می کنند، فیلم می ساختم. چند روز پیش به یکی - دو نفر از دوستان مستندسازم تلفن کردم و گفتم بیاید از این بچه ها که در یک مکان تنگ و تاریک، در یک زیرزمین، روزنامه شان را منتشر می کنند فیلم بگیرید.

اشاره حاتمی کیا به بخش حرفه جینی و صفحه بندی روزنامه بهار بود که در یک زیرزمین کوچک و تاریک واقع بود و بچه های بهار با مشقت زیاد در آن کار می کردند. *** امروز آنچه از بهار در ذهنم مانده، فقط خاطره روابط غیر انسانی و



ابراهیم حاتمی کیا

مناسبات ناصحیح نیست. من هرگز زحمت های بی دریغ کسانی را که در آن شرایط سخت از جان و دل مایه گذاشتند تا چراغ مطبوعات خاموش نشود، از یاد نخواهم برد. افرادی همچون سعید رضوی فقیه، داود محمدی، سعید درودی، کسرا نوری و... آنها به نوبه خود قهرمان بودند. «رومن رولان» می گفت: «قهرمان آن کسی است که همان چیزی را که از دستش بر می آید انجام دهد. دیگران همین را انجام نمی دهند».

از بد حادثه! مهران کرمی از در وارد شد و روی یک صندلی نشست. بان چهره نجیب و خنده خجالتی اش.

اشاره

این روزها که یورش بزرگ برای پایان دادن به حیات مطبوعات نیمه مستقل (آخرین بازماندگان روزنامه های دوم خردادی) جریان دارد، رجننامه «روزنامه نگاران» به قلم ژیلای بنی یعقوب همچون آئینه ایست بازتاب دهنده سینۀ زخمین و دل های خونین قلم به دستان در ایران به اصطلاح اسلامی.

از دولت احمدی نژاد البته جز این انتظاری نیست. دریغ که در دولت «اصلاح طلبان» نیز مطبوعات و مطبوعاتیان مشمول ضرب المثل معروف بودند: مرغی که در عزا و عروسی سرش را می برند!

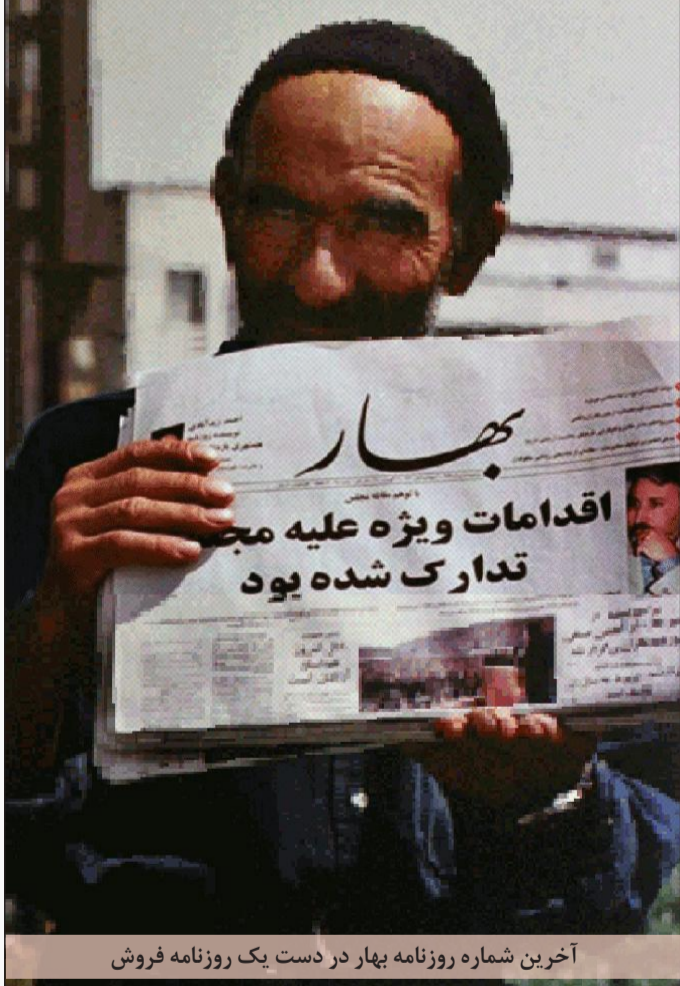
کتاب «روزنامه نگاران» چاپ تهران، نشر «روزنگار» است.

او نیست؟ تصمیم شما چه تفاوتی با تصمیم کسانی دارد که یک شبه تعداد زیادی روزنامه را توقیف کردند. هر دو ریشه در یک نوع طرز تفکر دارد.

- حقیق بود. خبرنگار حق ندارد از این کارها بکند.

- شما می توانستید جور دیگری او را تنبیه کنید. مثلا می توانستید حقوق پانزده روزش را ندهید. اگر خیلی عصبانی بودید و این مجازات را ناکافی می دانستید، می توانستید حقوق یک ماهش را ندهید. آخر چرا اخراجش کردید؟ از همه اینها گذشته آیا شیوه بهتری برای اخراجش وجود نداشت؟ مثلا نمی شد او را به اتاق سردبیری صدا کنید و بگویید به دلیل تخلفی که کرده، از ادامه همکاری با او معذوری؟

چند روز بعد، آقای سین، سراغ یکی از خبرنگاران گروه اجتماعی را گرفت.



آخرین شماره روزنامه بهار در دست یک روزنامه فروش

دختر جوانی که به دلیل بیماری دو روز بود به روزنامه نیامده بود. یکی از همکاران به سین یادآور شد که او بیمار است. سین گفت: «به او از طرف من بگویند حالا که دو روز نیامده، لازم نیست بعد از این هم بیاید».

خبرنگاری که پیام را برای آن خبرنگار برده بود، فردا پیامی از طرف او برای آقای سین آورد. - خانم... گفت بهتان بگویم او به دعوت شما نیامده بود که به حرف شما برود. چند دقیقه بعد، آقای میم، خبرنگاری را که پیام آقای سین را به همکارش رسانده بود به گوشه ای فراخواند و گفت: - شنیده ام که باعث ناراحتی آقای شده ای. همین حالا کیفیت را

عجیب آدمهای اطرافم تغییر کرده بودند. این تغییر بیشتر از همه در کسانی مشهود بود که قدرت تثبیت و یا برکناری اعضای تحریریه را داشتند. دو نفر از افرادی را که این اختیار را داشتند در اینجا «آقای میم» و «آقای سین» نامیده ام. آنها حتی آهنگ صدایشان تغییر کرده بود. لحنشان خشک و نامهربان شده بود.

آن روزها روزنامه نگاران زیادی بیکار بودند و همه شان هم در انتظار کار. بعضی وقتها «میم» و «سین» جوری به بچه های تحریریه نگاه می کردند که انگار به خود می گفتند «هر لحظه اراده کنیم می توانیم هر کدام را که بخواهیم اخراج کنیم و کسانی را که دوست داریم جایگزین کنیم. چه فراوان است خبرنگاران... خبرنگارانی که چه بسا حاضرند با حقوق کمتری برای ما کار کنند».

کسانی که تا دیروز با اصرار زیاد از دوستانشان دعوت به همکاری می کردند و مراقب بودند آنها را نرنجانند. حالا با کوچکترین بهانه ای به همراهان دیروزشان می گفتند: «خدا حافظ، روزنامه دیگر نیازی به شما ندارد».

بعضی ها به خاطر این که دچار این سرنوشت نشوند، وقت و بی وقت دست بر سینه می گذاشتند و چاپلوسی می کردند. «آقای میم» و «آقای سین» را می کردند. شما چرا به صفحه بندی می روید؟ تیرها را بدهید من ببرم.

- میز من را به میز شما جسدانده ام تا هر لحظه که کاری داشتید آماده خدمتگزاری باشم. بعضی های دیگر هم به بدگویی از کسانی می پرداختند که «آقای میم» و «آقای سین» دل خوشی از آنها نداشتند.

... آه! بچه ها! ما فقط برای این به دنیا نیامده ایم که حتما و به هر قیمت در یک روزنامه کار کنیم. بچه ها! ما فقط برای این زندگی نمی کنیم که هر جور شده نامان در یک روزنامه چاپ شود. تا دوستان و آشنایان آن را بخوانند و از ما تعریف کنند، تا ما احساس کنیم هر لحظه داریم بزرگ و بزرگتر می شویم.

و کسانی هم غمگین از آنچه در بهار می گذشت هر روز بیشتر از پیش در خود فرو می رفتند و بدون هیچ شور و شوقی کار می کردند. اثری از زنده دلی و نشاط در تحریریه دیده نمی شد. ***

یک روز یکی از خبرنگاران سرویس سیاسی موقع ورودش به «بهار» با ممانعت نگهبان در ورودی مواجه می شود که اجازه نمی دهد وارد روزنامه شود.

- ببخشید! شما حق ندارید وارد روزنامه شوید. فکر کنم شما تازه به اینجا آمده اید که مرا نمی شناسید. من خبرنگار سرویس سیاسی هستم.

- من شما را می شناسم. خیلی هم می بخشید که نمی توانم راهتان بدهم. اما به من گفته اند که شما را به داخل روزنامه راه ندهم. واقعا معذرت می خواهم. مرا ببخشید. من چاره ای ندارم.

- چه کسی به شما گفته مرا راه ندهید؟ - آقای... همین امروز صبح به من گفت.

خبرنگار ناگهان عرق کرد. پاهایش سست شد و چشم هایش سیاهی رفت. دستش را به دیوار گرفت تا تعادلش به هم نخورد و نقش زمین نشود.

از میم پرسیدم: «چرا خبرنگار سرویس سیاسی را امروز به داخل روزنامه راه ندادید؟» - دیروز به جای این که برای تهیه خبر به حوزه خبری اش برود، برای شرکت در کلاس درس به دانشکده اش رفته بود.

این کار او یک نوع بی نظمی تلقی می شود و باید هم تنبیه می شد. اما آیا فکر نمی کنید مجازات در نظر گرفته شده متناسب با جرمش نبود... هر بار که روزنامه ای را توقیف کردند فریاد زدیم: بستن یک روزنامه به منزله اعدام یک روزنامه است. آیا اخراج یک روزنامه نگار شدیدترین مجازات برای

تقدیم به حاج عبدالکریم سروش دباغ

محمد رضا عالی پیام (هالو)



یافت سوراخی، دعا را کرده توش چون نمک بر زخم مردم کرده است نیست مشکل این چنین شلتاق‌ها مردم اندر حسرت فهم درست در تعجب مانده‌ام از این قیاس یا نخواندی بیت زیر از مولوی:
نی ز راه دفتر و نی قیل و قال
ای کریم ناز عبدل دار من خود کلاه خویش را قاضی کنی بعد از آن این طُرّهات آغاز کن با دو پا جای بزرگان جسته‌ای مملکت داری شیخان خوب بود رفته‌ای از این مدینه فاصله



خیز و برگرد و بیا در کشورت کن تنفس در هوای این بهشت ای سروش نان به نرخ روز خور کشورت برگرد تا با چشم خویش تا ببینی در صف مرغ و شکر مزد یک هفته حقوق کارگر تا ببینی کودکان کار را آن زباله‌گردهای بی‌نوا این طرف فقر و فغان بی‌قیاس این طرف سرمایه از کف داده‌ها هیچ دیدی یا شنیدی ای برار بعد از آن یک سر به زندان‌ها بزن این همه اندیشمندان بیست را جرمشان: آزادخواهی، انتقاد آن سواد را که کردی ادعا مردک دباغ، آقای سروش دور ایران عزیزم را بگرد تا ببینی پشت ملت دشمنه را یک نظر درای هامون را ببین آن سواد فقهی ناز ملس سوی دریای ارومیه بکوش هیچ آیا از خودت کردی سوال بعد از این ایرادهای وارده شد اگر گوشی تو روزی خراب یا اگر اسپهال یابد بجهات یا اگر ماشین تو شد آش و لاش شیر حمامت اگر چک چک کند طایرت را از برای پنجری از برای زایمان خانمت یا کلید خانه گم کردی اگر قند خون تو اگر باشد زیاد یا فشارت رفت اگر بالا کمی زیپ شلوارت اگر روزی شکافت گوش شیطان کر، اگر گشتی کچل تا که طرح این جهان انداختند هی، کجا رفتی سروش خوشگلم بگذریم از کوروش و از داریوش لیک از تاریخ صد سال اخیر آن رضا شاهی که خواندی بیسواد بین صدها مشکل ریز و درشت تا توی بی‌مایه تعطیلش کنی بگذریم از کارهای دیگرش این یکی کافیست تا روز ابد با تو هستم حاج شیخ عبدالکریم بعد از این، هر گاه گویی حرف نو تا مبادا بار دیگر سو شوی

معضلی به نام خمینی



تهران؛ عکس مربوط به سال ۲۰۰۰

خلیلزاد در ادامه تعریف کرد: «یزدی مرا به اتاقی برد که با فرش‌های با شکوه ایرانی و تصاویر چهره‌های مذهبی تزیین شده بود و روی دیوار ساعتی فاخرته‌دار اروپایی قرار داشت که ظاهراً از ساکنان پیشین بجا مانده بود. با من مصاحبه‌ای صورت گرفت تا ظاهراً پیشینه مرا به گونه غیررسمی بررسی کنند. فردای آن روز در ویلای مجاور با خمینی ملاقات کردم.

او با لباس کامل روحانی چهارزانو مودبانه ولی بدون هیچ لبخندی نشست. بی‌خبر از اینکه من فارسی می‌دانم، یکی از دستیاران خمینی به او گفت «به این استاد آمریکایی بگویید که ما به دنبال دمکراسی و حقوق زنان هستیم؛ این چیزی است که آمریکاییان دوست دارند بشنوند.» دیپلمات آمریکایی افغان تبار در ادامه گفت: «من از خمینی در مورد دیدگاه سیاسی‌اش برای ایران و اینکه چه طرحی برای اداره کشور دارد پرسیدم. خمینی نگاهی کوتاه به من می‌انداخت و گاهی نیز دستی به ریش خود می‌کشید، با این حال خود را علاقمند به گفتگو نشان می‌داد، با ژستی که نشان از جذب و کاریزما داشته باشد.

شروع کرد که، رژیم شاه یک رژیم نامشروع است برای اینکه دولت بر اساس احکام اسلامی نیست که ملت چقدر مرفه باشد. شاه به خاطر دنیاگرایی و سرکوب داخلی ارتباطش را با مردم از دست داده است. در ادامه با اشاره به کتاب «جمهور» افلاطون به عنوان نمونه، اضافه کرد که در جمهوری اسلامی، قدرت به دست کسانی که قوانین اسلام را می‌دانند، یعنی روحانیون عمل خواهد شد.

آقای خلیلزاد در ادامه مصاحبه اختصاصی می‌گوید: «از خمینی پرسیدم که چگونه می‌تواند ایده رهبری روحانیت را با جنبه‌های عملی حکومتداری وفق بدهد؟ او گفت روحانیون دستورالعمل‌های اخلاقی دولت را تدوین خواهند کرد و تکنوکرات‌ها مهارت‌های اجرایی لازم را برای اجرای برنامه‌های بنیادگرایان فراهم خواهند کرد. در پایان گفتگو، خمینی به دستیارش دستور داد که مجموعه بزرگی از کتاب‌ها و مقاله‌ها و نیز نوارهای کاست از سخنرانی‌های خود را به من بدهد. قرار شد هنگامی که همه را مطالعه کردم، دوباره ملاقات کنیم.» زلمای خلیلزاد در پایان این خاطره تاریخی می‌گوید: «اشفته برگشتم، متوجه شدم که خمینی مجموعه روشنی از تفکرات تمامیت‌خواه است و نقشه در هم تافته‌ای نیز برای پیاده کردن آنها دارد. نوشته‌ها هم شامل تبلیغات شریانه و گاه ساختگی جعلی در مورد شاه بود و کتابی به عنوان شاهدهی بر اینکه شاه «عامل صهیونیسم» است! عکسی از ملاقات صمیمانه شاه با ششمون پسر رهبر اسرائیلی چاپ کرده بود ولی در عکس نکته عجیبی نظرم را جلب کرد، وقتی بیشتر دقیق شدم دیدم که آن شخص ششمون پسر اسرائیلی نبود بلکه «پرز» رئیس جمهوری ونزوئلا بود در نشست اوپکا! حیرت‌آور اما عقیده آیت‌الله درباره حکومت بود؛ خمینی مدعی بود که تا ظهور امام دوازدهم و اعلام آخر زمان، قدرت سیاسی مشروع تنها می‌تواند متعلق به رهبر دینی و پیروان او باشد. وقتی به دانشگاه کلمبیا برگشتم، حرف‌های او و برداشت‌های خود را با همکاران و شاگردان ایرانی‌ام در میان گذاشتم ولی آنها برافروخته از نام شاه، اغلب در مقابل برداشت مشعشانه خود از انقلاب، به سخن و برداشت‌های من اعتنایی نداشتند.»

با بررسی گفته‌های مقام‌های دولتی و دانشگاهیان و رسانه‌های مهم و چپگرای آمریکای علیه پادشاه و دولت ایران، برداشت دانشجویان آقای زلمای خلیلزاد نمی‌تواند موجبی برای سرزنش آنان باشد.

یرواند آبراهامیان از دانشگاهیان چپگرای مقیم آمریکا و از جمله مخالفان شناخته شده پادشاهان پهلوی که کتابی هم باعنوان «ایران بین دو انقلاب» نوشته، در همان دوران آشننگی‌های ناشی از شورش‌ها، آتش‌سوزی‌ها و قتل‌های بی‌پروای بی‌گناهان به وسیله انقلابیون سرخ و سیاه و سال‌ها پیش از عبدالکریم سروش به تمجید و تحسین خمینی پرداخت و در هر فرصتی از او چنان یاد کرد و می‌کند که گویی از مراد و مرشد بزرگ خود سخن می‌گوید.

ادامه در صفحه ۲۳

خیالی ولی در قالب روح‌الله خمینی پرداخته بودند، شخصیت‌های دیگری نیز تصویری واقعی از خطر ظهور یک دیکتاتورمذهبی و حکومتی خون‌آشام ترسیم می‌کردند، صداهایی که در هیاهوی گوش‌خراش انقلابیون سرخ و سیاه گم می‌شد.

زلمای خلیلزاد دولتمرد افغان تبار آمریکایی، نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل متحد و سفیر پیشین این کشور در عراق و افغانستان که هم‌اکنون نماینده رییس جمهوری آمریکا در گفتگوهای جاری صلح افغانستان است هنگام شروع انقلاب اسلامی در ایران، استادپار علوم سیاسی در دانشگاه کلمبیا در نیویورک بود.

در آوریل ۲۰۱۶ میلادی (اردیبهشت ۱۳۹۵ خورشیدی) آقای خلیلزاد در گفتگویی اختصاصی که با وی داشتم و نیز در کتاب خواندنی خاطرات خود با نام «نماینده» از کابل تا کاخ سفید، سفر در جهان آشفته، به تنها دیدارش با آیت‌الله خمینی اشاره کرده که بسیار تأمل‌برانگیز است.

او که از بزگنیف برژینسکی مشاور امنیت ملی دولت جیمی کارتر و سیاست‌گذار حامی مجاهدین افغانستان در پیکار با اشغالگران روسی همکاری می‌کرد، شرح این دیدار را چنین بیان کرده است: «من و همسرم، شرل، در ۱۹۷۸ تصمیم گرفتیم که شب آخر سال را در شهر زیبای پاریس بگذرانیم. برنامه سفر به پاریس را تدارک دیدیم. در آنموقع من بیشتر به آشننگی‌ها و ناپسامانی‌های رو به گسترش سیاسی در خاورمیانه می‌اندیشیدم. در افغانستان کودتا شده بود و در ایران، تظاهرات گسترده، رهبری شاه را به چالش کشیده بود. از این رو فکر کردم که دیدار با رهبر اصلی مخالفان دولت ایران در شهرک نوفل لوشاتو واقع در حومه پاریس جالب و آموزنده خواهد بود.»

وی ادامه می‌دهد: «یکی از همکارانم نام ابراهیم یزدی یکی از دستیاران خمینی را به من داد. آدرس دقیقی نداشتیم ولی مهم نبود. در نوفل لوشاتو به محض پیاده شدن از قطار تنها کاری که باید می‌کردیم دنبال کردن صفی از ایرانیان بود که به یکسو روان بودند. یکی از آنان که تصور می‌کردم من ایرانی‌ام و از طرفداران خمینی هستم، با من به گفتگو پرداخت و هنگامی که به یک خانه معمولی کوچک رسیدیم، مرا مستقیم به نزد یزدی راهنمایی کرد. من خود را یک دانشجویی معرفی کردم و از یزدی پرسیدم که برای چه او که یک تکنوکرات میانه‌رو است برای فردی مذهبی فعالیت می‌کند؟ ابراهیم یزدی اطمینان داد که خمینی تنها که رهبر تشریفاتی است و بعد از انقلاب، ایران دستخوش یک دوره عادی‌سازی خواهد شد و روحانیان به حوزه‌های خود بروا خواهند گشت.»

سود طبقه تنگدست و فقیر جامعه (مستضعف) و با نظارت کامل دولت، جهت جلوگیری از اجحاف و با هدف توزیع عادلانه ثروت خواهد بود. این پروفیسور مدعی بود که چنین جزئیاتی را از زبان شخص خمینی و در جریان دیدار با او در اقامتگاهش در پاریس شنیده و شگفتا که این ادعا را از جانب کسی عنوان کرد که بعدها عبارت معروف و فراموش نشدنی « اقتصاد مال خزه» را بر زبان جاری کرد!

روشنفکر چپگرای دیگری که از او یاد شد و نامش برای برخی ایرانیان آشناست، پروفیسور ریچارد کانم است. آقای کانم مدتی در دانشگاه معروف پیتزبورگ تدریس می‌کرد و در بلشوی انقلاب اسلامی در ایران از جمله مشاوران سایروس ونس رئیس دیپلماسی دولت جیمی کارتر بود و مشاوره‌های خود گویا همواره بر این نکته تأکید می‌کرده که آیت‌الله هیچ تمایلی به دخالت در امور سیاسی ندارد و بر آن نیست که در حکومت ایران نقشی ایفا کند.

مشکل بتوان قبول داشت که ریچارد کانم نیز مانند بسیاری دیگر از مقام‌های دولت وقت آمریکا از تز «ولایت فقیه» خمینی آگاهی نداشته است.

در روند بزرگنمایی آیت‌الله خمینی رسانه‌های مکتوب اروپای باختری و آمریکایی به همراه رادیو و تلویزیون‌ها روزنامه‌های معروفی که هر یک زمانی نماد افتخارآمیز پاسداری از آزادی و برابری انسان‌ها و ترویج دهنده دمکراسی و احترام به قانون و مدنیت بودند، یکباره به آن چیزی تبدیل شدند که امروزه «فیک نیوز» و به عبارتی ناشران اخبار جعلی نامیده می‌شوند. در فرانسه روزنامه معروف «لوموند» و همتای کمونیست آن «لیبراسیون» و «توول اوبسرواتور» پیشگام این حرکت شوم بودند.

در لندن علاوه بر «بی‌بی‌سی فارسی» که به بلندگوی اختصاصی خمینی و هواداران سرخ و سیاه‌اش تبدیل شده بود و روز و شب اخبار انحصاری انقلاب و در مقاطعی گزارش‌های جعلی برای مردمان آشفته ایران پخش می‌کرد، روزنامه‌هایی مانند «گاردین» و «ابزرور» هم از دولت پادشاهی ایران یک دیو خون‌آشام و از خمینی و انقلاب اسلامی‌اش به عنوان فرشته‌ی رحمت نام می‌بردند.

ایرقدت شرق نیز اگرچه ابزارهای تبلیغاتی‌اش در مقایسه با رفا و هم‌مسلمان اروپایی‌اش حقیقانه بود ولی برنامه‌های فارسی رادیو «مسکو»، «برلین»، «پیک ایران»، «پکن» و... هر یک در ساعت‌های متفاوت اخبار جعلی و گفتارهای انقلابی پخش می‌کردند. در همان زمانی که این روشنفکران چپ انقلابی در دو سوی اتلانتیک، به قلمفرسایی درباره یک شخصیت

نادر صدیقی - در پی سخنان آقای عبدالکریم سروش (حسین حاج فرج‌الله دباغ) یکی از مبلغان موسوم به «نواندیشان دینی» و از مریدان آقای روح‌الله خمینی در وصف میزان سواد و دانش بنیانگذار نخستین حکومت اسلامی در ایران، موجی از اعتراض و حمله علیه ایشان در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برخاست، حمله‌هایی که در چهل سال اخیر همتا نداشته است.

حتا اعتراض و مخالفت با اشخاص معروفی مانند آیت‌الله صادق خلخالی گویو و حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیس‌الساداتی معروف به رئیسی (رییس جدید قوه قضاییه و نایب رئیس خبرگان رهبری) و دیگری که با اتهام سنگین کشتارهای جمعی، از بدنام‌ترین مقام‌های جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند، تا به این میزان نبوده است! شاید از جمله دلایل اینگونه واکنش‌ها «جایگاه فرهنگی» آقای سروش (دباغ) باشد که صادق خلخالی‌ها از آن بهره‌ای نداشته‌اند. با این حال ایشان در ستایش افراتق‌آمیز و ناباورانه از روح‌الله خمینی تنها نبوده و نیست. پیش از او اشخاصی که شهرت جهانی هم داشته و دارند و از مقام علمی معتبرتری نیز برخوردار بوده‌اند در تمجید از بنیانگذار یکی از مخوف‌ترین رژیم‌ها و مکاتب مذهبی، راه مبالغه پیموده‌اند.

در ماه‌های پیش از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، نامداران ایرانی و فیلسوفان مشهور غربی، نظریه‌پردازان و سیاستمداران و روزنامه‌نگاران چندی بودند که به نحوی باورنکردنی به ستایش و تجلیل مقام علمی و درجه هوشمندی روح‌الله خمینی برخاستند و گنده‌گویی درباره این روحانی ساده‌اندیش را تا بدانجا پیش بردند که گویی از یک مسیح نجاتبخش تازه‌ای سخن می‌گویند!

جالب‌تر آنکه میشران و رهبران فکری جنبش چپ در اروپا و آمریکا بیش از پیروان خمینی در این زمینه پیش رفتند، به او شخصیتی کاذب بخشیدند و او را قدیسی قلمداد کردند که در دهه‌های پایانی قرن پرهیاهوی بیستم میلادی ظهور کرده تا گویی بشریت را از زوال رهایی بخشد!

درواقع افرادی مانند ژان پل سارتر یکی از بنیانگذاران مکتب جنجالی «گزیستانسیالیسم»، و نیز همفکر و هموطن او میشل فوکو و همچنین سیمون دوبووار نویسنده و فعال حقوق زنان و چهره‌های دیگری در فرانسه، ریچارد کانم و آندرو یانگ (Andrew Jackson Young) در آمریکا روشنفکران چپگرای روز بودند که خمینی را به مرتبه‌ی «امام» و معبود «مستضعفان» و «زحمتکشان» ارتقا دادند بی‌آنکه اندکی در افکار پریشان و واپسگرای او مطالعه کرده باشند.

آندرو یانگ نماینده برگزیده جیمی کارتر رییس جمهوری دمکرات در سازمان ملل متحد در تعریف و تمجید از خمینی، و طی سخنرانی در سازمان ملل، او را «قدیس نجات‌دهنده» و حتی «سوسیال دمکرات» نامید و مدعی شد که نهضت اسلامی خمینی از منشور جهانی حقوق بشر الهام گرفته است!

هوشنگ نهاوندی از دولتمردان دوران پهلوی دوم که پژوهش گسترده‌ای درباره نقش روشنفکران جهان غرب از جمله فرانسه در تبلیغ بی‌تظیر به سود خمینی و انقلاب اسلامی انجام داده و کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی در این زمینه منتشر کرده، در کتاب خود به نام «خمینی در فرانسه» می‌نویسد: «درفرانسه چند کمیته پشتیبانی از آیت‌الله تشکیل شد که ریاست آنها با ژان پل سارتر، سیمون دوبووار و میشل فوکو بود.»

این تصور اگر ناممکن نباشد، بسیار ناباورانه و دشوار می‌نماید که هیچیک از این روشنفکران نامدار، پروفیسورها و روزنامه‌نگاران مدعی آزادی و آزادیگي حتا اندکی در پیشینه و دیدگاه واپسگرای رهبر یکی از قشری‌ترین انقلاب‌های تاریخ مدرن مطالعه و پژوهشی نکرده بودند.

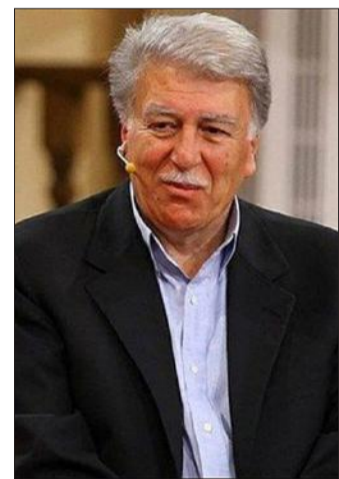
در کتاب «خمینی در پاریس» آمده است که پروفیسور جیمز کارکرافت (James D. Cockcraft) از استادان پیشین دانشگاه راتگرز در ایالت نیوجرسی آمریکا در مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز نوشت، سوز‌های اقتصادی آیت‌الله به

عزت‌الله انتظامی



عزت‌الله انتظامی متولد ۳۱ خردادماه سال ۱۳۰۳ در محله سنگلج بود. از سال ۱۳۲۶ وارد عرصه بازیگری تئاتر شد و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده هنرهای زیبای تهران در سال ۱۳۳۱، برای ادامه تحصیل به مدرسه شبانه تئاتر و سینما در هانوفر آلمان رفت و در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشت. انتظامی از نسل بازیگران برجسته‌ی تئاتر قبل از انقلاب در ایران بود ولی پس از انقلاب در عرصه تئاتر دیگر فعالیتی نداشت. او در دوران پرونق تئاتر ایران در اداره هنرهای دراماتیک که به وسیله دکتر فروغ تأسیس شد با جعفر والی، جمشید مشایخی، علی نصیریان، رکن‌الدین خسروی، داوود رشیدی و عباس جوانمرد همکاری کرد. حضور حرفه‌ای انتظامی در سینما با بازی در نقش «مش‌حسن» در فیلم «گاو» ساخته داریوش مهرجویی در سال ۱۳۴۸ بود. این فیلم بر اساس نمایشنامه‌ی «عزاداران بیل» نوشته‌ی غلامحسین ساعدی تهیه شد. انتظامی در آثار اغلب سینماگران برجسته چون علی حاتمی، مسعود کیمیایی، رخشان بنی‌اعتماد و ناصر

بهرام زند



بهرام زند پیشکسوت هنر دوبلاژ روز، هجدهم فروردین‌ماه، به دلیل ابتلا به بیماری سرطان درگذشت. این هنرمند که در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد، از سال ۱۳۴۴ هنر دوبلاژ را آغاز کرد و سال‌ها به عنوان مدیر دوبلاژ فعالیت می‌کرد. او سرپرستی دوبلاژ سریال‌های شناخته شده‌ای چون «جنگجویان کوهستان»، «شرلوک هلمز» و «تاوارو» را به عهده داشت و با هنر و مهارت به جای هنرپیشگان معروفی چون رابرت دنیرو، ژان رنو، آنتونی هاپکینز، شون کانری، مل گیسون، جورج کلونی، راسل کرو، بروس ویلیس، جان تراولتا، جیسون استاتهام، دانیل دی لوییس و نیکلاس کیچ در فیلم‌هایشان صحبت می‌کرد. صدای او در «گلا دیاتور»، «جان سخت»، «سریع و خشمگین»، «شجاع‌دل»، «دار و دسته‌های

حسین مهری



حسین مهری روزنامه‌نگار و مترجم قدیمی و پیشکسوت ایرانی در سن ۸۲ سالگی در لس‌آنجلس درگذشت. حسین مهری از روزنامه‌نگاران قدیمی و تأثیرگذار ایرانی بود که سال‌ها طولانی به حرفه‌ی روزنامه‌نگاری اشتغال داشت و عمر خود را در راه این حرفه گذاشت. او دانش‌آموخته رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران بود و به عنوان نویسنده، مترجم و گزارشگر با رسانه‌های مختلف ایرانی همکاری می‌کرد. حسین مهری پس از انقلاب مانند بسیاری از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای دیگر کشور را ترک گفت و در پاریس با رسانه‌های ملی گرای «نهضت» و «قیام ایران» و رسانه گفتاری «نهضت مقاومت ملی ایران» به مدت ۱۱ سال همکاری مستمر داشت. حسین مهری در لس‌آنجلس از سال ۱۹۹۱ همکاری خود را با رادیو ۲۴ ساعته «صدای ایران» شروع و برنامه «چهره‌ها و گفته‌ها» را بیش از ۲۰ سال تولید کرد و به گفتگو با چهره‌های سیاسی و فرهنگی پرداخت. این روزنامه‌نگار و نویسنده بعد از توقف برنامه‌های «صدای ایران» در سال ۲۰۱۲

حسن حاجی‌نوری



حسن حاجی‌نوری پیشکسوت مجسمه‌ساز تاریخ ایران باستان و خالق سرستون تخت جمشید در شهر بوئنوس آیرس آرژانتین، در سن ۹۲ سالگی در تهران از دنیا رفت. حسن حاجی‌نوری متولد ۱۳۰۵ در جواهردشت بود. وی اولین آموزه‌های هنری خود را نزد استاد رحیم‌زاده ارزنگ فراگرفت و در سال ۱۳۲۳ کارگاه کارگاه شخصی خود را دایر کرد. بعدها به عنوان استاد نقاشی و مجسمه‌سازی در اداره کل هنرهای زیبا مشغول به خدمت شد. این هنرمند در سال ۱۳۳۶ با ساختن ماکت مجسمه اردشیر بابکان به کسب مقام اول مسابقه پیکره‌سازی نائل آمد و با کسب تجربه‌های بیشتر در ادامه به ساختن ماکت‌هایی از آثار باستانی ایران به سفارش موزه ایران باستان پرداخت. مجسمه‌های او بعدها امکان نصب در شهر را یافتند. مجموعه آثار مجسمه‌های حاجی‌نوری شامل کارهایی از تاریخ ایران باستان و شخصی هستند که شامل آثار درخشانی مانند مجسمه اردشیر بابکان و شعر معروف «آی آدم‌ها»ی نیما یوشیج می‌شود.

به یادماندگان

در سال ۱۳۹۷ نیز شماری از شخصیت‌های پیشین کشوری و لشکری، فعالان بخش صنعت و تجارت، استادان ایرانی دانشگاه‌های داخل و خارج کشور، چهره‌های سرشناس عرصه هنر، ادبیات، سینما و تئاتر در ایران و دیگر نقاط جهان، روی در نقاب خاک کشیدند. اگر چه ذکر نام همه آنان مقدور نیست ولیکن **کیهان** لندن به همان میزان که مقذور است به رسم دیرین، یاد این انسان‌های سختکوش، فرهیخته، وطن‌پرست را گرمای می‌دارد و با استفاده از فرصت، به بستگان و دوستان آنان تسلیت می‌گوید.

مهر داد پهلبد



مهرداد پهلبد متولد ۲۵ اسفند ۱۲۹۵ نخستین وزیر فرهنگ و هنر ایران در سن ۱۰۲ سالگی در آمریکا درگذشت. وی که در اصل «عزت‌الله مین‌باشیان» نام داشت پس از ازدواج با شاهدخت شمس پهلوی خواهر شاه فقید در سال ۱۳۲۵ تغییر نام داد. مهرداد پهلبد و شاهدخت شمس در اواخر دهه‌ی بیست خورشیدی پس از ازدواج و هنگامی که در آمریکا بسر می‌بردند از اسلام به مسیحیت گرویدند. پهلبد پس از پایان دوران متوسطه در دبیرستان فیروز بهرام برای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌ی معماری و ساختمان‌نخست به آمریکا و سپس به سوئیس رفت. پهلبد در سال ۱۳۳۰ معاونت «وزارت فرهنگ» و ریاست اداره کل هنرهای زیبا را برعهده گرفت. در دوران نخست‌وزیری حسنعلی منصور بود که وی در سال ۱۳۴۳ به عنوان نخستین وزیر «فرهنگ و هنر» خدمات پرثمر خود را آغاز کرد و تا شهریور سال ۱۳۵۷ در دولت جمشید آموزگار ادامه داد. پهلبد به گفته‌ی همگان یکی از مهمترین حامیان فرهنگ و هنر در ایران بود که از هیچ پشتیبانی برای گسترش رشته‌های هنری در ایران دریغ نکرد. وی از دولتمردان هنرمند و هنرشناس ایران و همچنین محبوب اطرافیان بود. خانواده‌ی پهلبد اهل فرهنگ و هنر و پدرش نصرالله مین‌باشیان از موسیقیدانان عصر خود در دوره‌ی قاجار بود. مهرداد پهلبد نیز از کودکی با موسیقی و نوازندگی آشنا شد و این علاقه را پس از پایان تحصیلات در خارج کشور بازگشت به ایران و قرار گرفتن در مسئولیت‌های فرهنگی به خدمت هنر گرفت. در دوران وزارت مهرداد پهلبد بود که ارکسترهای مختلف به فعالیت پرداختند و خانه‌های فرهنگ و هنر در ایران تأسیس شده و نام «وزارت فرهنگ و هنر» به راستی یادآور فعالیت‌های فرهنگی و هنری گشت که از جشن‌های مختلف در سراسر ایران تا برنامه‌های متعدد در رادیو و تلویزیون ملی را در بر می‌گرفت. پهلبد یکی از مؤثرترین دولتمردان تاریخ معاصر ایران در عرصه‌ی فرهنگ و هنر بود. مهرداد پهلبد همسر خود شاهدخت شمس پهلوی را در سال ۱۳۷۴ از دست داد و خود نیز در کالیفرنیا درگذشت.

احسان یارشاطر



احسان یارشاطر بنیانگذار مرکز مطالعات ایران‌شناسی و دانشنامه ایرانیکا و استاد بازنشسته دانشگاه کلمبیا روز شنبه دهم شهریورماه در سن ۹۷ سالگی درگذشت. او اولین استاد تمام‌وقت مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بود که بیش از ۴۰ سال در هیئت علمی این دانشگاه عضویت داشت. احسان یارشاطر به عنوان دبیر ارشد ترجمه ۴۰ ساله تاریخ طبری و همچنین بنیانگذار و سروراستار دانشنامه ایرانیکا فعالیت کرد. دانشنامه ایرانیکا یک مجموعه‌ی تحقیقاتی-علمی پیشگام و جامع است که توسط صدها محقق تهیه شده است. این دانشنامه بطور گسترده و جامع به مطالعه و بررسی تاریخ و تمدن ایران در خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و شبه قاره هند درآورد.

ناصر محمدی



ناصر محمدی همکار قدیمی و صمیمی کیهان لندن به دنبال یک دوره بیماری طولانی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. محمدی برای خوانندگان و شنوندگان و بینندگان رسانه‌های خارج از ایران چهره کاملاً آشنایی بود. او هیچ فرصتی را برای انتقاد و استهزای گردانندگان رژیم ملایان از دست نمی‌داد. زنده‌یاد محمدی در جنوب تهران زاده شد و دوران دبستان و دبیرستان را در همانجا طی کرد. سپس وارد مدرسه عالی بازرگانی در شمال شهر شد و حین تحصیل در چند دبیرستان تدریس نیز می‌نمود. وی پس از دریافت لیسانس در موسسه استانداردها که مرکز آن در کرج بود سرگرم کار شد و تا اوایل انقلاب در سمت مدیر دفتر موسسه به کار ادامه داد. سپس همراه نوری همسر مهربانش که همکار اداری او بود و فرزندانش به لندن کوچ کرد. پس از چندی همکاری خود را

ناصر چشم‌آذر



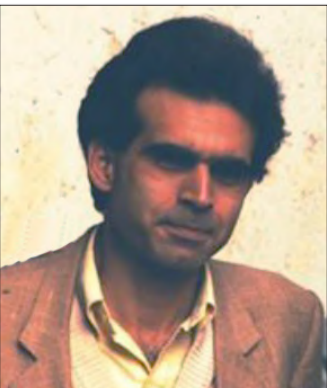
ناصر چشم‌آذر آهنگساز، نوازنده و تنظیم‌کننده‌ی آثار خاطره‌انگیز در موسیقی پاپ ایران بر اثر سکت قلبی در سن ۶۷ سالگی در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت. چشم‌آذر مدتی بود که از بیماری رنج می‌برد و شهریورماه سال گذشته نیز در حین اجرای کنسرت دچار عارضه شد و او را به بیمارستان منتقل کردند. چشم‌آذر قصد داشت به زودی تور کنسرت‌هایش را در خارج از ایران برگزار کند. ناصر چشم‌آذر پیش از انقلاب ۵۷ یکی از سازندگان زیباترین ترانه‌ها برای خوانندگان شناخته شده‌ی ایران و هم‌زمان با رادیو تلویزیون‌های صدای آمریکا، ایران فردا و کانال یک شهرام همایون همکاری داشت. وی همچنین بطور دائم در جلسات «شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد» حضور می‌یافت.

سوگل آیرم (وین)



گذشت ناگهانی بانو سوگل آیرم فعال حقوق بشر و مبارز خستگی‌ناپذیر علیه رژیم جمهوری اسلامی بسیاری از هم‌میهنان و مبارزین را در بهت فرو برد. سوگل آیرم از نسل سوخته فاجعه سال ۵۷، در نوجوانی مجبور به ترک وطن شد. او با تلاش و پرقدرت تحصیلات عالی خود را با بهترین نتیجه به پایان رساند و با دلی که از عشق وطن شعله‌ور بود با فعالیت در امور حقوق بشر و مبارزه برای ایران آزاد و سکولار لحظه‌ای از پای ننشست. بانویی مبارز که به سیستم

کامیار شاپور



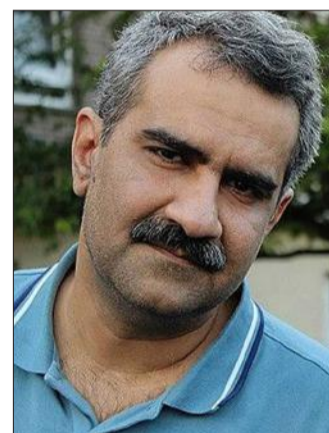
کامیار شاپور فرزند فروغ فرخزاد و پرویز شاپور در سن ۶۶سالگی در تهران درگذشت. کامیار شاپور فرزند فروغ فرخزاد و پرویز شاپور در ۲۹ خردادماه سال ۱۳۳۱ به دنیا آمد. او نقاش بود و مدتی هم موسیقی خیابانی اجرا می‌کرد. «عشق یک مجسمه فلزی است» و «تورهای معطر طلایی» از جمله مجموعه اشعار کامیار شاپور هستند که توسط انتشارات مروارید در سال ۱۳۹۲ منتشر شدند.

ایرج دانایی فرد



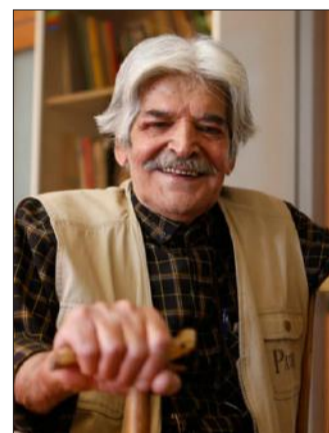
ایرج دانایی فرد بازیکن سال‌های دور تیم ملی فوتبال ایران و کاپیتان تیم تاج، صبح چهارشنبه ۲۱ آذر، در بیمارستان نمازی شیراز درگذشت. او متولد ۲۰ اسفند ۱۳۲۹ در یکی از محلات قدیمی تهران بود. سابقه عضویت در تیم‌های عقاب و پاس را هم داشت. ایرج زنده نخستین گل تاریخ فوتبال ایران در جام جهانی (۱۹۷۸ آرژانتین) نیز بود. ایران در این دیدار مقابل اسکاتلند قرار گرفت و بازی با تساوی یک بر یک تمام شد. او در واپسین سال‌های زندگی خود مبتلا به عارضه کبدی شد و تحت درمان قرار داشت. از دیگر افتخاراتی که این چهره دوست داشتنی برای فوتبال ایران به ثبت رساند دعوت شدن به تیم منتخب جهان برای خداحافظی اسطوره سرشناس فوتبال برزیل یعنی پله بود که باعث شد تا او تجربه حضور در کنار پله، کرايوف و... دیگر را نیز به دست بیاورد.

علیرضای



علیرضا رضایی نویسنده و طنزپرداز، وبلاگ‌نویس و سازنده سری کمدی‌های «شفاف‌سازی» بر اثر بیماری قلبی درگذشت. این طنزپرداز و کمدین، به خاطر اجرای طنزهای سیاسی بارها بازداشت شد و در نهایت از ایران مهاجرت کرد. علیرضا رضایی در دوره‌ای نویسنده برنامه «پارازیت» ساخته کامبیز حسینی از تولیدات تلویزیون صدای آمریکا بود و سپس متن‌های برنامه «پلتیک» و در نهایت برنامه‌های کمدی با عنوان «شفاف‌سازی» را تهیه و اجرا می‌کرد. علیرضا رضایی در رشته مهندسی عمران تحصیل کرد ولی بعدها به عنوان کارگردان و طنزپرداز به فعالیت پرداخت. پس از خروجش از ایران، با برنامه «پارازیت» همکاری کرد که یکی از پر بیننده‌ترین برنامه‌های طنز دوران خود بود. بازی علیرضا رضایی در نقش شهرام امیری در این برنامه غوغایی به پا کرد و به شدت مورد توجه مردم قرار گرفت. علیرضا رضایی در برنامه «شفاف‌سازی» که بطور مستقل اجرا و تهیه و در کانال یوتیوب خود منتشر می‌کرد، با تابوهایی چون مذهب و روحانیون می‌پرداخت. مردم او را در دوره‌های مختلف با عناوین بلاگر، شهرام امیری و شفاف‌سازی به یاد دارند. علیرضا رضایی روز ششم آذر ۹۷ بر اثر بیماری قلبی در شهر لیل فرانسه درگذشت.

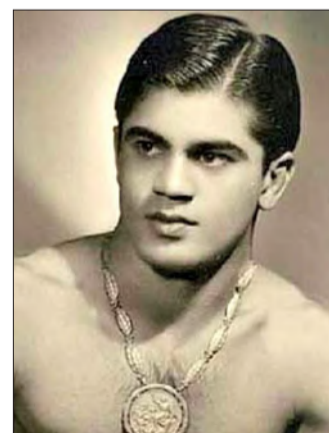
صادق صدوقی



صادق صدوقی نقاش و تصویرگر کتاب‌های کودکان و نوجوانان در دهه‌های پنجاه تا هفتاد خورشیدی، که با اجرای طرح جلد کتاب‌های ژول ورن نویسنده فرانسوی و کارتهای تشویقی «صدافرین» به شهرت رسید، پس از یک هفته کما، شامگاه چهارشنبه ۳۱ مردادماه درگذشت. صادق صدوقی متولد سال ۱۳۲۵ در شهر همدان بود که با شغل آموزگاری در روستاها کارش را در آموزش و پرورش شروع کرد و در ادامه به نقاشی و طراحی کتاب‌های درسی پرداخت. از مشهورترین تصویرگری‌های وی داستان «صحاب فیل» و «حضرت یونس» و کتاب‌های ژول ورن چون «بیست هزار فرسنگ زیر دریا»، «سفر به ماه» و «جزیره یخبندان» است.

صدقی تصویرگری کتاب‌هایی چون «تونل زیردریایی»، «دور دنیا در ۸۰ روز»، «شکار شهاب»، «اسرار معدن زغال‌سنگ»، «سفینه مهیب» و «گمشدگان اقیانوس» نوشته ژول ورن را هم انجام داده است. تصویرگری کتاب‌های «شاهزاده و گدا»، «هزار و یک شب» و «جین ایر» نیز از آثار وی است.

علیرضا قلیچ‌خانی



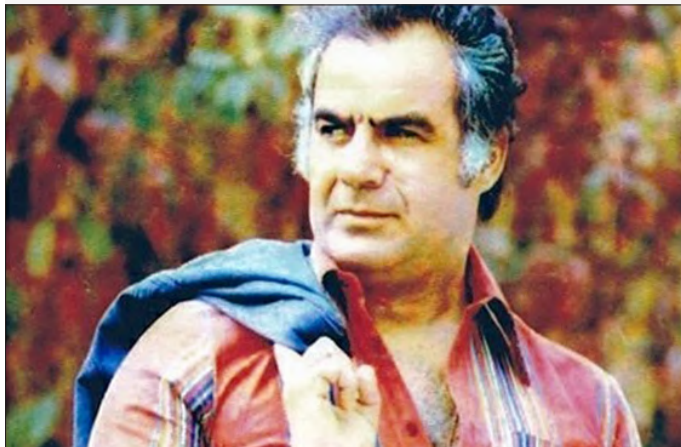
علیرضا قلیچ‌خانی پیشکسوت کشتی و اولین مدال‌آور کشتی فرنگی برای ایران روز دوشنبه ۲۳ مهرماه درگذشت. او متولد سال ۱۳۱۶ بود که پس از تحصیلات مقدماتی به باشگاه تاج رفت و فنون کشتی را آموخت. قلیچ‌خانی علاوه بر کشتی، در والیبال و فوتبال هم فعالیت می‌کرد. علیرضا قلیچ‌خانی افتخارات بسیاری در زمینه کشتی فرنگی کسب کرد که کسب مدال برنز کشتی فرنگی در مسابقات ۱۹۶۱ یوکوهاما ژاپن یکی از آنهاست. مدال برنزی که علیرضا قلیچ‌خانی در این مسابقات کسب کرد، نخستین مدال کشتی فرنگی ایران بود.

بهرام شفیع



بهرام شفیع مجری و تهیه‌کننده با سابقه برنامه «ورزش و مردم» عصر روز سه‌شنبه ۱۷ مهرماه در سن ۶۲ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت. شفیع مجری قدیمی‌ترین برنامه ورزشی تلویزیون، برنامه «ورزش و مردم» بود که حدود ۳۰ سال اجرای آن را بر عهده داشت. او پیش از شروع برنامه «نود» در اواسط دهه ۷۰، با اجرای عادل فردوسی‌پور از پراقبال‌ترین مجریان برنامه‌های ورزشی بود. بهمن شفیع از سال ۱۳۸۴ رئیس فدراسیون هاکی شد.

ناصر ملک‌مطیعی



ناصر ملک‌مطیعی بازیگر پیشکسوت و خاطره‌ساز سینمای قبل از انقلاب شب چهارم خرداد ماه در سن ۸۸ سالگی درگذشت. ناصر ملک‌مطیعی پیش از انقلاب در بیش از ۱۰۰ فیلم و سریال بازی کرد و در کنار فردین و بهروز وثوقی از محبوب‌ترین بازیگران دوران طلایی سینمای ایران بود. ملک‌مطیعی اما پس از انقلاب اسلامی در ایران مانند بسیاری از هنرمندان سینما و رادیو و تلویزیون اجازه کار و بازی در فیلم نیافت به جز یک نقش کوتاه در «نقش نگار». با این وجود، مردم کوچه و خیابان، و دست در کاران سینما همچنان او را به عنوان یکی از بازیگران مردمی و محبوب در حافظه تاریخی حفظ کرده‌اند.

ملک‌مطیعی در سال‌های آخر عمرش، به دعوت سینماگران در محافل سینمایی غیردولتی و افتتاح اکران فیلم‌های سینمایی، حضور پیدا می‌کرد ولی هرگز به صورت رسمی در سینمای پس از انقلاب پذیرفته نشد. «ناصر» سینمای ایران از سال‌ها محرومیت از بازیگری و برخوردهای زننده مسئولین وزارت ارشاد و صدا و سیما رژیم به شدت آزده بود. ممنوعیت از کار و ممنوع‌التصویر بودن این بازیگر محبوب، تا جایی پیش رفت که سال گذشته از پخش مصاحبه‌های ضبط شده‌اش در برنامه‌های «دورهمی» و «من و شما» در صدا و سیما جمهوری اسلامی جلوگیری شد و مدیران بالادستی تلویزیون دولتی مانع حضورش در این رسانه‌ی انحصاری شدند. ملک‌مطیعی همواره از دور بودن از مردم و سینما رنجیده‌خاطر بود. کاربران فضای مجازی و اهالی هنر و سینما، پس از انتشار خبر درگذشت این بازیگر قدیمی سینما، یاد و خاطره وی را گرمی داشتند و نسبت به سال‌ها ممنوعیت فعالیت و جلوگیری از پخش مصاحبه‌اش از صدا و سیما انتقاد کردند.

ملک مطیعی متولد ۱۳۰۹ بود و در بسیاری از فیلم‌های پیش از انقلاب بازی کرد. وی یکی از بازیگران عرصه طلایی سینمای ایران بود که با فیلم‌هایی چون «قیصر»، «طوقی»، «کوچه‌مردها»، «بابا شمل» و «سه قاپ» در اذهان مردم ماندگار شد. او هم ستاره سینمای فارسی بود و هم با فیلمسازان موج نو سینمای ایران همکاری کرد.

ویدا قهرمانی



ویدا قهرمانی بازیگر سنت‌شکن سینمای قبل از انقلاب و همبازی دیرین ناصر ملک‌مطیعی در فیلم جنجالی «چهارراه حوادث» در ۸۱ سالگی در آمریکا درگذشت. این بازیگر، علاوه بر ثبت اولین بوسه در تاریخ سینمای ایران، مؤسس کافه در «چهار راه حوادث» ساخته ساموئل خاچیکیان، ویدا قهرمانی و ناصر ملک‌مطیعی، نخستین بوسه در تاریخ سینمای ایران را به ثبت رساندند که تا پیش از آن، در سینمای ایران تابو به شمار می‌رفت. ویدا قهرمانی درباره بازتاب‌های این سکانس گفته بود با اینکه پدرش او را «سددشکن» خوانده ولی از مدرسه اخراج شده است. قهرمانی در کنار ایرن و ته‌مینا از بازیگران زن مشهور دهه چهل و تضمین فروش فیلم‌های روی پرده بود. فیلم‌های «توفان در شهر ما»، «دشمن زن»، «یکی بود یکی نبود»، «افسانه شمال»، «فردا روشن است»، «بچه‌های محل»، «بچه ننه»، «آتش و خاکستر»، «گرگ صحرا»، «فریاد نیمه‌شب»، «صد کیلو داماد»، «دختران حوا»، «پستی»، «خداداد»، «عشق و انتقام»، «صیادان نمکزار»، «کارگاه ۲» و مجموعه عروسکی «سرزمین خوشبختی» از جمله آثار اوست که با بازیگری وی تهیه شده‌اند. ویدا قهرمانی در خارج از ایران نیز در فیلم‌های «تعطیلات سیاه»، «میهمانان هتل آستوریا»، «پیش از توفان»، «هزاران سال دعای خوب»، «سنگسار ثریا میم»، «شاه باب» و «جیمی وست وود» قهرمان آمریکایی» ایفای نقش کرده است.

حسین عرفانی



حسین عرفانی دوبلور قدیمی سینما و تلویزیون در سن ۷۶ سالگی بر اثر سرطان ریه درگذشت. صدایشگی دیتر هالروردن بازیگر آلمانی در سریال «دی‌دی شو» و جهانگیر فروهر در سریال «دای جان ناپلئون» در نقش «نایب تیمورخان مفتش تأمینات» از مشهورترین آنهاست. این دوبلور بیش از پنج دهه در هنر دوبلاژ فعالیت می‌کرد و صدایش برای دوبلاژ همفری بوگارت در فیلم‌هایی چون «سراسر شب»، «داشتن و نداشتن»، «گذرگاه تریک»، «دست چپ خدا»، «کی لارگو»، «کنج‌های سیرا مادره» برای همیشه ماندگار شد. حسین عرفانی در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی بجای جهانگیر فروهر (دای جان ناپلئون)، فرامرز قریبیان (گوزن‌ها)، کامران باختر (افعی)، بهمن مفید (دانش‌اکل و خاطرخواه)، جمشید هاشم‌پور (دشمن) و اکبر عبدی (سفر جادویی) صدایشگی کرد. عرفانی قبل از انقلاب در فیلم سینمایی «حرمت رفیق» (۱۳۵۶) و سریال «تلخ و شیرین» (۱۳۵۳) ایفای نقش کرد. او در سن نوزده‌سالگی شاگرد علی کسمایی در استودیو مولن‌روژ بود و سال‌ها با احمد رسول‌زاده همکاری کرد. اولین نقشی که وی در آن صدایشگی کرد، نقش اورسن ولز در فیلم «بیگانه» بود. او گوینده ثابت نقش‌های آرنولد شوآرتزنگر بازیگر آلمانی هالیوود و دیتر هالروردن بازیگر و کمدین آلمانی در سریال «دی‌دی شو» بود که از سریال‌های محبوب در ایران است. این صدایش‌های قدیمی در فیلم‌های خارجی بجای مورگان فریمن، گری کوپر، ساموئل ال جکسون، آنتونی کوئین، چارلتون هستون، هریسون فورد، رابرت شاو، گریگوری پک و بسیاری دیگر حرف زده است. حسین عرفانی همسر شهلا نظریان دوبلور بود.

عباس عطار



عباس عطار، عکاس نامدار و تاثیرگذار ایرانی و ثبت‌کننده بکرترین لحظات تاریخ ایران در دوران انقلاب در سن ۷۴ سالگی در پاریس درگذشت. عباس عطار که با نام هنری «عباس» شناخته شده بود، در سال ۱۳۲۳ در خاش متولد شد و در رشته مطبوعات و ارتباطات تحصیل کرد. او در سال ۱۹۸۱ به آژانس بین‌المللی مگنوم از معتبرترین آژانس‌های عکس جهان پیوست و سال ۱۹۸۵ عضو تمام وقت مگنوم شد و از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ رئیس دوره‌ای این آژانس بود. او از ۱۴ سالگی عکاسی را شروع کرد و از ۲۶ سالگی برای رسانه‌های معتبر جهان عکاسی کرد. در ژانرهای متنوعی چون مستند، جنگ و پرتره تصاویر ماندگاری از وقایع مهم جهان را به ثبت رساند و از جنگ‌ها و انقلاب‌های بسیاری در جهان عکاسی کرد. ایرانیان او را با عکس‌هایش از روند انقلاب سال ۱۳۵۷ می‌شناسند که بکرترین و حساس‌ترین لحظات تاریخ ایران را ثبت کرده بود. حاصل عکاسی او از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۵۹ کتاب «روز شمار ایران ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۲» بود.

لیلیت تریان



داده‌اند، در سن ۸۸ سالگی در سکوت خبری درگذشت. او از پیشکسوتان رشته مجسمه‌سازی و از اولین آموزگاران این هنر در ایران بود. لیلیت تریان از مجسمه‌سازان قدیمی ایرانی ارمنی‌تبار و از اولین آموزگاران این رشته هنری در ایران بود که طی مراسمی در سال ۸۵، لقب مادر مجسمه‌سازی ایران گرفت. لیلیت تریان از پدر و مادری ارمنی در سال ۱۳۰۹ در خیابان نادری تهران متولد شد. در سال ۱۳۳۱ به آکادمی Beaux Art پاریس وارد شد و پس از دریافت دیپلم آکادمی همزمان با تأسیس دانشکده هنرهای تزئینی در سال ۱۳۳۹ فعالیت تدریس خود را آغاز می‌کند. از جمله آثار وی می‌توان به مجسمه «یادبود بیرم خان» در کلیسای مریم مقدس تهران (۱۳۴۷)، مجسمه یادبود «مسرب ماشوتج» در کلیسای ترمانکچاج تهران و مجسمه «مسروب ماشوتس»؛ مبدع الفبای ارمنی» در محوطه‌ی کلیسای تارکمانچانس تهران اشاره کرد.

مهدی آری‌نژاد



مهدی آری‌نژاد دوبلور قدیمی سینما و تلویزیون روز جمعه ۲۳ شهریورماه بر اثر ایست قلبی در منزل خود درگذشت. او با دوبله نقش مورچه‌خوار (مورچه و مورچه‌خوار)، گروهیان دودو (بازرس) و پدرتاک (زاین‌هوود) پس از انقلاب شناخته شد. آری‌نژاد در سریال «دای جان ناپلئون» در نقش شمس علی میرزا صدایشگی کرد.

مهدی آری‌نژاد پس از انقلاب با کارتون‌هایی هم چون لوک خوش شانس (یکی از برادرها)، مورچه و مورچه‌خوار (مورچه‌خوار)، بازرس (گروهیان دودو)، رابین‌هود (پدر تاک) و چوبین (برونکا) به شهرت رسید. تکیه کلام‌های «سلام مورچه!» و «سلام سوسیس!» او در ذهن بینندگان به یادگار مانده است. او در سال ۱۳۹۴ دچار شکستگی لگن شد و بیش از یک سال از دوبلاژ دور بود اما در شهریور ۱۳۹۵ مجدداً به فعالیت هنری خود بازگشت.

حسین فرجی



حسین فرجی خواننده و ترانه‌سرای فولکلور و خالق قطعات مشهوری چون «دایه‌دایه وقت جنگه» و «بازویارو» در سن ۶۸ سالگی درگذشت. او قطعات ماندگار محلی چون «دایه دایه وقت جنگه» و «بارو بارو» را خلق کرد که بارها توسط خوانندگان مختلف بازخوانی شدند. ترانه‌های محلی فرجی در نزد مردم بسیار محبوب بود که از جمله می‌توان به ترانه‌های شیبورچی، دایه‌دایه، شو سال، کینه، مادر، مسافر کویت، مرغ اسیر، تویی بهارم، سزنده، پای سلیمانی، کرمی و کوش‌طلا اشاره کرد. برخی از ترانه‌های وی مانند ستاره، سنگ خارا، هی نار و گل شادی الیوم شد.

سعید کنگرانی



سعید کنگرانی بازیگر سینما و تئاتر صبح روز جمعه ۲۳ شهریور در سن ۶۴ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت. او با بازی در فیلم‌های «در امتداد شب»، «دایره مینا» و سریال «دای جان ناپلئون» به شهرت رسید. این بازیگر در جوانی روی صحنه تئاتر رفت و اولین نقش‌های سینمایی‌اش را در «سرایدار» ساخته خسرو هریتاش و «رضا موتوری» ساخت مسعود کیمیایی بازی کرد. حضور لنگرانی در فیلم «دایره مینا» ساخته داریوش مهرجویی او را به سینمای ایران شناساند. او بعدها در سریال پر بیننده «دای جان ناپلئون» جلوی دوربین ناصر تقوایی رفت و در نقش سعید، شخصیت اصلی و راوی داستان حاضر شد. او همچنین در نمایش «شهرقصه» نیز حضور داشت و با بازی در فیلم سینمایی «در امتداد شب» با گوگوش همبازی شد و به اوج شهرت رسید.

امتیاز جویانه بهره می برند و تداوم می بخشند

قشرهای ۲+۳:



غیر از پزشکان دو قشر دیگر نیز از امتیازات ویژه برخوردار بوده و کاری با حکومت نداشته‌اند: بازاریان و دانشگاهیان

● کسانی که حکومت را برخاسته از یک «انقلاب مردمی» می‌دانند فراموش می‌کنند که دو قشر روحانی و اراذل و اوباش محلات (سپاه) چگونه قدرت را به دست آوردند و چگونه قدرت خویش را تحکیم کردند.

● بازاریان اکثر مالیات چندانی نمی‌پردازند و دستشان برای چپاول خریداران بدون هیچگونه حقی برای خریدار و مصرف‌کننده باز بوده است.

● دانشگاهیان از دوره‌ای که حقوق‌های آنان در دوره‌ی خاتمی افزایش یافت به جمع خاموشان و توجیه‌کنندگان وضعیت موجود پیوستند.

● اکثر دانشگاهیان با بی‌سوادی تام و تام و با جزوات بیست تا سی صفحه‌ای که از دیگران کپی کرده‌اند بر صندلی استادی تکیه زده و دانشجویان را با نمرات کیلویی راضی نگاه می‌داشته‌اند.

● اکثر پزشکان مالیات چندانی نمی‌پردازند، بسیاری زیرمیزی دریافت می‌کنند و عموماً در برابر خطاهایشان پاسخگو نیستند.

مجید محمدی - در خبرها آمده بود که نیمی از پزشکان ایرانی از دستگاه کارتخوان استفاده نمی‌کنند و صرفاً پول نقد برای خدمات خود درخواست می‌کنند. این نکته از روز روشن تر است که این پزشکان برای فرار از مالیات چنین می‌کنند. از حدود بیست هزار پزشک در تهران حدود یازده هزار نفر در سال ۹۶ اظهارنامه‌ی مالیاتی پر کرده‌اند. دولت نیز با آنها که چنین نکرده‌اند کاری ندارد. کارمندی که ماهانه دو تا سه میلیون تومان در بخش دولتی یا خصوصی حقوق می‌گیرد (حدود نصف میزانی که خط فقر حساب می‌شود) مالیات می‌پردازد اما اکثریت پزشکانی که ماهانه بطور متوسط ده (پزشکان عمومی)، بیست (دندانپزشکان) و چهل (پزشکان متخصص) میلیون تومان در می‌آورند مالیاتی نمی‌پردازند یا بسیار اندک می‌پردازند. مجموع مالیاتی که پزشکان در سال ۹۶ پرداخت کرده‌اند ۱۵۰ میلیارد تومان بوده در حالی که مقدار مالیات تخمینی آنها توسط سازمان امور مالیاتی ۷۰۰ میلیارد تومان است (درآمد هر پزشک بطور متوسط می‌بایست ۲٫۶ میلیون تومان در ماه باشد تا بر اساس ۱۱۰ هزار پزشک و مالیات بیست درصدی به این رقم برسیم). بر اساس ارقام واقعی پزشکان باید ۶۷۰۰ میلیارد تومان بپردازند که یک چهل و پنجم آن را می‌پردازند. بر اصل نپرداختن مالیات به حکومتی فاسد و تاراجگر خردهای نیست اما مشکل آنجاست که حکومت با برخی قشرها سختگیرانه و صرفه‌جویانه و با برخی دیگر ملامت‌جویانه و سخاوتمندانه برخورد می‌کند. این البته بر می‌گردد به برخورد آن قشرها با رفتار حکومت.

غیر از این بسیاری از پزشکان بخش دولتی زیرمیزی دریافت می‌کنند و اقدامی برای توقف آن انجام نگرفته است. مشکل سوم پزشکان در کارشان تشخیص‌ها و اعمال نادرستی است که به مرگ بیماران منجر می‌شود و هیچ پزشکی برای این رفتارها هزینه نمی‌پردازد مگر آنکه خانواده‌ی بیمار عصبانی شده و با آنها با خشونت رفتار کند که این تنبیه و مجازات آنها نیست بلکه آنها را قربانی و مظلوم قرار می‌دهد. بسیاری از اینها پزشکانی هستند که با رانت سهمیه‌وار دانشگاه و دوره‌های بورده تخصصی شده‌اند. از سوی دیگر پزشکان ایرانی تنها گروه حرفه‌ای بودند که بسیاری از اعضای آن از اول شکل‌گیری جمهوری

اسلامی (بعد از تصرف خشونت‌آمیز حکومت که مشروعیتی به گروه حاکم نمی‌دهد) کراوات می‌بسته‌اند و حاکمانی که کراوات را نماد فرهنگ غربی می‌دانستند و به کراوات هوین می‌کردند کاری با این قشر نداشته‌اند. این رفتار بسیار یکجانبه‌ی دولت و حکومت با پزشکان چه دلیلی دارد؟

همه‌ی دوستان دانشجوی پزشکی من که در دوره‌ی دانشجویی از لحاظ سیاسی فعال بودند و دغدغه‌ی برابری و آزادی داشتند در حوزه‌ی عمومی غیبشان زده است. نه تنها آنها بلکه هزاران دانشجوی پزشکی در چهل سال گذشته اگر از کشور نگرینخته یا اعدام نشده باشند یا مثل ولایتی به دستبوسان خامنه‌ای تبدیل نشده باشند اثری در عالم سیاست و آزادی و عدالت ندارند. چرا اینگونه شده است؟ هر روز وکیل، کارگر، دانشجو یا معلمی بازداشت و محاکمه می‌شود چون در حیطه‌های صنفی و سیاسی حکومت را به چالش می‌کشند. کشاورزان (غیر از کشاورزان ورزنی اصفهان) اصولاً در این معادله غایب هستند نه به دلیل طرفداری از این یا آن گروه و جناح بلکه به دلیل عدم امکان تشکیل‌یابی و رساندن صدای خود به دیگران.

غیر از پزشکان دو قشر دیگر نیز از امتیازات ویژه برخوردار بوده و کاری با حکومت نداشته‌اند: بازاریان و دانشگاهیان. بازاریان اکثر مالیات چندانی نمی‌پردازند و دستشان برای چپاول خریداران بدون هیچگونه حقی برای خریدار و مصرف‌کننده باز بوده است. دانشگاهیان نیز از دوره‌ای که حقوق دست آنان در دوره‌ی خاتمی افزایش یافت به جمع ساکتان و توجیه‌کنندگان وضعیت موجود پیوستند.

دو قشر عامل

جمهوری اسلامی به دو قشر روحانیت شیعه (به عنوان ائمه جمعه، وزرا، اعضای مجلس، اعضای شورا‌های عالی تصمیم‌گیری، اعضای هیئت اندک موسسات و شرکت‌ها، اداره‌کنندگان مؤسسات تبلیغاتی و مذهبی، قضات) و لات‌ها و اراذل و اوباش و قلمکش‌ها (که بعداً به نیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی و قضات و دادستان‌ها تبدیل شدند) اتکال تام و تمام داشته روحانیون به رده‌های بالایی سیاستمداران تبدیل شدند و لات‌ها و تروریست‌ها نخست قوای قهریه و بعد مشاغل دولتی و صندلی‌های مجلس را پر کردند. عناوینی مثل سردار و ژنرال و نماینده و وزیر، ماهیت لات و اوباش بودن آنها را تغییر نداده و نخواهد داد. روحانیت مشغول به رده‌های بالای رفح رجوع مشکلات با اتکا به آختر و ریاضت و زندگی مقدسان شیعه در مراسم و شعائر مذهبی است و سپاهیان پاسدار (در دستگاه‌های امنیتی و نظامی و انتظامی و شبه‌نظامی) مشغول به پر کردن حفره‌های امنیتی و از میان بردن هر گونه هسته‌ی اعتراضی، جمهوری اسلامی بر این دو قشر اتکال تام دارد. بوسیده شدن سر سلیمانی توسط خامنه‌ای از این جهت بسیار معنادار است. کسانی که حکومت را برخاسته از یک «انقلاب مردمی» می‌دانند فراموش می‌کنند که این دو قشر چگونه قدرت را به دست آوردند و چگونه قدرت خویش را تحکیم کردند: آتش زدن و سوزاندن انسان‌ها و اموال دولتی و بعد اعدام و شکنجه و فحاشی.

سه قشر مباشر

اما از آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی سه قشر نه تنها عمدتاً در برابر سرکوب‌های حکومت و جنایات آن سکوت کرده‌اند (که لابد عده‌ای معتقدند افراد را برای سکوت نمی‌توان

کنگره آمریکا؛ شهادت خانوادگی شهروندان گروگان گرفته‌شده‌ی آمریکایی در ایران



نشست کنگره آمریکا با خانواده شهروندان گروگان گرفته شده در ایران؛ ۷ مارس ۲۰۱۹

جمعه ۷ مرداد با پرواز امارات به آمریکا بازگردد، اما هرگز برنگشت و چند ماه بعد خبر بازداشت او را دریافت کرد. علت بازداشت این نظامی سابق مشخص نیست.

ژی یو وانگ که برای تحقیق درباره تز دکتری خود با اجازه دولتی به ایران رفت، تابستان سال ۱۳۹۵ هنگام مرور و مطالعه اسنادی مربوط به اواخر دوران قاجار در آرشیو ملی ایران دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. او در دادگاهی غیرعلنی به اتهام جاسوسی به ۱۰ سال زندان محکوم شد. سخنگوی قوه قضائیه ایران ادعا می‌کند ژئی یو وانگ «با نفوذ خاصی وارد ایران شده بود» و پس از اینکه «محرز شد وی در جهت جمع‌آوری اطلاعات فعالیت می‌کند» بازداشت و به اتهام جاسوسی به ۱۰ سال زندان محکوم شد. البته مشخص نیست چگونه تحقیقات روی مدارکی مربوط به دوران قاجار می‌تواند جاسوسی به حساب آید!

عمر ذکا در نشست کنگره یادآوری کرد که پدرش نزار، کارشناس اینترنت، در سپتامبر ۲۰۱۵ به دعوت شهیندخت ملارودی معاون وقت ریاست جمهوری، برای شرکت در کنفرانسی با موضوع «توسعه زنان» به تهران سفر کرده بود. این کارشناس لبنانی‌تبار، ۱۸ سپتامبر هنگامی که با تاکسی راهی

«جاسوسی» به ده سال زندان محکوم شده‌اند. بابک نمازی در کنگره آمریکا صحبت از اوضاع قریب‌الوقوع کرد: «پدرم که بارها به دلیل بیماری قلبی به بیمارستان منتقل شده و هم‌اکنون نیز در مرخصی استعلاجی است، به بیماری صرع نیز مبتلا شده و جان او سخت در خطر است». بابک نمازی همچنین گفت «ما خواهان آزادی و انتقال پدرم از خارج از ایران برای معالجه هستیم، ولی اگر اقدامی فوری انجام نگیرد، احتمالاً جسد او را در آینده‌ای بسیار نزدیک به ما تحویل خواهند داد.»

بابک نمازی در صحبت‌هایش باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق آمریکا را متهم کرد که در جریان معامله با جمهوری اسلامی برای آزادی برخی از گروگان‌های دوتابعیتی، برادرش را در زندان به حال خود رها کرد و اقدامی برای آزادی او انجام نداد. فرزند باقر نمازی، استاندار خوزستان در روزهای انقلاب ۵۷ که در سال‌های گذشته یکی از مدیران یونیسف، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد، بوده است، از دونالد ترامپ خواست به وعده خود در جریان کارزار انتخاباتی که گفته بود اجازه نخواهیم داد حتا یک آمریکایی در کشوری به گروگان گرفته شود، عمل کرده و پدر و برادر او را به آغوش خانواده بازگرداند. رئیس‌جمهور آمریکا

● خانواده‌های نمازی، ذکا و لوینسون در یکی از کمیته‌های فرعی مجلس نمایندگان آمریکا در مورد وضعیت سیامک و باقر نمازی، نزار ذکا و روبرت لوینسون شهادت دادند.

● هشت شهروند آمریکایی یا ایرانی - آمریکایی در در زندان‌های ایران توسط سپاه پاسداران به گروگان گرفته شده‌اند.

● دولت دونالد ترامپ نماینده ویژه‌ی برای آمریکایی‌هایی که در جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند تعیین کرده است.

احمد رأفت - بعد از ظهر ۷ مارس ۲۰۱۹، کمیته فرعی خاورمیانه کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، جلسه‌ای با حضور خانواده‌های برخی از شهروندان آمریکایی که در جمهوری اسلامی بازداشت یا ناپدید شده‌اند برگزار کرد. در این نشست که ریاست آن با تد دویچ، نماینده حزب دمکرات بود، کریستین لوینسون همسر رابرت لوینسون، بابک نمازی فرزند باقر و برادر سیامک نمازی، و عمر ذکا فرزند نزار ذکا حضور داشتند و به پرسش نمایندگان عضو این کمیته در رابطه با وضعیت کنونی عزیزان زندانی‌شان پاسخ گفتند.

کریستین لوینسون که همسرش رابرت از ۹ مارس ۲۰۰۷ میلادی در جزیره کیش ناپدید شده است، گفت از آن زمان اطلاعات دقیقی از وضعیت او ندارد و نتوانسته با او تماسی داشته‌باشد. کریستین لوینسون افزود که در این ۱۲ سال که از ناپدید شدن همسرش می‌گذرد تنها توانسته ویدیوئی از بازداشت او هنگام خروج از هتل در جزیره کیش ببیند و عکسی را نیز که رابرت لباس زندان به تن دارد از کانالی غیررسمی دریافت کرده است. کریستین می‌گوید «ما نه تنها از دولت جمهوری اسلامی، بلکه از سه دولتی که در این ۱۲ سال در آمریکا بر سر کار بودند نیز شاکی هستیم، زیرا هیچ اقدام موثری برای بازگرداندن همسرم به آغوش خانواده انجام نداده‌اند.»

اف آی که رابرت لوینسون کارمند سابق آن است، پنج میلیون دلار جایزه برای کسانی که بتوانند اطلاعاتی در مورد او در اختیار این نهاد بگذارند تعیین کرده است، ولی به گفته کریستین تاکنون هیچ اطلاعات دقیقی دریافت نشده است. مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند اطلاعی از محل نگهداری رابرت لوینسون که اکنون ۷۱ سال دارد، ندارند، و اگرچه منکر بازداشت او در جزیره کیش نمی‌شوند، ولی رسماً حضور این کارمند سابق اف‌بی‌آی را نیز تأیید نمی‌کنند.

بابک نمازی، میهمان دیگر این نشست در کنگره آمریکا بود. او گفت «پدر ۸۲ ساله و برادر ۴۲ ساله من بی‌گناه به ده سال زندان محکوم شده‌اند.» سیامک نمازی در اکتبر سال ۲۰۱۵ در سفری به ایران بازداشت شد. پدرش باقر که برای پیگیری پرونده او در سال ۲۰۱۶ به تهران سفر کرده بود نیز از آن زمان در زندان بسر می‌برد. پدر و پسر هر کدام به جرم



تد دویچ از حزب دمکرات؛ نماینده کنگره آمریکا

فرودگاه برای بازگشت به واشنگتن بود، توسط سپاه رده‌ی و چندی بعد به اتهام جاسوسی، بر مبنای اعتراضات اجباری تلویزیونی، به ده سال زندان محکوم شد. عمر ذکا گفت پدرش در این روزها بار دیگر در اعتراض به پرونده خود و شرایط زندان در اعتصاب غذا بسر می‌برد. عمر ذکا گفت شرایطی که امروز پدرش در آن بسر می‌برد «وحشتناک است و نشان از این واقعیت دارد که جمهوری اسلامی هیچ احترامی برای حقوق بشر قائل نیست.»

تد دویچ که ریاست این نشست را بر عهده داشت گفت «بسیار ناخوشایند است که ما امروز در این جلسه باشیم و در مورد سلب آزادی و به گروگان گرفته شدن افراد بی‌گناه صحبت کنیم.» این نماینده‌ی حزب دمکرات رفتار جمهوری اسلامی با شهروندان خارجی و دوتابعیتی را «شرم‌آور و منزجرکننده» خواند و افزود «متأسفانه این تنها آمریکا نیست که در چنین موقعیتی قرار دارد، کانادا، بریتانیا، فرانسه، بلژیک، سوئد و شاید چند کشور دیگر هم در چنین شرایطی قرار دارند.» جو ویلسون، نماینده حزب جمهوری خواه آمریکا نیز دولت جمهوری اسلامی را متهم «به گروگان گرفتن شهروندان خارجی با هدف گرفتن امتیازات سیاسی و اقتصادی» کرد و گفت «رفتار جمهوری اسلامی معایر با تمامی موازین و تعهدات بین‌المللی است.»

اخیراً رابرت اوبرایان را به عنوان نماینده ویژه در امور گروگان‌های آمریکایی منصوب کرده است. بابک نمازی فعالیت‌های این نماینده ویژه را ستود و ابراز امیدواری کرد که بتواند در مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی آزادی پدر و برادرش را به دست آورد. جارد گنسر وکیل خانواده نمازی که در این نشست حضور داشت، به کیهان لندن گفت: «واشنگتن باید برای آزادی گروگان‌های آمریکایی مستقیماً با تهران وارد مذاکره شود زیرا گفتگو با واسطه و از راه دور تاکنون نتیجه‌ای نداشته است.» جان گنسر در ادامه افزود: «دولت آمریکا باید جمهوری اسلامی را برای آزادی این گروگان‌ها تحت فشار قرار دهد و به صورت جدی هشدار دهد که ادامه این وضعیت برای آنها بسیار گران تمام خواهد شد و عواقب سختی خواهد داشت.»

عمر ذکا، کوچکترین پسر نزار ذکا شهروند لبنانی با اقامت دائمی در آمریکا، آخرین نفری بود که در این نشست صحبت کرد. خانواده‌های ژئی یو وانگ، پژوهشگر چینی‌تبار دانشگاه پرینستون، و مایکل وایت، افسر پیشین ارتش آمریکا که تابستان گذشته در مشهد بازداشت شد، در این نشست حضور نداشتند. مایکل وایت که برای دیدار با دوست دخترش به ایران سفر کرده بود، از تابستان گذشته در ایران زندانی است. جوان وایت، مادر مایکل ۴۶ ساله، می‌گوید پسرش قرار بود



سعدی شیرازی

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در دیوار وجود
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
هرکه امروز نبیند اثر قدرت او
غالب آن است که فرداش نبیند دیدار
آدمی زاده اگر در طرب آید چه عجب
سرو در باغ به رقص آمد و بید و چنار
مژ دگانی که گل از غنچه برون می
آید صد هزار اقچه بریزند درختان بهار
باد گیسوی درختان چمن شانه کند
بوی نسربین و قرنفل بدمد در اقطار
ژاله بر لاله فرود آمده نزدیک سحر
راست چون عارض گلبوی عرق کرده یار
باد بوی سمن آورد و گل و نرگس و
بید در دکان به چه رونق بگشاید عطار
ارغوان ریخته بر دکه خضراء
چمن همچنان بر تخته دیبا دینار
گو نظر باز کن و خلقت نارنج ببین
ای که باور نکنی فی الشجر الاخضر نار



هوشنگ ابتهاج (ه. اسایه)

بهار آمد گل و نسربین نیاورد
نسیمی بوی فروردین نیاورد
پرستو آمد و از گل خبر نیست
چرا گل با پرستو هم سفر نیست
چه افتاد این گلستان را چه افتاد؟!
که آیین بهاران رفتش از یاد
چرا پروانگان را پر شکسته است
چرا هر گوشه گرد غم نشسته است
چرا خورشید فروردین فرو خفت
بهار آمد گل نوروز نشکفت
مگر دارد بهار نو رسیده
دل و جانی چوما در خون کشیده
بهارا خیز و زان ابر سبکرو
بزن آبی به روی سبزه‌ی نو
گهی چون جویبارم نغمه آموز
گهی چون آذرخشم رخ برافروز
هنوز این جا جوانی دلنشین است
هنوز این جا نفس‌ها آتشین است
مبین کاین شاخه‌ی بشکسته خشک است
چو فردا بنگری پر بیدمشک است
مگو کاین سرزمینی شوره‌زار است
چو فردا دررسد رشک بهار است
بر آرد سرخ گل خواهی نخواهی
وگر خود صد خزان آرد تباهی
اگر خود عمر باشد سر برآریم
دل و جان در هوای هم گماریم
دگر بارت چو بینم شاد بینم
سرت سبز و دلت آباد بینم
به نوروز دگر هنگام دیدار
به آیین دگر آیی پدیدار



فردوسی

بمان تا بیاید همه فرودین
که بفروزد اندر جهان هوردین
زمین چادرسبز در پوشدا
هوا بر گلان سخت بخروشدا
بخوایم من آن جام گیتی نمای
شوم پیش یزدان بباشم به پای
کجا هفت کشور بدو اندرا
ببینم بر و بوم هر کشورا
بگویم تو را هر کجا بیژن است
به جام اندرون این مرا روشن است
کنون خورد باید می خوشگوار
که می بوی مشک آید از کوهسار
هوا پر خروش و زمین پر زجوش
خنک آنکه دل شاد دارد بنوش
همه بوستان ریز برگ گل است
همه کوه پر لاله و سنبل است
به پالیز بلبل بنالد همی
گل از ناله او بیالد همی
شب تیره، بلبل نخسبد همی
گل از باد و باران بجنبد همی
بخندد همی بلبل و هر زمان
چو بر گل نشیند، گشاید زبان
ندانم که عاشق گل آمد گر ابر
که از ابر بینم خروش هژبر
بدرد همی پیش پیراهنش
درخسان شود آتش اندر تنش



سنایی غزنوی

باز نقاشان روحانی به صلح چار فصل
از سرای پنجدر در خانه آرایی شدند
باز بینا بودگان همچو نرگس در خزان
در بهار از بوی گل جوای بیبایی شدند



مهرضا شفیعی کدکنی

در روزهای آخر اسفند
کوچ بنفشه‌های مهاجر
زیباست
در نیم روز روشن اسفند
وقتی بنفشه‌ها را از سایه‌های سرد
در اطلس شمیم بهاران
با خاک و ریشه
میپهن سیارشان
در جعبه‌های کوچک چوبی
در گوشه‌ی خیابان می‌آوردند
جوی هزار زمزمه در من
می‌جوشد
ای کاش ای کاش آدمی وطنش را
مثل بنفشه‌ها
در جعبه‌های خاک
یک روز می‌توانست
همراه خویش ببرد هر کجا که خواست
در روشنای باران
در آفتاب پاک



حافظ شیرازی

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
این تناول که کشید از غم هجران بلبل
تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد
گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر
مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد
ای دل از عشرت امروز به فردا فکنی
مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد
ماه شعبان منه از دست قدح کابین خورشید
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
گل عزیز است غنیمت شمردیش صحبت
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد
مطربا مجلس انس است غزل خوان و سرود
چند گویی که چنین رفت و چنان خواهد شد
حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود
قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد



صائب تبریزی

بیا و تازه کن ایمان به نوبهار امروز
که شد قیامت موعود آشکار امروز
شکوفه از افق شاخ همچو اختر ریخت
نشان صبح قیامت شد آشکار امروز
محیط رحمت حق در تلاطم آمده است
کف از شکوفه فکنده است بر کنار امروز
ز تازیانه پی در پی نسیم بهار
زمین شده است چو افلاک بیقرار امروز
ز جوش لاله و گل کز رکاب می‌گذرد
پیاده جلوه کند در نظر سوار امروز
چمن چنان به صفا شد که هر نهالی را
توان کشید به آغوش چون نگار امروز
ز جوش لاله و گل خار بر سر دیوار
شده است همچو رگ لعل آبدار امروز
گشوده است بساط ملایمت ایام
لطیفت ز رگ گل شده است خار امروز
ز جوش قطره شبنم شده است روی زمین
ستاره خیز چو رخسار شرمسار امروز
هوا خمار شکن، گل پیاله گردان است
پیاله نوش و میندیش از خمار امروز
به شغل عیش، شب و روز را برابردار
که عدل گشت ترازوی روزگار امروز
به دام و دانه چه حاجت، که موج سبزه و گل
شده است سلسله گردن شکار امروز
همین برآینه سیل نوبهاران است
اگر بود اثری ظاهر از غبار امروز
ز لاله جوش خم باده می‌زند کهسار
شراب لعل برآید ز چشمه سار امروز
چراغ لاله گره کرده دود را در دل
که بی صفا نشود بزم نوبهار امروز
چه بادبان که مهیانکرده است از ابر
برای کشتی می‌موسم بهار امروز
بهشت نقد طلب می‌کنی اگر صائب
چو غنچه سر ز گریبان خود برآر امروز



محاكمه زنان مدافع حقوق بشر در عربستان؛ کنترل «اصلاحات» یا اقناع محافظه کاران؟!



● برخی فعالان حقوق بشر و دیپلمات‌ها می‌گویند، این دستگیری‌ها آنها را از زمان که شاهزاده محمد بن سلمان پروسه «اصلاحات» را آغاز کرده است نشان می‌دهد که دستگاه قضایی و برخی مقامات سعودی تلاش دارند که از طریق بازداشت نیروهای سکولار و مترقی و زنان روشنفکر، برخی گروه‌های محافظه‌کار و تندروهای مذهبی را که از بازداشت رهبران آنها به ستوه آمده‌اند راضی نگه دارند تا به آنها وانمود کنند که اصلاحات محمد بن سلمان تنها تندروها را هدف قرار نداده بلکه برخی سکولارهای تکرر را نیز نشانه گرفته است.

در همین حال برادر لجنین الهدلول در آستانه‌ی برگزاری این محاکمه به خبرنگاران گفت: «دادگاه خانواده‌های این فعالان را مطلع کرد که محاکمه آنها به دادگاه کیفری منتقل شده؛ این دادگاه اغلب پرونده‌های سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دلیل این تصمیم‌گیری از سوی مقامات قضایی هنوز برای ما مشخص نشده است.» بیش از ۳۰ کشور جهان از جمله تمام ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا، هفته گذشته از عربستان سعودی خواستند تا فعالان حقوق بشر به ویژه این ۱۰ زن را آزاد کند.

مایک پمپئو و جرمی هانت وزیران امور خارجه ایالات متحده آمریکا و بریتانیا نیز طی سفرهای اخیر خود به عربستان سعودی درباره موضوع بازداشت زنان فعالان حقوق بشر در این کشور با مقامات سعودی گفتگو کردند.

طبق گزارش رویترز، فعالان حقوق بشر سعودی گزارش می‌دهند که برخی از بازداشت شدگان زن از جمله لجنین الهدلول در سلول انفرادی محبوس است و به شدت با او بدرفتاری شده است.

فعالان حقوق بشر همچنین می‌گویند این افراد تحت شکنجه از جمله شلاق، شوک الکتریکی و تهدید به تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند اما مسئولان سعودی این ادعاها را به



لجنین الهدلول



عزیزه الیوسف

شدت رد می‌کنند. فعالان حقوق بشر همچنین می‌گویند علاوه بر لجنین الهدلول، عزیزه الیوسف، ایمان النفجان و هتون الفاسی برخی چهره‌های دیگر فعالان حقوق بشر مانند نوف عبدالعزیز، میاء الزهرانی، سمر بدوی، نسیمه الساده، و شدان العنزی نیز در بازداشت بسر می‌برند.

لجنین الهدلول ابتدا برای لغو قانون ممنوعیت رانندگی برای زنان مبارزه می‌کرد و سپس خواستار پایان دادن به قوانین مردسالار در پادشاهی سعودی شد، او در سال ۲۰۱۴ در یک نافرمانی مدنی و اعتراض به قانون منع رانندگی برای زنان سعودی، با اتومبیلی از امارات متحده عربی تا داخل خاک عربستان سعودی رانندگی کرد که در آن زمان فقط به همین دلیل به مدت ۷۳ روز در بازداشت بسر برد.

ایمان النفجان و عزیزه الیوسف نیز در سال ۲۰۱۳ فراخوانی برای اعتراض به ممنوعیت رانندگی زنان دادند و سپس در تجمعی که برای این منظور برپا شده بود، شرکت کرده و در همانجا بازداشت شدند. این گروه در سال ۲۰۱۶ نیز برای مبارزه با هدف پایان دادن به قوانین مردسالار در سعودی در شبکه‌های اجتماعی فراخوان داده بودند.

عزیزه الیوسف، کنشگر مدنی، فعال حقوق زنان در سعودی و استاد دانشگاه است. وی نیز در ماه مه ۲۰۱۸ بازداشت شده و هم‌اکنون

شاهزاده سعودی خواستار تغییر رژیم و برپایی پادشاهی پارلمانی در عربستان است



خالد بن فرحان آل سعود

● «در نظامی که ما در نظر داریم خانواده سلطنتی آل سعود، تنها به عنوان رهبرانی نمادین باقی می‌مانند، همانند ملکه بریتانیا، اما قدرت واقعی باید در دست مردم باشد.»

یکی از شاهزادگان تبعیدی عربستان سعودی اعلام کرد، برای تشکیل جنبشی از مخالفان سیاسی برای تغییر رژیم ریاض و برپایی یک نظام مشروطه پادشاهی پارلمانی در سعودی دست به کار شده است.

این شاهزاده سعودی که در اروپا ساکن است قول داده که از همه مخالفان ریاض حمایت خواهد کرد به ویژه کسانی که پس از قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار سعودی احساس خطر و ناامنی می‌کنند.

شاهزاده خالد بن فرحان آل سعود، که بیش از یک دهه پیش به دلیل مخالفتش با رژیم سعودی خاک این کشور را ترک کرد در مصاحبه‌ای با روزنامه «ایندیپندنت» گفت، او می‌خواهد یک نظام پادشاهی یا مشروطه سلطنتی پارلمانی تاسیس کند که دولت و اعضای پارلمان و نخست‌وزیر و کابینه بر اساس انتخابات آزاد تعیین شوند و به نقض حقوق بشر و بی‌عدالتی در سعودی پایان دهد.

این شاهزاده سعودی که در آلمان مستقر است ابراز امیدواری کرده این جنبش که در حال شکل‌گیری است «جنبش آزادیبخش مردم شبه جزیره عربستان» نام بگیرد و گفت: «به کسانی که از رژیم عربستان سعودی فرار کرده‌اند از طریق وکلای متخصص، مترجمین و رسانه‌ها به آنها کمک خواهد کرد تا پناهندگی‌شان در اروپا فراهم شود.»

به گزارش روزنامه «ایندیپندنت» برنامه تاسیس این جنبش پس از آن صورت می‌گیرد که مقامات امنیتی سعودی در ماه اکتبر گذشته در استانبول یک روزنامه‌نگار منتقد این کشور را به طرزی فجیع به قتل رساندند. برخی از مقامات اطلاعاتی ترکیه و آمریکا و

همچنین شماری از قانونگذاران آمریکا معتقدند که این قتل تنها به دستور شاهزاده محمد بن سلمان می‌تواند صورت بگیرد، البته مقامات سعودی که مأموریت تحقیق درباره پرونده را به عهده گرفتند، بارها دخالت شاهزاده محمد بن سلمان در قتل خاشقچی را رد کرده‌اند. آنها مدعی شده‌اند که تعدادی از افراد امنیتی خودسر این روزنامه‌نگار را به قتل رسانده‌اند.

شاهزاده خالد بن فرحان آل سعود، در این مصاحبه به «ایندیپندنت» گفت: «ما به یک سیستم جدید در عربستان سعودی نیاز داریم، مانند سایر کشورهای دارای دموکراسی، که مردم ما حق انتخاب دولت را داشته باشند و یک عربستان نوین ایجاد کنند.»

وی افزود: «چشم‌انداز ما در این جنبش جدید ایجاد سیستمی بر مبنای عدالت و پاسخگویی به مسائل حقوق بشر است. در حال حاضر بیشتر تمرکز ما بر گسترش فعالیت در اروپا برای جلب حمایت از این جنبش در عربستان است.»

او همچنین گفت: «در نظامی که ما در نظر داریم خانواده سلطنتی آل سعود، تنها به عنوان رهبرانی نمادین باقی می‌مانند، همانند ملکه بریتانیا، اما قدرت واقعی باید در دست مردم باشد.» شاهزاده خالد بن فرحان آل سعود که از سال ۲۰۰۷ در تبعید در آلمان زندگی می‌کند، گفت که این جنبش جدید از شهروندان سعودی حمایت

قانونی خواهد کرد به همین دلیل آنها دیگر مجبور نخواهند بود که تنها به رسانه‌های اجتماعی متکی باشند. وی به «ایندیپندنت» گفت: «من در سال ۲۰۰۷ پس از اینکه به من هشدار دادند که به خاطر انتقاد از دولت مرا دستگیر خواهند کرد مجبور به ترک خاک عربستان شدم.»

وی افزود: «من خودم این رنج را احساس کرده‌ام بنابراین می‌خواهم به دیگران کمک کنم که با مشکلات مشابه من مواجه نشوند. هنگامی که شما در برابر دولت خواستار کمک هستید، باید کسی به کمک شما بشتابد.» خالد بن فرحان افزود: «مخالفت برخی از خاندان سلطنتی بخشی از رویارویی جنبش در داخل کشور با محمد بن سلمان است، پدرم و خواهرم در عربستان در حصر خانگی هستند.»

شاهزاده خالد بن فرحان گفت: «من تا به حال تنها عضو خانواده سلطنتی هستم که برای این حرکت گام برداشته، اما امیدوارم که دیگران نیز به این جنبش بپیوندند.»

وی درباره نحوه قتل جمال خاشقچی نیز یادآوری کرد: «جمال خاشقچی یکی از هزاران شهروند سعودی است که بطور غیرقانونی کشته شده‌اند. ما می‌خواهیم در برابر اینگونه بی‌عدالتی مقاومت کنیم تا کشورمان را از فروپاشی نجات دهیم.»

*منبع: ایندیپندنت
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

ایران در رتبه سوم اعمال تبعیض شغلی علیه زنان



● آمار بیکاری زنان در یزد و کرمان بالاتر از ۵۰ درصد است.

● ریاست جمهوری، قاضی دادگاه، مشاوره املاک، حفر چاه نفت، کارمند بخش‌هایی از شهرداری، کار در ارتش، پیک موتوری، مأمور آتش‌نشانی و کار در کافی‌شاپ‌های ممنوعه برای زنان در ایران هستند.

● مرکز آمار ایران در تازه‌ترین مطالعات خود در حوزه نیروی کار در ایران مهرماه امسال اعلام کرد که از ۲۶ میلیون و ۵۸۸ هزار و ۸۱۹ نفر نیروی فعال در سال ۹۶، فقط ۱۹.۷ درصد سهم زنان بدین معنا که از نیروی کار کنونی ایران فقط ۵ میلیون و ۵۱ هزار و ۸۷۵ زن مشارکت شغلی دارند. نرخ بیکاری زنان دارای مدرک فوق لیسانس، دکترا و بالاتر بیشتر از نرخ کلی بیکاری در میان زنان است. بر اساس آمارهای سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با سرعت زیادی از ۱۲ درصد به ۲۶ درصد طی ۹ سال افزایش داشته است.

بر مبنای این گزارش که ایسنا منتشر کرده، ایران در رتبه ۱۱۸ این فهرست قرار گرفته که آن را به عنوان سومین کشور تبعیض‌گر علیه اشتغال زنان رده‌بندی کرده است. ایران در رده‌بندی امسال، بالاتر از پاکستان و یمن و پایین‌تر از اردن و گینه در رده ۱۱۸ جهان قرار گرفته است.

در این بین، سوئیس در صدر فهرست اشتغال زنان با امتیاز ۸.۱ قرار گرفته و کشورهای پاکستان و یمن در آخر این فهرست جای دارند. یمن با ۶۴ امتیاز، تبعیض‌آمیزترین محیط کاری برای زنان را دارد. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اعلام کرده است که محروم شدن زنان از فرصت‌های شغلی برابر، به اقتصاد جهانی شش تریلیون دلار خسارت زده که معادل ۷.۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان است. پس از سوئیس، کشورهای دانمارک، سوئد، فرانسه و پرتغال دارای کمترین میزان تبعیض علیه زنان در محیط شغلی هستند. در کشورهای توسعه یافته، اختلاف دستمزد دریافتی زنان و مردان بطور متوسط معادل ۱۳.۶ درصد بوده است. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین مطالعات خود در حوزه نیروی کار در ایران، همراه امسال

بر مبنای این گزارش که ایسنا منتشر کرده، ایران در رتبه ۱۱۸ این فهرست قرار گرفته که آن را به عنوان سومین کشور تبعیض‌گر علیه اشتغال زنان رده‌بندی کرده است. ایران در رده‌بندی امسال، بالاتر از پاکستان و یمن و پایین‌تر از اردن و گینه در رده ۱۱۸ جهان قرار گرفته است.

در این بین، سوئیس در صدر فهرست اشتغال زنان با امتیاز ۸.۱ قرار گرفته و کشورهای پاکستان و یمن در آخر این فهرست جای دارند. یمن با ۶۴ امتیاز، تبعیض‌آمیزترین محیط کاری برای زنان را دارد. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اعلام کرده است که محروم شدن زنان از فرصت‌های شغلی برابر، به اقتصاد جهانی شش تریلیون دلار خسارت زده که معادل ۷.۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان است. پس از سوئیس، کشورهای دانمارک، سوئد، فرانسه و پرتغال دارای کمترین میزان تبعیض علیه زنان در محیط شغلی هستند. در کشورهای توسعه یافته، اختلاف دستمزد دریافتی زنان و مردان بطور متوسط معادل ۱۳.۶ درصد بوده است. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین مطالعات خود در حوزه نیروی کار در ایران، همراه امسال

ایران در رتبه سوم اعمال تبعیض شغلی علیه زنان در ایران هستند.

این عوعو سگان شما نیز بگذرد

سیف فرغانی

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد
هم رونق زمان شما نیز بگذرد
وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب
بر دولت آشیان شما نیز بگذرد
باد خزان نکبت ایام ناگهان
بر باغ و بوستان شما نیز بگذرد
آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
ای تیغستان چو نیزه برای ستم دراز
این تیزی سنان شما نیز بگذرد
چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد
بیداد ظالمان شما نیز بگذرد
در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت
این عوعو سگان شما نیز بگذرد
آن کس که اسب داشت غبارش فرونشست
گرد سم خران شما نیز بگذرد
بادی که در زمانه بسی شمعها بکشت
هم بر چراغدان شما نیز بگذرد
زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت
ناچار کاروان شما نیز بگذرد
ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
تأثیر اختران شما نیز بگذرد
این نوبت از کسان به شما ناکسان رسید
نوبت ز ناکسان شما نیز بگذرد
بیش از دو روز بود از آن دگر کسان
بعد از دو روز از آن شما نیز بگذرد
بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم
تا سختی کمان شما نیز بگذرد
در باغ دولت دگران بود مدتی
این گل ز گلستان شما نیز بگذرد
آبی ست ایستاده درین خانه مال و جاه
این آب ناروان شما نیز بگذرد
ای تورمه سپرده به چوپان گرگ طبع
این گرگی شبان شما نیز بگذرد
پیل فنا که شاه بقا مات حکم اوست
هم بر پیادگان شما نیز بگذرد
ای دوستان به نیکی خواهم دعای سیف
یک روز بر زبان شما نیز بگذرد

صادق آملی لاریجانی ناکام ماند؛

ابراهیم رئیسی نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری شد

● **حجت الاسلام ابراهیم رئیسی** یک روز پس از مراسم معارفه‌اش به عنوان رئیس قوه قضاییه، صبح سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه برای کسب مقام نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری به رقابت با آیت الله صادق آملی لاریجانی و فاضل گلپایگانی پرداخت و پیروز شد.

● **خبرگزاری فارس** از عنوان «آیت الله» برای ابراهیم رئیسی استفاده کرده است! ● **آیت الله شدن** یک شبه **حجت الاسلام‌ها در جمهوری اسلامی** در مورد افرادی چون خود علی خامنه‌ای و علی اکبر هاشمی رفسنجانی سابقه دارد اما همزمانی «آیت‌الله» خطاب کردن ابراهیم رئیسی با انتصاب او به عنوان رئیس قوه قضاییه و نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری بیانگر راهی است که زمامداران جمهوری اسلامی در حال گشودن آن به روی سید ابراهیم رئیسی معروف به «آیت‌الله قتل عام» هستند.

نکته قابل توجه در این میان خبری است که خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران درباره انتخاب ابراهیم رئیسی به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری منتشر کرده است. در این خبر برای ابراهیم رئیسی از عنوان «آیت‌الله» استفاده شده است. هر چند آیت‌الله شدن یک‌شبه حجت‌الاسلام‌ها در جمهوری اسلامی در مورد افرادی چون خود علی خامنه‌ای و علی اکبر هاشمی رفسنجانی سابقه دارد اما همزمانی «آیت‌الله» خطاب کردن ابراهیم رئیسی با انتصاب او به عنوان رئیس قوه قضاییه از سوی علی خامنه‌ای و نایب رئیس اول شدن او در مجلس خبرگان رهبری بیانگر راهی است که زمامداران جمهوری اسلامی در حال گشودن آن به روی سید ابراهیم رئیسی معروف به «آیت‌الله قتل عام» هستند.

حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی صبح روز سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه در ششمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری به عنوان نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد. حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی یک روز پس از مراسم معارفه‌اش به عنوان رئیس قوه قضاییه، صبح سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه در مجلس خبرگان رهبری

وزیر خارجه واقعی جمهوری اسلامی ایران کیست؟!

خواهان تغییر هستند رقابت جدی برای دولت موازی ایجاد کند.

رژیم ایران اکنون برای بازتولید یک طبقه سیاسی جدید با بحران واقعی مواجه است به همین دلیل اجازه نمی‌دهد که مخالفان داخلی خودش، شخصیت‌هایی را بازسازی کنند که به رقبای مبارزه برای قدرت در آینده تبدیل شوند. حکومت ایران در حال گذار از سنین فرسودگی انقلاب است و مرحله پس از خامنه‌ای و روحانی و سرنوشت این رژیم مرحله‌ای پیچیده و مبهم خواهد بود به ویژه که علائم وقوع یک انقلاب بنیان‌برافکن از گرسنگان در جامعه ایران اکنون نمایان شده است انقلابی که کلیت نظام حاکم را سرتنگون خواهد کرد.

بین استعفا و بازگشت ظریف، قاسم سلیمانی تنها طراح حقیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هزینه داخلی کنار زدن ظریف را درک کرد پس با عجله برای مهار کردن آن گام برداشت و با این صحنه‌سازی و دعوت از اسد در خارج از پروتکل‌های رسمی خواست تا پیام‌های مهم رژیم را هم برای جریان‌های داخلی و هم برای خارج ارسال کند.

در این میان اما مراکز قدرت تدریجاً در داخل ساختار رژیم تلاش کردند که دلیل استعفا ظریف را به گونه‌ای دیگر توجیه کنند. این جریان که میانه خوبی با روحانی و تیم وی ندارد، دلیل استعفا ظریف را نتیجه اختلاف درونی رئیس جمهوری و وزیر خارجه‌اش قلمداد کرد. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیته امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در این‌باره گفت، استعفا ظریف به دلیل اختلافات درونی کابینه دولت روحانی اتفاق افتاد.

در این میان ظریف که به بقا و ادامه‌ی وظیفه مجبور شد، تا کنون دو بار است که از ظهور در نقش قهرمان محروم می‌شود: یک بار برای به ثمر رساندن توافق هسته‌ای که با وجود تشبیه او به دکتر محمد مصدق، ناکام ماند؛ و این بار که تصمیم گرفت از وظایف محوله شانه خالی کند و نقش معترض قهرمان به خود بگیرد!

اما این بار نیز او بین رفتن و ماندن معلق ماند. همانطور که منابع داخلی ایران آن را با عباراتی مانند «استعفا با ارتعاش ظریف» و «فریاد ظریف» توصیف کردند.

● منبع: شرق الاوسط
● نویسنده: مصطفی فصیح
● ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



ظریف و سلیمانی...

ظریف نمی‌تواند به آن شکلی که باید و شاید آن را جامه عمل بپوشاند؛ به همین دلیل او را مجبور به استعفا کرده و سپس با درک پیامدهای ناشی از آن تصمیم به برگرداندن او گرفتند. ترسیم صحنه‌های سیاسی در ایران توسط یک جریان صورت می‌گیرد و تنها آن جریان است که زمان انقضای صلاحیت افرادی چون ظریف و روحانی را مشخص می‌کند؛ اگر ظریف اسد را بطور رسمی از طریق کانال دستگاه قضایی دعوت می‌کرد شاید از سوی خیلی‌ها مورد هجوم قرار می‌گرفت به ویژه از سوی شهروندان منتقد ایرانی که با مشکلات اقتصادی و معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند و بطور مرتب در اعتراض‌ها علیه هدر دادن ثروت ملی در پروژه‌های خارجی رژیم مانند دخالت در سوریه شعار می‌دهند. در حقیقت سپاه پاسداران نمی‌خواهد ظریف را برکنار کند بلکه او را کم‌کم تضعیف کند تا با پایان دوره ریاست جمهوری روحانی، بطور قانونی نقش او نیز به پایان برسد.

پایان کار ظریف و روحانی هم‌زمان خواهد بود؛ این دو نه تنها از صحنه قدرت بلکه بطور کامل از صحنه سیاسی محو خواهند شد مانند همه کسانی که قبل از دولت روحانی نقش ایفا کرده بودند. ظریف و روحانی باید تا آخر دوره‌ی قانونی قوه مجریه، دستورات و دیکته‌های دولت موازی «سپاه» را بطور کامل اجرا کنند همان دولتی که روحانی آن را «دولت با تفنگ» خوانده بود. اکنون دولت موازی در نظر دارد تا در آینده همه شکست‌های سیاسی و اقتصادی را به گردن دولت روحانی و دار و دسته‌اش بیندازد. دولت موازی نمی‌خواهد که روحانی یا ظریف یا هر کس دیگری پس از انقضای دوره‌اش قادر به ایجاد یک نهاد مستقل سیاسی باشد و از طریق نیروهای سیاسی و مردمی که

«مسئله عدم اطلاع ظریف نسبت به سفر بشار اسد به تهران قطعاً نقش مهمی در استعفا وی داشته است، اما این تنها دلیل استعفا او نیست. حرکت‌های موازی از جمله موارد زیادی از بازدیدها و مذاکرات که بدون هماهنگی با او صورت گرفته دلیل اصلی استعفا او بوده.» تصویر این بحران، بیانی آشکار از بی‌اطمینانی و شک و تردید در میان نهادهای رسمی و غیررسمی دولت جمهوری اسلامی است. ظهور قاسم سلیمانی در کنار بشار اسد و روحانی ما را به یاد شعر ابوالطیب المتنبی در باره فتح عموری می‌اندازد که می‌گوید: «خبر شمشیر همیشه رساتر و صادق‌تر از اخبار درون نامه‌هاست!» حضور قاسم سلیمانی به عنوان وزیر امور خارجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بجای جواد ظریف در کنار حسن روحانی و بشار اسد رئیس جمهوری سوریه و متعاقب آن استعفا ظریف و پس گرفتن استعفایش مصداق مثال «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون» و نشانه‌ای واضح از ضعف موقعیت ظریف و کل دستگاه وزارت خارجه در ساختار رژیم ایران است.

استعفا ظریف روایت ضعف نهادهای رسمی رژیمی نیز هست که دیدار بشار اسد را نتیجه یک خطای پروتکلی و شرایط امنیتی اعلام کرده تا آن را توجیه کند. استعفا ظریف حاکی از واقعیتی است که سال‌ها تلاش می‌شد تا از مردم ایران مخفی بماند. این واقعیت حالا برملا شده و آن اینکه همه نهادهای جمهوری اسلامی «صوری» هستند. این استعفا بار دیگر تصمیم‌گیران حقیقی رژیم را یادآوری کرد. از ظاهر صحنه چنین به نظر می‌رسد که رژیم ایران برای برخورد با جامعه بین‌المللی به دنبال سیاست خارجی جدیدی است که

● **ظهور قاسم سلیمانی در کنار بشار اسد و روحانی** ما را به یاد این عبارت می‌اندازد که: «خبر شمشیر همیشه رساتر و صادق‌تر از اخبار درون نامه‌هاست!» حضور قاسم سلیمانی به عنوان وزیر امور خارجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بجای جواد ظریف در کنار حسن روحانی و بشار اسد رئیس جمهوری سوریه و متعاقب آن استعفا ظریف و پس گرفتن استعفایش مصداق مثال «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون» و نشانه‌ای واضح از ضعف موقعیت ظریف و کل دستگاه وزارت خارجه در ساختار رژیم ایران است.

● **چنین به نظر می‌رسد که رژیم ایران برای برخورد با جامعه بین‌المللی به دنبال سیاست خارجی جدیدی است که ظریف نمی‌تواند به آن شکلی که باید و شاید آن را جامه عمل بپوشاند؛ به همین دلیل او را مجبور به استعفا کرده و سپس با درک پیامدهای ناشی از آن تصمیم به برگرداندن او گرفتند.**

استعفا عجلانه و بدون مقدمه محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و تغییر تصمیم و پس گرفتن بلافاصله استعفایش، یک پرسش جدی را مطرح می‌کند و آن اینکه وزیر خارجه واقعی ایران که دیپلماسی موازی با دیپلماسی رسمی دولت جمهوری اسلامی را هدایت کرده و نهاد‌های دولتی را به حاشیه رانده و تا مرز ترسیم سیاست خارجی پیش رفته، کیست؟ غلامعلی جعفرزاده نماینده مجلس شورای اسلامی ضمن اشاره به نقش نهادهای موازی در ایران گفته است: «دهه‌ها مورد از دیدارها و مذاکرات موازی با دستگاه دیپلماسی دولت منجر به استعفا آقای ظریف شد.» جعفرزاده چهارشنبه گذشته در مصاحبه‌ای با وبسایت «اعتقاد» گفت:

روزنامه آلمانی «بیلد»:

رئیس جدید قوه قضاییه در ایران؛ عامل قتل عام، طرفدار شکنجه و بی‌رحم

حقوق بشر در ایران محکوم کرده و یادآور شده‌اند که رئیسی بایستی جهت جنایت‌هایی که مرتکب شده به دادگاه کشانده شده و مورد پاسخگویی قرار گیرد. معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نیز انتصاب رئیسی را «شرم‌آور» خوانده است.

این روزنامه می‌افزاید که رئیسی «فرزندخوانده‌ی رهبر ۷۸ ساله جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و به عنوان جانشین احتمالی او نیز مطرح است.

این روزنامه همچنین به نقش ابراهیم رئیسی در نهاد «فاسد آستان قدس رضوی» که ثروت هنگفتی را در سراسر ایران مدیریت می‌کند اشاره کرده و در پایان مقام و منصب‌های متفاوت او را به عنوان دادستان کل کشور و معاون کل قوه قضاییه در دوران محمود شاهرودی که به «قاضی مرگ» معروف بود، می‌شمارد.

«بیلد» می‌نویسد که قبل از رئیسی، صادق آملی لاریجانی بیش از ۹ و نیم سال رئیس قوه قضاییه بوده. وی به علت اعمال ضد حقوق بشری خود از جمله شکنجه و اعدام کودکان در لیست تحریم‌های آمریکا قرار دارد. صادق لاریجانی اکنون به ریاست مجمع پر قدرت تشخیص مصلحت نظام برگزیده شده است. ● ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



سید ابراهیم رئیسی

روزنامه «بیلد» در گزارش خود با اشاره به نقش ابراهیم رئیسی در جریان اعتراضات مردم در سال ۱۳۸۸ به طرفداری وی از صدور احکام کیفری قطع دست و پا به عنوان «مجازات الهی» نیز می‌پردازد و یادآوری می‌کند که اینگونه مجازات‌های شرعی برای وی «منشاء افتخار» محسوب می‌شوند.

● **این انتصاب شرم‌آور است** به نوشته‌ی «بیلد»، فعالان حقوق بشر و دولت ایالات متحده آمریکا این انتصاب را شدیداً محکوم کرده‌اند. ناظران جهانی حقوق بشر انتصاب رئیسی را به عنوان آینده‌ی تمام‌نمای بدتر شدن وضعیت

که در آنها زندانیان سیاسی صرفاً به علت پایبندی به عقاید خود محکوم به مرگ می‌شدند افزوده است که در تابستان آن سال هزاران زندانی سیاسی در زندان‌ها به فرمان او به چوبه‌های دار آویخته شدند. این روزنامه همچنین خاطرات برخی از بازماندگان را بازنشر کرده که هنوز هم از یادآوری وقایع وحشتناک آن روزها که از سحرگاهان تا پاسی از شب ادامه می‌یافت، رعشه بر تن‌شان می‌افتد. این روزنامه می‌افزاید که حتی بعضی از نگهداران زندان نیز تاب تحمل این صحنه‌های وحشتناک ضد انسانی را نداشته‌اند.

انتصاب حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی مورد توجه رسانه‌های کشورهای دیگر نیز قرار گرفت. روزنامه «بیلد» که پر خواننده‌ترین روزنامه آلمان محسوب می‌شود روز شنبه ۹ مارس با اشاره به فرمان علی خامنه‌ای مبنی بر معرفی سید ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جدید قوه قضاییه نوشته است، یک «طرفدار شکنجه» و یک «قتل عام کننده» رئیس جدید قوه قضاییه‌ی جمهوری اسلامی در ایران شد. «بیلد» این عکس را همراه با گزارش خود منتشر کرده است.

«بیلد» می‌نویسد، ابراهیم رئیسی ۵۸ ساله که به عنوان رئیس جدید قوه قضاییه منصوب شده موظف است طبق فرمان علی خامنه‌ای، ولی فقیه، تمام تلاش خود را بر اساس «نیازمندی‌ها، پیشرفت و مصالح» نظام جهت تحول سیستم قضایی جمهوری اسلامی در چهلمین سالگرد انقلاب آن مبذول دارد. «بیلد» یادآوری کرده که علی خامنه‌ای رئیسی را به علت «تجربه طولانی در بخش‌ها و سطوح مختلف قضایی» به این سمت منصوب کرده است. این روزنامه ضمن پرداختن به رویدادهای دهه شصت خورشیدی و سال ۱۳۴۷ و نقش ابراهیم رئیسی در «کمیته مرگ» و تشریح چگونگی برگزاری دادگاه‌های چند دقیقه‌ای

جمهوری اسلامی نگران «وقت گشی» اروپایی ها برای راه اندازی «اینستکس»



استقبال دیپلمات‌های آلمان، فرانسه و انگلیس از رئیس اینستکس در محل سفارت آلمان در تهران

آنها کالاهای اساسی، نهادهای دامی تولید خوراک دام، دارو و مواد غذایی که شامل تحریم‌های آمریکا نمی‌شود دریافت کنیم که همین محدودیت باعث می‌شود که اروپایی‌ها به سمت کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات نفتی و امثال آن حرکت نکنند»

به گزارش فارس، رئیس انجمن خوراک دام، طیور و آبزیان اعلام کرد: «اینستکس شرکتی است که فعلاً مشخص نیست همتای آن در ایران کیست، ضمن اینکه بررسی‌های مان‌شان می‌دهد که شرکت‌ها و بانک‌های مطرح اروپایی تمایلی برای همکاری با این کانال مالی ندارند»

وی اظهار داشت: «زمان اجرای این کانال خیلی طولانی شده است، مثلاً پس از ۱۰ ماه از طرح این مسئله، آقای فیشر مدیرعامل اینستکس تازه به ایران آمده است. عراقچی هم به خاطر کند بودن اجرای اینستکس رضایتی نداشت.»

وقت گشی اروپا

روزنامه کیهان چاپ تهران، چهارشنبه ۲۱ اسفند، در گزارشی بار دیگر به دولت روحانی و اروپایی‌ها انتقاد کرده و نوشته پس از گذشت ۱۰ ماه از خروج آمریکا از برجام مدیر اینستکس به تهران آمده و اروپایی‌ها همچنان وقت گشی می‌کنند و به تعهدات برجامی خود عمل نمی‌کنند. این روزنامه با «تحقیرآمیز» خواندن اینستکس در ادامه نوشته، کشورهای اروپایی نه تنها تا کنون هیچ اقدامی در راستای تعهداتشان انجام ندادند بلکه «برخی دیپلمات‌های اروپایی مستقر در بروکسل از تصمیم‌گیری جدید در تمدید تحریم‌ها علیه برخی مسئولان ایرانی به دلایل واهی حقوق بشری خبر دادند.»

تصمیم حاکمیتی

روزنامه جوان وابسته به سپاه نیز در گزارشی نوشته در دیدار رئیس اینستکس هیچ خبرنگاری حضور نداشته و دور از چشم برگزار شده و پرسیده «آیا از ابتدا مقدمات برای دیدارهای محرمانه در سفارت‌های خارجی و آنهم با بخش غیردولتی ایران تدارک دیده شده بود؟» تصمیم ایجاد کانال مالی میان ایران و سه کشور اروپایی یک تصمیم حاکمیتی است، قرار است در پشت پرده‌ها و با فشار از سوی بخش خصوصی چنین اتفاقی بیفتد؟! این روزنامه افزوده «یک ضیافت شام هم سفیر آلمان در تهران به مناسبت حضور فیشر، رئیس تازه منصوب شده اینستکس در منزل شخصی خود در تهران گرفته که از چند و چون آن خبر چندان در دست نیست» و همچنین تأکید کرده «خبرهای امیدوارکننده‌ای از این کانال مالی به گوش نمی‌رسد.»

گفته است که سیستم مالی اینستکس نه راهی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا است و نه اجرای آن بدون تأیید نهایی FATF توسط ایران ممکن است. حالا در رسانه‌های ایران می‌نویسند، ایران امیدوار است با بهره‌گرفتن از امکان این ساز و کار مالی بتواند به مشکلات پیش آمده به دنبال اعمال تحریم‌های آمریکایی «سر و سامان دهد».

از سوی دیگر پیوستن به کارگروه مالی FATF مستلزم تصویب لوابج پالمو و CFT و کنار گذاشتن موشک‌پرانی‌ها و خرابکاری‌های برون مرزی از سوی سپاه است، به اضافه اینکه شرایط قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی را فراهم می‌کند، امکان پولشویی و حمایت مالی از شبه‌نظامیان شیعه در منطقه توسط رژیم ایران به شدت محدودتر می‌شود و راه دور زدن تحریم‌های آمریکا را برای جمهوری اسلامی سخت‌تر می‌کند.

نفت در برابر غذا

مجید قدیری رئیس انجمن خوراک دام، طیور و آبزیان و یکی از بازرگانان حاضر در نشست سفارت آلمان در تهران گفته «آقای عراقچی معاون وزیر خارجه و چهار الی پنج نفر از بازرگانان بخش خصوصی هم در این ضیافت شام حاضر بودند. در این جلسه درباره شروع کار اینستکس صحبت شد. سفیر آلمان و عراقچی و فیشر هم در این جلسه صحبت کردند».

وی افزود: «کانال مالی زمانی به معنای واقعی و کاربردی راه‌اندازی می‌شود که پول به آن وارد شود و عملاً این اتفاق نمی‌افتد، در واقع ما باید نفت به اتحادیه اروپا بفروشیم و بجای پول از

رئیس انجمن خوراک دام، طیور و آبزیان: اینستکس شرکتی است که فعلاً مشخص نیست همتای آن در ایران کیست. ضمن اینکه بررسی‌های مان‌شان می‌دهد که شرکت‌ها و بانک‌های مطرح اروپایی تمایلی برای همکاری با این کانال مالی ندارند.

کیهان تهران: برخی دیپلمات‌های اروپایی مستقر در بروکسل از تصمیم‌گیری جدید در تمدید تحریم‌ها علیه برخی مسئولان ایرانی به دلایل واهی حقوق بشری خبر دادند.

روز نامه جوان وابسته به سپاه: خبرهای امیدوارکننده‌ای از این کانال مالی به گوش نمی‌رسد.

پر فیشر مدیر ساز و کار مالی اینستکس، کانال مبادلات تجاری میان ایران و اروپا به ایران رفته است. خبر سفر این بانکدار باسابقه آلمانی، ۱۱ مارس (۲۰ اسفند)، در توئیتر سفارت فرانسه در تهران رسانه‌ای شد.

این بانکدار ۶۹ ساله که ریاست کومرتس‌بانک آلمان (بانک تجارت آلمان) را در کارنامه خود دارد با تجربیات فراوان در حوزه اقتصادی و مالی به تهران رفته تا با مقام‌های جمهوری اسلامی در مورد شرایط اجرای اینستکس مذاکره کند. انطور که برخی فعالان اقتصادی گفتند پر فیشر در سفارت آلمان با جمعی از فعالان اقتصادی ایران نیز دیدار کرده است. اینستکس قرار است در مرحله اول تجارت کالاهای اساسی از جمله مواد غذایی و دارو را ممکن کند. همان چیزی که به «نفت در برابر غذا» معروف است. دولتی‌ها اما ادعا می‌کنند اینستکس محدود به غذا و دارو نیست و دامنه مبادلات در این سیستم به تدریج گسترش خواهد یافت. دولت امیدوار بود ساز و کار مالی اروپایی‌ها راهی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا پیش پای جمهوری اسلامی بگشاید اما می‌شاید کلوربرشتولد سفیر آلمان در ایران نیز روز چهارشنبه اول اسفند ۹۷ به خبرگزاری تسنیم

ایران وایر: درباره املاک و فعالیت‌های مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقادر آمریکا و کانادا چه می‌دانیم؟



این ملک ارزش بیش‌تری پیدا کرده بوده است اما فروش آن با ضرر، تنها با در نظر گرفتن این‌که خریدار آن چه کسی است، قابل فهم می‌شود. شرکت Georgetown Properties LLC که خانه خانم شیخ‌الاسلامی را خریده، شرکتی کاغذی است؛ یعنی آدرس و مکان واقعی ندارد و موسس، مالک و مدیر آن، خود خانم شیخ‌الاسلامی است. نکته قابل توجه این‌که به نظر می‌رسد او نام این شرکت را احتمالاً برای رد گم کردن، بسیار شبیه یک شرکت واقعی به نام «Georgetown Properties LLC» انتخاب کرده است.

مدیر پیشین خبرگزاری میراث فرهنگی این شرکت را در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۹۶ تاسیس و ثبت کرده و تنها ۴۷ روز بعد از تاسیس شرکت، خانه‌اش را به شرکت خودش فروخته است. طبیعتاً او و همسرش خانه را ترک نکرده و همان‌جا مانده‌اند. باید اضافه کرد که هزینه‌های قانونی و اداری این معامله صوری و تنظیم اسناد آن احتمالاً بیش‌تر از ۶۰ هزار دلار بوده که شرکت صوری خانم شیخ‌الاسلامی به عنوان خریدار پرداخت کرده است.

نکته جالب دیگر این‌که کارگزاران خرید این خانه، نه از کارگزاران رسمی خرید املاک در آمریکا، که یک شرکت کارگزاری بوده است که به شرکت‌های دیگر (عموماً شرکت‌های کاغذی فاقد دفتر و مکان و پرسنل) خدمات اداری و اجرایی ارائه می‌دهد. این شرکت کارگزاری، پیش از آن هم کارگزار دو شرکت کاغذی دیگر مرجان شیخ‌الاسلامی بوده است که در ادامه به آن باز خواهیم گشت. خانم شیخ‌الاسلامی با گذشتن ۹ ماه از این معامله، دوباره همین خانه را

«رضا حمزه‌لو»، متهم ردیف اول پرونده پتروشیمی گفته است با طرح اسامی افراد دخیل در دور زدن تحریم‌ها در دادگاه، این افراد هم به مهره سوخته بدل می‌شوند. با این تغییر، مرجان شیخ‌الاسلامی یکی از این مهره‌های سوخته است؛ روزنامه‌نگار سابق که نامش در این پرونده در ارتباط با دو شرکت «دنیز» و «هترا تجارت» طرح و متهم شده است همراه با حمزه‌لو، جدا از پورسانت یک تاسه درصدا، در مجموع ۱۶ میلیون و ۶۵۳ هزار دلار مال نامشروع کسب کرده است. در دادگاه هم چنین گفته شده است که این دو در یک مبلغ انتقال پول، در مجموع ۱۲۸ میلیون یورو به مالک اصلی فرآورده‌ها زبان رسانده‌اند و درصدا نامشخصی از آن را هم سود برده‌اند. پیش‌تر هم «بولتن نیوز» مرجان شیخ‌الاسلامی را متهم کرده بود که قراردادی با شرکت نفت و گاز «سپانیر»، وابسته به قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» سپاه داشته و مبلغی هم دریافت کرده اما بدون عمل به قرارداد، از ایران گریخته است.

ادامه در صفحه ۲۳

وبسایت ایران وایر در گزارشی به قلم شاهد علوی @ShahedAlavi به جستجو درباره فعالیت‌های تجاری و املاک مرجان شیخ‌الاسلامی پرداخته است.

متن کامل این گزارش را به نقل از وبسایت ایران وایر در ادامه می‌خوانید. در جریان رسیدگی به پرونده موسوم به «فساد پتروشیمی»، از میلیون‌ها دلاری صحبت شده که به گفته دادستان، به شیوه «غیرمشروع» تحصیل شده‌اند. یکی از متهمان این پرونده، «مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا» است. با توجه به این‌که او سال‌ها است در کانادا و آمریکا زندگی می‌کند و در این کشورها ملک و شرکت تجاری دارد، این پرسش پیش می‌آید که با توجه به محدودیت‌های اعمال شده در این کشورها بر پول‌هایی که از کشورهای فاقد قوانین روشن در مورد پول‌شویی می‌آیند و نگرانی آن‌ها از عملیات پول‌شویی، مرجان شیخ‌الاسلامی چه‌گونه سرمایه‌اش را جابه‌جا کرده است؟

در این گزارش کوتاه با توجه به سوابقی که از سرمایه و فعالیت‌های مرجان شیخ‌الاسلامی در آمریکا و کانادا در دسترس است، تلاش می‌شود پاسخ روشنی به پرسش‌های ممکن در این باره داده شود.

در بررسی وضعیت اقامت شیخ‌الاسلامی در آمریکا به نام چند شرکت برخورداریم که به نام وی ثبت شده‌اند؛ شرکت‌هایی که آدرس و مکان مشخصی ندارند و با عنوان «شرکت‌های کاغذی» شناخته می‌شوند؛ شرکت‌هایی که تنها روی کاغذ وجود دارند. یکی از کارکردهای اصلی شرکت‌های کاغذی، انجام معاملات صوری جهت پول‌شویی است. از این شرکت‌ها هم چنین می‌توان برای عملیاتی که با عنوان دور زدن تحریم‌ها شناخته می‌شود نیز استفاده کرد. اما شیخ‌الاسلامی به چه منظور از آن‌ها استفاده کرده است؟

مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) خانهای به مبلغ دو میلیون و ۳۵۰ هزار دلار در واشنگتن‌دی‌سی می‌خرد و به همراه همسر دومش، «مهدی خلجی»، در آن اقامت می‌کند. می‌توان حدس زد که با توجه به سابقه خانوادگی و کاری خانم شیخ‌الاسلامی، خرید خانه‌ای به این مبلغ بدون استفاده از وام بانکی، (زیرا به نظر می‌رسد در آن تاریخ شرایط دریافت وام را نداشته است) احتمالاً با درآمدهای حاصل از فعالیت او در عملیات دور زدن تحریم‌ها در پرونده «پی‌سی‌سی» ممکن شده است.

اما نکته جالب این است که او همین خانه را ۲۱ ماه بعد، در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۹۶، با ۲۹۶ هزار دلار ضرر، به قیمت دو میلیون و ۵۴ هزار دلار، به شرکت «Georgetown Properties LLC» می‌فروشد. البته با توجه به تعویض سقف ساختمان و سیستم تهویه خانه پس از خرید آن از سوی خانم شیخ‌الاسلامی،

یک واحد تازه در وزارت خارجه آمریکا برای رصد کردن فعالیت‌های مالی جمهوری اسلامی

دنبال افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی است. وبسایت وزارت خارجه‌داری آمریکا در گزارشی به نقل از سیگال مندلکر معاون امور تروریسم و اطلاعات مالی وزارت خارجه‌داری ایالات متحده از تشکیل واحد تازه‌ای به‌نام «واحد ترکیبی مسائل مالی ایران» خبر داده است تا اطلاعات در مورد رژیم ایران را افزایش دهند و راه‌های تازه‌ای برای مقابله با رژیم پیدا کنند.

این مقام امنیتی، ۲۱ اسفند ماه، در نشست که با یکی از کمیته‌های فرعی مجلس نمایندگان آمریکا برگزار شده گفته واحد ترکیبی مسائل مالی ایران نهادی داخلی معاونت امور تروریسم و اطلاعات مالی است که برای بهبود فعالیت‌های مربوط به ایران تشکیل شده‌است.

اصلی‌ترین اولویت‌های این نهاد جدید مسائل مربوط به کره شمالی، روسیه، داعش، ایران، ارز مجازی، حقوق بشر و فساد است. این مقام آمریکایی توضیح داده «ایران اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان است و ما همچنان به فشار حداکثری اقتصادی به این رژیم برای مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای ادامه می‌دهیم.» وی همچنین توضیح داده «بخشی

صورت مغایرت با تحریم‌ها، عاملان آن را تحت فشار قرار می‌دهد. علیم یارمحمدی نماینده زاهدان، چهارشنبه ۲۲ اسفند، در مصاحبه با خبرگزاری مجلس گفته یکی از راهکارها برای دور زدن تحریم‌های کشتیرانی، اجاره و استفاده از پرچم برخی کشورها مانند کشور پاناما بود، اما در شرایط کنونی آمریکا این بخش‌ها را شناسایی و تحت فشار قرار داده است.

او تأکید کرده «قابل کتمان نیست که تحریم‌های آمریکا کار را برای فعالیت کشتی‌های ایرانی سخت کرده و عرصه در این حوزه تنگ شده و نیازمند تمهیدات ویژه است.» یارمحمدی توضیح داده پیش از ۵۰ درصد حمل و نقل کالای ایران توسط حمل و نقل دریایی صورت می‌گیرد که در شرایط تحریم بخشی از انتقال کالا با مشکل مواجه شده است. این نماینده مجلس با این حال مدعی شده «بطور حتم جمهوری اسلامی راهکارها و شگردهای جدیدی برای دور زدن تحریم‌ها دارد و قطعاً فشارهای تحریمی ایالات متحده نمی‌تواند مانع از فعالیت از صنعت کشتیرانی شود.»

آغاز به کار واحد ترکیبی مسائل مالی ایران ولی آمریکا نیز همچنان به

علیم یار محمدی عضو کمیسیون عمران مجلس می‌گوید آمریکا روش ویژه‌ای را برای تحریم‌های ایران اجرایی کرده و سیستم تحریمی این کشور کوچک‌ترین مسائل را رصد می‌کند.

سیگال مندلکر معاون امور تروریسم و اطلاعات مالی وزارت خارجه‌داری آمریکا از تشکیل واحد تازه‌ای به‌نام «واحد ترکیبی مسائل مالی ایران» خبر داده که یکی از اهداف

یک عضو کمیسیون عمران مجلس می‌گوید، آمریکا در اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران روش ویژه‌ای را اجرایی کرده و سیستم تحریمی این کشور، کوچک‌ترین مسائل را مورد رصد قرار داده و در

صورت مغایرت با تحریم‌ها، عاملان آن را تحت فشار قرار می‌دهد. علیم یارمحمدی نماینده زاهدان، چهارشنبه ۲۲ اسفند، در مصاحبه با خبرگزاری مجلس گفته یکی از راهکارها برای دور زدن تحریم‌های کشتیرانی، اجاره و استفاده از پرچم برخی کشورها مانند کشور پاناما بود، اما در شرایط کنونی آمریکا این بخش‌ها را شناسایی و تحت فشار قرار داده است.

حضور میلیونی در میدان‌های الجزایر، عبدالعزیز بوتفلیقه را مجبور به عقب‌نشینی کرد



بوتفلیقه ۲۰ سال رئیس جمهور الجزایر بوده و حالا هم با وجود اینکه در انتخابات جدید نامزد نمی‌شود ولی برگزاری آن را به تعویق انداخته است!

● حضور میلیونی مردم در خیابان‌های الجزایر، عبدالعزیز بوتفلیقه، حزب حاکم و ارتش را مجبور به عقب‌نشینی کرد.
● عبدالعزیز بوتفلیقه از کاندیدا شدن برای پنجمین بار در انتخابات ریاست جمهوری انصراف داد.
● لوئیزه حنون، رهبر حزب کارگران الجزیره، در گفتگو با کیهان لندن از شباهت‌های نظام حاکم بر ایران با الجزایر می‌گوید.

احمد رأفت - عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس جمهور بیمار و ۸۲ ساله الجزایر بالاخره صدای میلیونی میدان‌های کشورش را شنید و از کاندیدا شدن برای پنجمین بار در انتخابات ریاست جمهوری انصراف داد. عبدالعزیز بوتفلیقه تا کنون چهار نوبت یعنی ۲۰ سال ریاست جمهوری این کشور آفریقایی را بر عهده داشته و در آخرین انتخابات هم بدون هیچ رقیبی توانست حضور خود در کاخ ریاست جمهوری را تمدید کند.

این رئیس جمهور تقریباً مادام‌العمر، در پیام انصراف از کاندیداتوری خود صحبت از لزوم تأسیس جمهوری جدیدی در کشور و سپردن زمام امور به نسل‌های جوان صحبت کرده است. البته همزمان با این انصراف، تاریخ

تظاهرات که در عرض دو هفته به سراسر الجزایر گسترش یافت و از چند هزار نفری به چند میلیونی تبدیل شد، به عنوان مثال هزار قاضی را نیز به خیابان کشاند که در بیانیه‌ای اعلام کردند در صورت برگزاری انتخابات با عبدالعزیز بوتفلیقه به عنوان کاندیدا بر آن نظارت نخواهند کرد. در الجزایر بدون نظارت قضا، انتخابات رسمیت ندارد.

ریزش در پایه‌های قدرت حاکم
عبدالعزیز بوتفلیقه برای اولین بار در سال ۱۹۹۹، در پایان دهه‌ای که الجزایری‌ها از آن با عنوان «دهه سیاه» نام می‌برند قدم به کاخ ریاست جمهوری گذاشت. در «دهه سیاه» که الجزایر شاهد رشد اسلامگرایی افراطی و گروه‌های تروریستی بود، حدود ۲۰۰



الجزایر؛ ۱۳ مارس ۲۰۱۹

هزار نفر کشته و یا ناپدید شدند. پایان این دوران ولی به تحولی بسیار مثبت در این کشور انجامید. الجزایر پس از استقلال از فرانسه توسط سیستمی تک‌حزبی اداره می‌شد. تا پایان «دهه سیاه» تنها حزب قانونی، که البته هنوز هم با وجود تکثر احزاب، قدرت را در دست دارد، «جبهه آزادیبخش ملی» بود، که مبارزه برای استقلال از فرانسه را رهبری کرده بود. البته در جریان جنبش اعتراضی اخیر بخشی از این حزب نیز به مردم پیوست تا در آینده نیز بتواند سهمی از قدرت را حفظ کند. نیروهای مسلح نیز که تا دیروز در کنار عبدالعزیز بوتفلیقه و «جبهه آزادیبخش ملی» قرار داشتند، در دو بیانه اعلام بی‌طرفی کردند.

جوانانی که امروز در الجزایر خواهان تغییرات اساسی و کنار گذاشته شدن کادرهای قدیمی هستند، نه تنها هیچ خاطره‌ای از جنگ علیه استعمار فرانسه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی ندارند بلکه در «دهه سیاه» نیز یا قدم به این دنیا نگذاشته بودند و یا کودکان خردسالی بیش نبودند. نسل جوان، که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، حاضر نیستند که گذشته تنها بازماندگان مبارزه ضد استعماری را در نظر بگیرد، اگرچه خواهان کنار گذاشته شدن گروهی مبارزان ضد استعماری نیز نیست. عدم تکیه بر شکاف سنی، شاید یکی از رمزهای موفقیت جنبشی است که عبدالعزیز بوتفلیقه و یارانش را

لویزه حنون، که تا کنون دو بار در رقابت‌های انتخاباتی کاندیدای ریاست جمهوری بوده است، در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «کاندیدا شدن عبدالعزیز بوتفلیقه برای پنجمین بار اهانتی به شعور مردم الجزایر بود که به همین دلیل به صورت گسترده به خیابان آمدند.»

رهبر حزب کارگر الجزایر وضعیت کنونی کشورش را با جمهوری اسلامی نیز مقایسه می‌کند: «دوران رژیم که در الجزایر بر سر کار است، مانند نظامی که شما در ایران دارید، به پایان رسیده است. هیچکدام از این دو رژیم قادر به پاسخگویی به حداقل خواست‌های نسل جوان کشورشان نیستند و اگر نفت و گازی در کار نبود تا امروز نیز دوام نیاورده بودند. باید با حرکت‌های گسترده مردمی به عبدالعزیز بوتفلیقه و علی خامنه‌ای فهماند که دوران آنها بسر رسیده و قبل از اینکه خون بپاشد باید کناره‌گیری کنند.»

لویزه حنون در پایان گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «در الجزایر گویا عبدالعزیز بوتفلیقه این پیام را دریافت کرده است، حالا نوبت جوانان ایرانی است که با درایت و هوشمندی، با بسیج طبقات مختلف جامعه و بدون استفاده از خشونت که سرکوب شدید و از هم پاشیدگی حرکت‌های مردمی را به دنبال خواهد داشت، خیابان‌ها را به اشغال خود درآورند. هیچ نظامی در مقابل حضور میلیونی مردم در خیابان‌ها قادر به مقابله نخواهد بود زیرا هزینه سرکوبی در این ابعاد را رهبران نظام با جان خود پرداخت خواهند کرد.»

«اسکوبار» های حکومتی....

بیمه ایران

اواخر دهه ۸۰، موضوع اختلاس در دولت احمدی‌نژاد بر سر زبان‌ها افتاد و محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس دولت دهم به عنوان جعبه سیاه این پرونده معرفی شد. فساد، اختلاس، رشوه، سوء استفاده از موقعیت شغلی از اتهامات رحیمی بود که ۵ سال زندان و رد مال ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیونی را برایش به دنبال داشت. رحیمی که خود رئیس «ستاد مبارزه با فساد اقتصادی» بود، به عنوان رئیس «حلقه فاطمی» که دستوردهنده فساد صورت گرفته در بیمه ایران بود، شناخته شد.

۳ هزار میلیارد تومان اختلاس در ۷ بانک کشور

مه‌آفرید خسروی مدیرعامل «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» و رئیس هیات مدیره باشگاه داماش ایرانیان، متهم ردیف اول اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی اعدام شد و محمدرضا خاوری رئیس وقت بانک ملی به کانادا گریخت. ۱۵ تن از متهمان این پرونده به اعدام، حبس ابد و یک تا ۲۰ سال زندان محکوم شدند. در جریان این پرونده، رشوه‌های کلان به کارمندان دولت و دستگاه‌های اجرایی داده شد و بانک ملی و صادرات به عنوان مهمترین بانک‌های کشور، به جرگه بانک‌های فاسد افزوده شدند.

سعید مرتضوی

سعید مرتضوی قاضی و دادستان سابق

از صفحه ۲

پتروشیمی

تهران و رئیس کوتاه‌مدت سازمان تامین اجتماعی، به فساد مالی متهم و مصونیت قضایی‌اش لغو شد. بجز موارد نقض فاحش حقوق بشر توسط وی در دستگاه قضایی و فروش سوالات کنکور، از موارد اتهامی وی همدستی با بابک زنجانی است که در ازای ۵.۳ میلیارد یورو، قرار شد سازمان تامین اجتماعی ۱۲۷ شرکت زیرمجموعه خود را با نرخ تعیین شده بر اساس بورس کالا به زنجانی بفروشد. مرتضوی از جمله کسانی است که حکم شلاقش مشمول عفو آیت‌الله خامنه‌ای شده و اجرای دو سال زندانش روشن نیست و هر از گاهی بجای زندان در کربلا دیده می‌شود!

بابک زنجانی
او سردمدار دور زدن تحریم‌ها و خدمت به نظام است ولی بدهی ۲ میلیارد دلاری‌اش فقط به وزارت نفت (با احتساب خسارت حدود ۴ میلیارد دلار) زنجانی را به محکوم به اعدامی بدل کرد که مدت‌هاست پای چوبه دار ایستاده است! از او به عنوان یکی از یقه‌سفیدهای نزدیک به قدرت یاد می‌کنند که کلاهبرداری از شرکت نفت، بانک مسکن، تامین اجتماعی و پولشویی و جعل سند را در پرونده‌ی فساد خود دارد. احمدی‌نژاد او را تله برداران لاریجانی برای دولت خودش خواند. زنجانی در سال ۹۴ به اعدام محکوم شد ولی قوه قضاییه تا پس گرفتن پول‌هایی

از صفحه ۱۵

معضلی به نام خمینی

رهبر انقلاب اسلامی را نمی‌دانست و به زبان انگلیسی «روح‌الله» را «روح‌باه» (Ayatollah RuhoBah Khomeini) تلفظ می‌کرد. گمان نمی‌رود که منظور اندرو یانگ «روباه» بوده باشد!

به هر روی، چنانکه گفته شد، در ارائه شخصیت دروغین از روح‌الله خمینی اغلب روشنفکران چپ و شیفتگان کمونیسم هر یک سهم خود را ادا کردند تا این اعجوبه کم‌نظیر را از ژرفای تاریخخانه‌های اندیشه، به عوام ساده‌انگار تحمیل کنند. یکی با توسل به فلسفه‌های گنگ، دیگری با سفسطه‌های بیانی وزبانی و سایرین با اشعار سکرآمیز آنچه به دوران هیاهوی انقلاب در ایران زخم‌خورده و خسته از یورش‌ها و دردهای تاریخ از سوی شاعران و ترانه‌سرایان چپگرا

این عبارت برگرفته از کتاب اوست که گفته است: «آیت‌الله خمینی را غالباً یک روحانی سنتی توصیف کرده‌اند اما ایشان درواقع نوآور بزرگی در ایران بودند.»

آبراهامیان که در دانشگاه‌های پرینستون و نیویورک استاد تاریخ بوده کتاب‌های دیگری مانند «خمینیسم» و «مجاهدین ایرانی» نیز نوشته است. ویلیام سولیوان آخرین سفیر ایالات متحده در ایران هم در کتاب خاطرات خود به نام «ماموریت در ایران» از آیت‌الله خمینی ستایش می‌کند و او را رهبری می‌خواند که سیاست‌های پیش‌بینی‌ناپذیرش، آمریکا را یکی از دشوارترین چالش‌ها دست‌به‌گریبان کرد. اندرو یانگ رییس هیات نمایندگی آمریکا در سازمان ملل حتا نام کامل

از صفحه ۲۲

ایران وایر: درباره املاک و....

ندارد و نمی‌تواند ناشر نشریه‌ای باشد. گفتنی است که شرکت مادر آن هم که مشخص نیست از سوی چه کسی در دلور تأسیس شده بود، دیگر در سایت شرکت‌های ایالت دلور در دسترس نیست که به معنی منحل شدن آن است.

نکته قابل تامل دیگر این‌که شرکت فرهنگ و ایده هنر (Idea Center for Arts and Culture, LLC) مرجان شیخ‌الاسلامی ۲۹ روز پس از آن منحل شد که او شرکت تازه خود، یعنی Properties ۱ Georgetown LLC را تأسیس و ثبت کرد. آیا این تأسیس و انحلال‌ها احیاناً بخشی از یک عملیات پول‌شویی نیست؟ علاوه بر این، شاید بتوان پرسید چرا در حالی که شرکت مرکز فرهنگ و ایده هنر از اواخر تابستان سال ۱۳۹۶ منحل شده، شناسنامه قلمرو اصلاح نشده است؟ چه‌گونه صفحه این شرکت در فیس‌بوک هنوز فعال است و ۱۶ ماه پس از انحلال آن، یک برنامه تلویزیونی را تبلیغ می‌کند؟

اما سابقه آخرین فروش این دو خانه در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که فروشنده هیچ‌کدام از این خانه‌ها خانم شیخ‌الاسلامی نبوده است. به این ترتیب، با اطلاعات در دسترس، نمی‌توان تعلق این خانه‌ها به مرجان شیخ‌الاسلامی را تأیید کرد، تنها می‌توان گفت از احتمالاً در مقطعی مستاجر یا مالک این دو خانه بوده است. یا این‌که از آن‌ها برای گرفتن نامه‌هایشان استفاده می‌کرده است.

اما درباره شرکت کارگزاری مورد استفاده مرجان شیخ‌الاسلامی، این شرکت، کارگزار فعالیت‌های یکی دیگر از شرکت‌های خانم شیخ‌الاسلامی به نام «Idea Center for Arts and Culture, LLC» بوده است که نشریه «قلمرو» را منتشر می‌کرد. نکته بسیار قابل توجه این‌که در شناسنامه نشریه اینترنتی قلمرو، نام شرکت ناشر آن، «مرکز فرهنگ و ایده هنر» ذکر شده است؛ یعنی همین شرکتی که نام و لینک آن بالاتر به انگلیسی گذاشته شد. بر اساس سند ثبت شرکت، همان لینک بالا، مهدی خلجی و مرجان شیخ‌الاسلامی مشترکاً مدیریت آن را برعهده دارند. این شرکت ناشر که طبیعتاً تامین‌کننده مالی نشریه هم هست، ۱۷ تیرماه ۱۳۹۳ در واشنگتن دی‌سی ثبت شده و خود شعبه‌ای از شرکتی با همین نام است که ۱۵ فروردین ۱۳۹۳ در ایالت «دلور» به ثبت رسیده است. آخرین مطلب قلمرو با نام «زیمل و فلسفه پول»، ۱۷ بهمن ۱۳۹۷ انتشار یافته است؛ آن هم در حالی‌که شرکت ناشر آن، یعنی مرکز فرهنگ و ایده هنر از تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۹۶ منحل شده است. این یعنی از آن تاریخ، این شرکت حتی روی کاغذ هم وجود

سروده و منتشر می‌شد. اسون پس از سپری شدن بیش از چهل سال گرانبار، تازه مفهوم رسای «تحد نامقدس سرخ و سیاه» برای افکار عمومی ایرانیان روشن شده است. بر سر چرایی ابراز عقیده عبدالکریم سروش، نظرات چندی بیان شده ولی آنچه از نظر دور مانده این احتمال هست که انتشار چنین مطلبی با هدف انحراف افکار عمومی ایرانیان از ناسامانی‌ها و اختلاف‌های فزاینده در کادر رهبری رژیم اسلامی و افتضاح دزدی‌ها و چپاول‌های کلانی است که از مرزهای ملی فراتر رفته و به یک سوژه شرم‌آور در عرصه جهانی بدل گشته؛ افتضاحی که بخش کوچکی از میراث ایمون روح‌الله خمینی است.

«بخش بزرگی از خاطرات زلمای خلیلزاد از کتاب وی با ترجمه مه‌ران شقاقی نقل شده است.

تعلق دارد. اگرچه ممکن است او پس از خریدن این دامنه، آن را به کسی واگذار کرده و این شرکت به او تعلق نداشته باشد.

شرکت بازرگانی «ونتو» که یکی دیگر از شرکت‌های ثبت شده از سوی مرجان شیخ‌الاسلامی است را شاید بتوان تنها شرکت متعلق به وی دانست که وبسایت فعالی دارد و نام و تصویر خودش را هم به عنوان مدیرعامل شرکت می‌توان در آن دید.

البته علاوه بر این شرکت، دامنه‌های اینترنتی ثبت شده توسط مرجان شیخ‌الاسلامی ۱۱ مورد را شامل می‌شود. نکته جالب ثبت این دامنه‌ها این است که او با ثبت یک ایمیل یاهو به اسم «بابک قادری»، ساکن افغانستان، این دامنه‌ها را خریداری کرده است. رفتارهای اقتصادی نه چندان قابل تحلیل خانم شیخ‌الاسلامی و اتهام وارده به او دال بر سابقه همکاری‌اش با سیاه و حکومت ایران برای دور زدن تحریم‌ها، در نهایت این پرسش را برجسته می‌کند که مرجان شیخ‌الاسلامی آل‌آقا در آمریکا و کانادا دقیقاً چه کار می‌کند؟

برای گرفتن پاسخ و توضیح مرجان شیخ‌الاسلامی درباره پرسش‌های مطرح شده در این گزارش، تلاش کردیم با او تماس بگیریم اما به تماس‌های تلفنی و پیام‌های پاسخی نداد. مهدی خلجی نیز حاضر به گفت‌وگو نشد.

البته خلجی در یادداشتی در وبلاگ خودش، به بحث‌های طرح شده چند روزه اخیر در مورد مرجان شیخ‌الاسلامی و خودش پرداخته و با غیرمنصفانه و نادرست خواندن اتهامات طرح شده علیه همسرش و زیر سوال بردن صلاحیت دادگاه، واکنش نشان داده است.

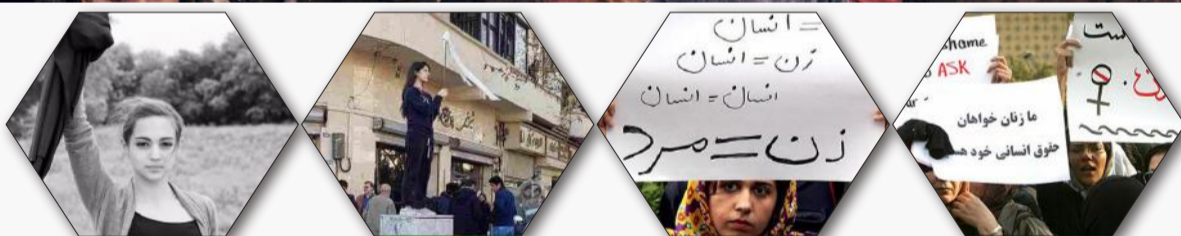


بریتانیا بود. نازنین انصاری، مدیر مسئول کیهان لندن و کیهان لایف نیز از تنوع مبارزات زنان ایران در سالهای اخیر سخن گفت. او گفت ما شاهد درگیری بیشتر زنان ایران و ارتباط گسترده تر آنها با استفاده از شبکه های اجتماعی برای بسط حیطه های مبارزاتی هستیم. ویژگی این مبارزات، به گفته نازنین انصاری، پرهیز از هر خشونت است. مدیر مسئول کیهان لندن اشاره کرد اگر در سالهای گذشته زنانی چون شیرین عبادی یا مهرانگیز کار برای تغییر قوانین جمهوری اسلامی فعالیت می کردند، امروز ما شاهد مبارزات زنان ایرانی برای حقوق خود در چهار گوشه جهان هستیم.

گسترش نافرمانی مدنی

نازنین انصاری افزود، زنان کارزارهای زیادی را در این سالها راه اندازی کرده اند؛ از کارزار برای ورود به ورزشگاهها تا کارزار علیه حجاب اجباری مانند «دوربین ما اسلحه ما» یا «چهارشنبه های سفید» و حرکت نمادین «دختران خیابان انقلاب» که در دسامبر ۲۰۱۷ آغاز شد. کارزارهایی که به گفته این روزنامه نگار، فصل جدیدی را در مبارزات مدنی و نافرمانی مدنی گشوده اند. نازنین انصاری در اشاره به یکی دیگر از ویژگی های مبارزات زنان از نبود یک یا چند رهبر در این مبارزات صحبت کرد و گفت هر زن خود یک رهبر است. آخرین سخنران این کنفرانس، رویا کاشفی مسئول حقوق بشر «انجمن پژوهشگران ایران» بود که گفت اگر ما امروز در رابطه با مبارزات زنان صحبت می کنیم، مدیون کسانی چون روحی شفیعی هستیم که ۴۰ سال پیش این مبارزه را آغاز کردند. رویا کاشفی گفت، زنان در هر نقطه از جهان برای برابری مبارزه می کنند، ولی تفاوت ایران با دیگر کشورها در این است که در کشور ما رژیم به هیچ وجه قصد تغییر در قوانین زن ستیز را ندارد و هرگونه تغییری در این جهت را تهدیدی برای نظام می داند و به همین دلیل زنانی که به حجاب اجباری اعتراض می کنند را متهم به اقدام علیه امنیت ملی می کند. رویا کاشفی در ادامه افزود اگر در دیگر کشورهای اسلامی چون افغانستان یا پادشاهی سعودی ما شاهد تلاش هایی برای تغییر قوانین هستیم، در جمهوری اسلامی هیچ تغییری امکان پذیر نیست چون هر

چهل سال پس از انقلاب اسلامی؛ موانع، چالش ها، دستاوردها و چشم انداز آینده مبارزات زنان ایران



و هیچ نقش دیگری نداشت. مادری که از مادر او در خانه کاملاً متفاوت بود. مادری که برای دخترش از گذشته می گفت و زمانی که حجاب اجباری نبود و زنان حق هر فعالیتی

برگزاری تظاهراتی، چون تظاهرات ۸ مارس سال ۱۹۷۹ (۱۷ اسفند ۵۷) و یا تصدن در وزارت دادگستری علیه اجباری شدن حجاب بپا خواستند و مقاومت کردند. مقاومتی که با آغار

روحی شفیعی گروه دوم را متشکل از زنان وابسته به سازمان مجاهدین خلق و گروه های چپ دانست. هواداران سازمان مجاهدین که گروهی مذهبی است، نه تنها با

اجتماعی زنان در روزها و هفته های اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ۴۰ سال پیش را می توان به سه گروه تقسیم کرد: زنانی که به بخش های سنتی جامعه تعلق

● پارلمان بریتانیا میزبان کنفرانسی در چهلمین سالگر انقلاب اسلامی، با موضوع موانع، چالش ها، دستاوردها و چشم انداز آینده مبارزات زنان ایران برای برابری و به دست آوردن حقوق از دست رفته بود.

● در این کنفرانس که ریاست آن با لیدی جنی تانگ بود، نازنین انصاری، روحی شفیعی، تبنا قاضی مراد، طاهره دانش و رویا کاشفی سخنرانی کردند.

● این کنفرانس به میزبانی کیهان لایف (Kayhan Life) و ائتلاف بین المللی علیه خشونت در ایران (ایکاوی ICACVI) برگزار شد.

احمد رأفت - کنفرانسی که روز چهارشنبه ۱۳ مارس با این عنوان برگزار شد با نمایش ویدیویی کوتاه در رابطه با موقعیت زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ خورشیدی و همچنین مبارزات زنان ایران در چهل سال گذشته برای به دست آوردن حقوق از دست رفته و همچنین علیه حجاب اجباری آغاز گشت. لیدی جنی تانگ که مدیریت این کنفرانس را عهده دار بود، پس از خوشامدگویی میکروفون را در اختیار روحی شفیعی از «بنیانگذاران ائتلاف بین المللی علیه خشونت در ایران» (ایکاوی) گذاشت.

روحی شفیعی سخنان خود را با اشاره به حکم جدید زندان برای نسرین ستوده و کیل دادگستری و مدافع حقوق بشر آغاز کرد که رضا خندان همسر این وکیل در روزهای گذشته اعلام کرد که به ۲۸ سال زندان و ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم شده است. بنیانگذار «ائتلاف بین المللی علیه خشونت در ایران» در ادامه افزود که نسرین ستوده تنها زن زندانی در جمهوری اسلامی نیست. وی از نرگس محمدی و آتنا دائمی نیز نام برد که به ۱۶ و ۱۴ سال زندان برای مخالفت با مجازات اعدام محکوم شده اند. روحی شفیعی به وضعیت سپیده قلیان روزنامه نگاری که همراه با اسماعیل بخشی، یکی



لیدی جنی تانگ، نازنین انصاری، تبنا قاضی مراد



از راست: رویا کاشفی، روحی شفیعی، لیدی جنی تانگ، نازنین انصاری، تبنا قاضی مراد



سخنرانی رویا کاشفی

تغییری را چالشی برای کلیت نظام می داند. در خاتمه این کنفرانس که دو ساعت به طول انجامید، برخی از حاضرین پرسش هایی مطرح کردند از جمله در رابطه با نقش شبکه های اجتماعی در رشد و گسترش مبارزات زنان و یا چه عواملی می توانند بهبودی در قوانین در جمهوری اسلامی به وجود آورند که سخنرانان به توضیح و گفتگو درباره آنها پرداختند.

این روزنامه نگار جوان گفت که او و بسیاری از هم نسل های وی به خاطر همان گذشته است که امروز برای آینده خود مبارزه می کنند و حاضر نیستند در مقابل حجاب اجباری یا قوانین زن ستیز سر خم کنند و بدون واکنش هر آنچه نظام به زنان دیکته می کند بپذیرند. طاهره دانش از «بنیاد آموزشی پرشیا»، از خلاقیت زنان در داخل و خارج از کشور گفت اگرچه تاکیدش بر خانواده های ایرانی در

جنگ ایران و عراق برای مدت ده سال متوقف شد.

فرزندان یاعی انقلاب

سخنران بعدی تبنا قاضی مراد روزنامه نگار جوانی از شبکه تلویزیونی «منوتو» بود. وی از نسلی گفت که در سال های پس از انقلاب متولد شده است. تبنا قاضی مراد به دوران کودکی و دبستانی اشاره کرد که در کتاب های درسی زن تنها مادر بود

حجاب اجباری مشکلی نداشتند بلکه به گفته روحی شفیعی از حجاب به عنوان لباس سازمانی استفاده می کردند و هنوز هم می کنند. زنان وابسته به گروه های چپ نیز در ابتدای انقلاب اسلامی در پیروی از سیاست های سازمانی راه سکوت در مقابل اجباری شدن حجاب را انتخاب کردند. روحی شفیعی یادآوری کرد که در آن دوران تنها زنان شاغل و تحصیل کرده بودند که با

داشتند، زنانی که سال های آخر نظام پهلوی در گروه ها و سازمان های سیاسی مسلح فعال بودند و زنان تحصیل کرده ای که در نظام قبلی به کار مشغول بودند. به گفته روحی شفیعی، انقلاب اسلامی گروه اول را به خیابان کشاند و حتا با فتوایی به امضای روح الله خمینی آنها را از داشتن اجازه همسر برای شرکت در تظاهرات معاف کرد و از آنها جبهه ای در حمایت از قوانین زن ستیز ساخت.

از رهبران جنبش اعتراضی نیشکر هفت تپه برای بار دوم بازداشت شده است و تحت سخت ترین فشارهای جسمی و روحی قرار دارد نیز اشاره کرد.

مبارزات زنان برای برابری ۴۰ سال پیش آغاز شد

روحی شفیعی در این کنفرانس اشاره کوتاهی نیز به مبارزات زنان بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت که جایگاه